



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مجله پژوهش‌های اسلامی، زمستان ۱۳۹۴

جرعه‌های رسالت

ارسطائی از ذر و اثره‌های نبوی

پایه علمی: فلسفه اسلامی، ۱۳۹۴

پیشین‌مقاله



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جرعه های رسالت "ارمغانی از در واژه های نبوی صلی الله علیه و آله و سلم"

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	جرعه های رسالت: ارمغانی از دروازه های نبوی صلی الله علیه و آله و سلم
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۱۸	دیبچه
۲۰	پیش گفتار
۲۳	بخش اول: پیام سعادت
۲۳	اشاره
۲۴	آبرومندی
۲۴	آخرت فروشی
۲۵	آداب مهمانی
۲۵	آموزش
۲۶	آموزگار خشن
۲۷	آینده نگری در کار
۲۸	الف
۲۸	اشاره
۳۹	احترام به آموزگار
۳۹	احترام به حقوق دیگران
۴۱	احترام به هم نشینان
۴۱	احسان و نیکوکاری
۴۲	ارتباط با ثروت مندان
۴۲	ارزش علم و عبادت
۴۳	ارزش هدایت دیگران
۴۴	استبداد رأی

۴۴	استفاده از تجربه های دیگران
۴۵	استقامت
۴۶	اظهار خوشحالی از گناه
۴۶	اظهار کردن حق
۴۷	اظهار نکردن فقر
۴۷	اعتدال و میانه روی
۴۸	امیدواری به رحمت خداوند
۴۹	بازتاب رفتار
۵۰	بازخواست مؤدبانه
۵۰	بازگشت
۵۱	بازی و تفریح
۵۲	بدترین فقر
۵۲	بدگویی در غیاب افراد
۵۳	بدهکاری در اثر قرض های نابجا
۵۳	برادران الهی
۵۴	برخورد جوان مردانه با محرومان
۵۴	برخورد مناسب با زبردستان
۵۵	بصیرت به خود
۵۵	بهترین کردار
۵۶	بی احترامی به والدین
۵۷	بی نیازی و توانگری
۵۸	پاسداری در راه خدا
۵۸	پاکیزگی
۵۹	پرحرفی
۵۹	پرخورى
۶۰	پرخورى و سخت دلی

۶۰	پرداخت بدهی برادران دینی
۶۱	پرده پوشی
۶۱	پرسش قیامت
۶۲	پرسش گری
۶۳	پرگویی
۶۴	پرورش روح نیکوکاری
۶۴	پرهیز از دخالت نابجا
۶۴	پرهیز از سخت گیری
۶۶	پرهیز از نجوا
۶۶	پشتکار
۶۷	پناهگاه نیازمندان
۶۸	پندآموزی از درگذشتگان
۶۸	پند و اندرز
۶۹	پیشرفت معنوی
۶۹	پیمان ازدواج
۷۱	تأخیر در انجام کار
۷۱	تأخیر در پرداخت بدهی
۷۲	تأمین پوشاک مستمندان
۷۲	رعایت عدالت میان فرزندان
۷۳	تحقیر دیگران
۷۳	تدبیر و خویشتن داری
۷۴	تربیت فرزند
۷۴	ترحم
۷۵	ترویج فساد
۷۶	تظاهر به گناه
۷۷	تظاهر و ریا

۷۷	تکریم دیگران
۷۸	تلاوت قرآن
۷۹	تنفر از گناه
۸۰	توکل به قدرت الهی
۸۰	تهمت دزدی
۸۲	ثروت اندوزی
۸۲	ثروت مندان بی تفاوت
۸۳	جبران نیکی
۸۴	جدال همیشگی
۸۴	جدایی نزدیکان
۸۵	جلب اعتماد مردم
۸۶	جلب رضایت الهی
۸۶	جنس فاسد
۸۷	جواب نامه
۸۷	چشم داشتن به مال دیگران
۸۸	حفظ آبرو
۸۹	حفظ آبروی دیگران
۸۹	حق کشی
۹۰	حل اختلاف
۹۰	حلال و حرام
۹۱	حیا و ایمان
۹۲	خبر ناموثق
۹۲	خداترسی
۹۳	خداخواهی
۹۳	خداجوری و رضایت الهی
۹۵	خدمت به مردم

۹۵	خدمت‌گزاری
۹۶	خریدار پشیمان
۹۶	خرید نسیه
۹۷	خشم
۹۸	خواب صبح‌گاهی
۹۸	خواندن نامه دیگران
۹۹	خوش‌بویی
۹۹	خوش‌رفتاری با خانواده
۱۰۰	خوش‌رفتاری با مردم
۱۰۰	خوش‌قلبی
۱۰۱	خیرخواهی
۱۰۱	دانش‌اندوزی
۱۰۲	دانشمندان بی‌عمل
۱۰۳	دانشمند فاسد
۱۰۴	دانشوری
۱۰۵	دخالت در درگیری
۱۰۵	در انتظار فردا
۱۰۶	درخت‌کاری
۱۰۶	درخواست
۱۰۷	دروغ‌گویی
۱۰۸	دعا در غیاب دیگران
۱۰۹	دعوت به گمراهی
۱۰۹	دگرگونی‌های زندگی
۱۱۰	دنیاگرایی
۱۱۱	دوراندیشی
۱۱۱	دورویان

- ۱۱۲ دوری از مواضع اتهام
- ۱۱۳ دوستی خدا
- ۱۱۳ دین داری
- ۱۱۴ دین گریزی
- ۱۱۵ راز داری
- ۱۱۵ راست گویان دروغین
- ۱۱۶ راه نجات و رستگاری
- ۱۱۷ راهنمایی
- ۱۱۸ رسوایی آخرت
- ۱۱۸ رسیدگی به خانواده
- ۱۱۹ رسیدگی به فرزندان
- ۱۲۰ رضایت خلق
- ۱۲۰ رفع نیازمندی ها
- ۱۲۱ روش تبلیغ
- ۱۲۲ زهد و پارسایی
- ۱۲۲ زیبا سخن گفتن
- ۱۲۳ سست ایمانی و تجمل گرایی
- ۱۲۴ سپردن کار به کاردان
- ۱۲۴ ستایش بدکار
- ۱۲۵ ستایش فریب کارانه
- ۱۲۶ ستایش های بی جا
- ۱۲۶ سحر خیزی و بی نیازی
- ۱۲۷ سخنان دل نشین
- ۱۲۷ سد معبر
- ۱۲۸ سرانیشیی سقوط
- ۱۲۹ سرعت در خیرات

- ۱۲۹ سستی در عبادت
- ۱۳۰ سلام
- ۱۳۱ سودمندی
- ۱۳۱ سوغات سفر
- ۱۳۲ سوگند ناصواب
- ۱۳۳ شادی چشم ها
- ۱۳۳ شایسته سالاری
- ۱۳۴ شتاب در توبه
- ۱۳۵ شرکت در مجلس ختم
- ۱۳۵ شغل مناسب
- ۱۳۶ شکار بی دلیل حیوانات
- ۱۳۶ شکر نعمت
- ۱۳۷ شنیدن سخنان خوب
- ۱۳۷ شهادت دروغ
- ۱۳۸ صدا زدن به بهترین نام ها
- ۱۳۸ صداقت در تجارت
- ۱۳۹ صله رحم
- ۱۴۰ ضیافت مقبول
- ۱۴۱ طلب عافیت برای دیگران
- ۱۴۱ عالم به دنیا و جاهل به آخرت
- ۱۴۲ عبادت مخفی
- ۱۴۲ عذرپذیری
- ۱۴۳ عزت نفس
- ۱۴۳ عزیزان به ذلت افتاده
- ۱۴۴ عفت کلام
- ۱۴۴ عفو به هنگام قدرت

- ۱۴۵ علاقه به کار
- ۱۴۵ عیادت از بیماران
- ۱۴۷ غذای دسته جمعی
- ۱۴۷ غرور علمی
- ۱۴۸ غوغا سالاری
- ۱۴۹ فداکاری برای دین
- ۱۴۹ فروش مسکن
- ۱۵۰ فریب کاران
- ۱۵۱ قرض گرفتن
- ۱۵۱ قضاوت
- ۱۵۲ قناعت
- ۱۵۳ کارگشایی
- ۱۵۳ کردار نیک
- ۱۵۴ کسب حلال
- ۱۵۴ کم حوصله بودن
- ۱۵۵ کمک به تحصیل فرزندان
- ۱۵۶ کمک به نابینایان
- ۱۵۶ کمک در ابلاغ پیام
- ۱۵۷ کم گویی
- ۱۵۷ کوچک شمردن دیگران
- ۱۵۸ کوچک شمردن مشکلات
- ۱۵۸ کیفیت بخشیدن به کار
- ۱۵۹ گذشت
- ۱۶۰ گردش ایام
- ۱۶۰ گشاده رویی
- ۱۶۱ گشایش در زندگی

- ۱۶۲ گوه‌های درخشان
- ۱۶۳ لبخند
- ۱۶۳ لجاجت و ستیزه جویی
- ۱۶۴ مبارزه با هوای نفس
- ۱۶۴ مدارا با بدهکاران
- ۱۶۵ مدارا با مردم
- ۱۶۶ مدارای مشروط
- ۱۶۶ مداومت بر کار خیر
- ۱۶۷ مردم آزاری
- ۱۶۸ مزد کارگر
- ۱۶۸ مشارکت در کارخانه
- ۱۶۹ مشورت
- ۱۶۹ ملاحظه کاری
- ۱۷۰ مهمان ناخوانده
- ۱۷۱ میزان سنجش عقل
- ۱۷۲ نفرین ستم دیدگان
- ۱۷۳ نگاهی به دنیا، نگاهی به آخرت
- ۱۷۴ نماز
- ۱۷۴ نماز شب
- ۱۷۵ نماز صبح در مسجد
- ۱۷۵ نیکوکاری
- ۱۷۷ وساطت در ازدواج
- ۱۷۷ وصیت نامه
- ۱۷۸ وظایف والدین
- ۱۷۸ وفای به عهد
- ۱۷۹ هدیه

۱۸۰	هدیه معنوی
۱۸۰	هم نشینی با فقیران
۱۸۱	هم نشینی با نیکان
۱۸۲	یادداشت دانستنی ها
۱۸۲	یاد کرد نیکی مردگان
۱۸۳	یتیم نوازی
۱۸۴	بخش دوم: سیری در گلستان نبوی صلی الله علیه و آله
۱۸۴	اشاره
۱۸۴	فصل اول: خوشه های نور
۱۸۴	اشاره
۱۸۵	ارزش عمر
۱۸۶	بریدن سخن دیگران
۱۸۶	به دنبال مال حلال
۱۸۸	تکریم سالمندان
۱۸۸	توبه در جوانی
۱۹۰	خلوت انس
۱۹۰	خودشناسی و خدانشناسی
۱۹۲	دانشوری
۱۹۴	دشمن ترین دشمن ها
۱۹۴	دوای نادانی
۱۹۶	راست گویی
۱۹۶	زن شایسته
۱۹۸	سربار جامعه
۲۰۰	سودمندترین مردم
۲۰۲	طمع ورزی
۲۰۴	عزت مؤمن

۲۰۶ مسافرت

۲۰۶ هدیه نیکو

۲۰۸ فصل دوم: ۸۵ مروارید محمدی صلی الله علیه و آله

۲۲۹ کتاب نامه

۲۳۱ درباره مرکز

جرعه های رسالت: ارمغانی از در واژه های نبوی صلی الله علیه و آله و سلم

مشخصات کتاب

سرشناسه: اسحاقی، حسین، ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور: جرعه های رسالت: "ارمغانی از در واژه های نبوی صلی الله علیه و آله و سلم" / حسین اسحاقی.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.

شابک: ۱۰۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۵۴۰-۰۱۰-۴

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۹] - ۲۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: ارمغانی از در واژه های نبوی.

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق -- کلمات قصار.

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق -- احادیث.

موضوع: اخلاق اسلامی.

موضوع: احادیث اخلاقی.

رده بندی کنگره: BP۱۴۲/۵ / الف ۵ ج ۴ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۶۴۲۴

ص: ۱

اشاره

زان که ملت را حیات از عشق اوست

برگ ساز کاینات از عشق اوست * * *

نفس، آشفته موجی از یم اوست

نی ما، نغمه ما از دم اوست

لب جوی ابد چون سبزه رُستیم

رگ ما ریشه ما از غم اوست

اقبال لاهوری

بیان شیرین و سخن دل نشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، شفابخش ترین داروی دل های خسته ای است که راه و راهنمای کمال و سرچشمه خورشید را جست و جو می کنند. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

بی گمان دل ها نیز بسان بدن ها خسته می شوند. پس برای رفع خستگی دل، طرفه حکمت هایی بجویید.

به راستی، سفارش ها و رهنمودهای پیامبر، مانند بهاریه ای است که فضای جان را سرسبز و باطراوت می سازد.

ز گفتار دانا، توانا شوی

بگویی از آن سان کزو بشنوی

صرف باطل نکند عمر گرامی پروین

آن که چون پیر خرد، راهنمایی دارد

پروین اعتصامی

و خوشا به حال آنان که گل های رنگارنگ از شاخ مراد می چینند. حال که ناخدای سبزپوش بحر ولایت، جان زمان را به نام همیشه نورانی رسول وحی و پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله آذین بسته، بهترین فرصت برای این کار است و سخنان گهربار پیامبر بهترین هدیه ای است که می توان در آغاز بهار هدیه همراهان ساخت. نبی مکرم می فرماید:

مسلمان به برادرش، بهتر از کلمه ای حکمت آمیز که بر هدایت او بیفزاید یا او را از سقوط بازدارد، هدیه نمی دهد. (۱)

این مجموعه را که با هدف نهادینه سازی رهنمودهای پیامبر تهیه شده است و سبزی بهار را در آئینه سخنان رسول اعظم صلی الله علیه و آله می جوید، تقدیم برنامه سازان ارجمند می کنیم؛ باشد که رواق دل هایمان با نام و یاد او عطر آگین شود.

در پایان، از تلاش های ارزنده پژوهشگر ارجمند، جناب آقای سیدحسین اسحاقی در تهیه و تنظیم این اثر بسیار سپاس گزاریم.

آنّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۴

چه احتیاج به عطر است آن پری رو را

به گل ضرور نباشد گلاب پاشیدن

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هر جا که دل های مردم را برای شنیدن آماده می دید، سخن می گفت؛ چه بر منبر، چه روی زمین و چه سوار بر شتر؛ گاه نیز ایستاده سخنرانی می کرد. اگر بر فراز منبر می رفت، رویش را به طرف مردم می کرد و به آنان درود می فرستاد و پایان خطابه اش با استغفار همراه بود. همواره محور سخنانش، درود بر خداوند و ستایش او به خاطر نعمت هایش، توصیف کمال و ستایش او، آموزش بنیان های اسلام، یادآوری بهشت و دوزخ و سرای واپسین، سفارش به پارسایی و تبیین موارد خشم و خرسندی آفریدگار بود.

چنان شمرده سخن می گفت که شنونده می توانست واژگانش را بشمارد. همچنین فشرده گوترین انسان ها بود، ولی در عین ایجاز تمامی آنچه را می خواست بگوید، بیان می کرد. نه زیاده گویی داشت و نه کم گویی؛ جمله هایش پی در پی بود و میان آنها لحظه ای خاموش می ماند تا شنونده، سخنانش را دریابد و به خاطر بسپارد.

شیرین سخن ترین و شیواگوترین مردمان بود و می فرمود: «من فصیح ترین عربم». باری، بهشتیان به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می گویند. جز به ضرورت سخن نمی گفت و می فرمود: «از نشانه های دانایی آدمی این است که در مسائل بیهوده، اندک سخن گوید». نه بسیار کم سخن بود و نه پرگو. هنگام حرف زدن، دهان را کاملاً باز نمی کرد و زمانی که سخن می گفت، شنوندگان سرشان را پایین می انداختند و چنان آرام بودند که گویا پرنده ای بر سرشان نشسته است و چون خاموش می شد، آنان حرف می زدند. ایشان به پُرگویان هشدار می داد و می فرمود:

هر که گفتارش بسیار باشد، اشتباهش بسیار شود و کسی که اشتباهش زیاد باشد، گناهانش بسیار گردد و هر که گناهانش بسیار باشد، دوزخ برای او شایسته تر است. (۱)

ایشان هیچ گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نگفت و می فرمود: «ما پیامبران، مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهم آنان سخن بگوییم». (۲)

رسول الله صلی الله علیه و آله، نمونه کامل تجلی این هنر و ادب است؛ او سخنش عمیق، بامحتوا، زیبا، سنجیده و مختصر بود و اضافه گویی و کاستی در سخن ایشان یافت نمی شد. آداب سخن را کاملاً رعایت می کرد، شمرده و آرام سخن می گفت و در گفتارش صراحت لهجه و صدق داشت. در سخن گفتن سطح درک و فهم مخاطب را همواره در نظر داشت. او فصیح ترین سخن را داشت و لحن سخن او جالب، جذاب و شیرین بود. با صدای کوتاه سخن می گفت و کسی را با سخن نمی رنجاند. نعمت را هر چند ناچیز، گرامی می داشت و از آن بدگویی نمی کرد. چون سخن می گفت، دست ها را به هم می پیوست و با انگشت شست دست چپ بر کف دست راست می زد.

سخن از ترسیم سیمای آفتاب است؛ نور و درخشش او چشم ها را خیره و دل ها را می رباید؛ آفتابی که دل و جان هر آزاده ای با آن آشناست. این مجموعه، رشحه ای از کلمات ناب رسول الله صلی الله علیه و آله است که از نور محمد صلی الله علیه و آله برگرفته ایم و ما تنها وظیفه گوهرنمایی را برعهده داریم. باشد که آینه کلاممان بتواند عطر وجود پیامبر را از خلال گفته های حکمت آموزش، به مشام جان ها بپراکند.

آنچه پیش روی شماست، اندکی از اقیانوس بی کران سخنان رسول الله صلی الله علیه و آله است که به پیشواز سال پر برکت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نگارش یافته است. امید که رهروی شایسته برای نور تابانش باشیم.

ص: ۶

۱- بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۱۸.

۲- همان، ج ۱۶، ص ۲۸۰.

یکی خط است ز اول تا به آخر

بر او خلق جهان گشته مسافر

در این راه، انبیا چون ساربانند

دلیل و راهنمای کاروانند

وز ایشان سید ما گشته سالار

هم او اول، هم او آخر در این کار

بر او ختم آمده پایان این راه

در او مُنزل شده اُدْعُوا الی الله

شایسته است تا از تلاش دوستان در مدیریت انتشارات به ویژه آقای محمدصادق دهقان، ویراستار اثر در به سرانجام رساندن این تحفه احمدی سپاس گزاری کنیم.

جا دارد که اندیشه ورزان بیش از پیش در دریای موج سخنان رسول اعظم صلی الله علیه و آله غور کنند و به قدر توان از ذخایر ارزشمند آن بهره گیرند و ارمغان راه دیگران سازند. امید که سال مزین به ساحت مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله، بیش از پیش، از عطر سخنان او آغشته گردد و اخلاق نبوی در روح و جانمان نقش بندد.

ان شاء الله

ص: ۷

بخش اول: پیام سعادت

اشاره

بخش اول: پیام سعادت

زیر فصل ها

آبرومندی

آخرت فروشی

آداب مهمانی

آموزش

آموزگار خشن

آینده نگری در کار

ص: ۸

آبرومندی

آبرومندی

انسان های شریف و بزرگوار هرگز حاضر نیستند اندکی از آبروی خود را در برابر همه ثروت های جهان بدهند. از دیدگاه آنان، انسان بی آبرو مانند تن بی جان است که از هیچ ارزشی، نصیب و بهره ای ندارد. آنان با این اعتقاد می کوشند آبروی خود را به هر شکل ممکن، حفظ و در برابر سختی ها پایداری کنند. در مقابل، کسانی نیز حاضرند برای به دست آوردن جاه و مال و مقام از آبروی خود مایه بگذارند و به هر کار ناشایستی تن در دهند. اینان تنها به این دل خوشند که توانسته اند متاع بی ارزش دنیا را به دست آورند. داوری با شماست؟ آیا می توان با ثروت و اندوخته های دنیوی، آبروی از دست رفته را به انسان آزاده برگرداند؟ پیامبر گرامی اسلام در مقام بیان ارزش و اهمیت حفظ آبرو می فرماید:

ذُبُّوا عَن أَعْرَاضِكُم بِأَمْوَالِكُمْ. (۱)

با اموال خود از آبروی خویش دفاع کنید.

آخرت فروشی

آخرت فروشی

بعضی افراد به دلیل برخورداری از مال و مقام و دیگر ظواهر مادی _ که صد البته ناچیز و فانی است _ معنویت خود را فدا می کنند و کالای با ارزش ایمان را به قیمت کم می فروشند. اینان پس از مدتی، خود را در این معامله نابرابر، زیان کار می بینند و به پشیمانی و عذاب وجدان دچار می شوند. آنان به راستی از زیان کارانند. زیان کارتر و بدبخت تر از این گروه، کسانی هستند که برای دنیای دیگران، دین خود را می فروشند. اینان به کسانی یاری می رسانند که در روز حساب، یاور آنان نخواهند بود. چنین افرادی

ص: ۹

به دلیل کمک به دنیاپرستان و مسلط کردن آنان بر مردم، گناه بزرگی به گردن خواهند گرفت. پیامبر راستین اسلام می فرماید:

إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ مَنْزِلَهُ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدًا أَذْهَبَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ. (۱)

بدترین مردم از نظر مقام در روز قیامت، کسی است که آخرتش را برای دنیای دیگران بفروشد.

آداب مهمانی

آداب مهمانی

پذیرش و بزرگداشت مهمان از صفات پسندیده است. میزبان همواره باید مقدم مهمان را گرامی بدارد. میهمان نیز نباید از این دستور اخلاقی سوءاستفاده کند و با زیاده خواهی و خرج تراشی، صاحب خانه را به زحمت افکند. مهمان باید بداند که حتی اگر در قالب شوخی، درخواستی بکند، ممکن است میزبان _ به دلیل موقعیت میزبانی اش _ آن را جدی تلقی کند و در راه فراهم آوردن آن، خرج سنگینی را متحمل شود. از آن سو، میزبان نیز نباید با تکلف و دشواری خودخواسته، سفره خویش را رنگین سازد؛ زیرا این کار افزون بر اسراف کاری، میهمان را که در اندیشه جبران مهمانی است، به زحمت خواهد انداخت. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به ساده بودن سفره های مهمانی می فرماید:

لَا يَتَكَلَّفَنَّ أَحَدٌ لِيَصِيفِهِ مَا لَا يَقْدِرُ. (۲)

میزبان نباید با تکلف، آنچه را قدرت ندارد، برای میهمان فراهم سازد.

آموزش

آموزش

کسانی که از دانش بهره مندند، حق ندارند به بهانه های واهی با درخواست کردن مبلغ های بسیار، انتظار دانش پژوهان را بی پاسخ بگذارند و به تقاضای آنان پاسخ منفی

ص: ۱۰

۱- همان، ش ۹۱۵.

۲- همان، ش ۲۵۲۰.

بدهند. علما، استادان و معلمان وظیفه دارند تشنگان دانش را از دانش خویش بهره مند سازند. بی تردید، کسانی که توانایی انجام آموزش را دارند، ولی از زیر بار آن شانه خالی می کنند، نزد خداوند مسئولند. خداوند با اعطای نعمت دانش و برداشتن موانع گوناگون از پیش پایشان، از آنان انتظار دارد که در برابر این نعمت بزرگ، دیگران را از دانش خود سیراب سازند. بی تفاوتی و بی توجهی آموزگاران در برابر دانش جویان، با بازخواست شدید خداوند همراه خواهد بود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسْأَلُ الْعَبْدَ عَنْ فَضْلِ عِلْمِهِ كَمَا يَسْأَلُهُ عَنْ فَضْلِ مَالِهِ. (۱)

خداوند از انسان درباره زیادی علمش بازخواست می کند، همان گونه که درباره زیادی مالش بازخواست می کند.

آموزگار خشن

آموزگار خشن

تعلیم و تربیت در اسلام، جایگاه ویژه ای دارد و آموزگار و دانش آموز، هر دو مورد احترام هستند، هرچند ارزش استاد و آموزگار به مراتب بیشتر است. آموزگار وظیفه دارد با شاگردان خود مهربان باشد، تا انگیزه و رغبت آنان به تحصیل دانش افزایش یابد. صبر و حوصله و آگاهی آموزگار از فنون تعلیم و تربیت، بسیار سازنده و کارگشا خواهد بود. برعکس، هرگونه خشونت و فشارهای بی امان روحی، می تواند نوآموز را دل سرد و ناتوان کند و او را به فرار از تحصیل وادارد. افراد بسیاری بوده اند که به دلیل برخوردهای ناسنجیده و رفتارهای خشونت آمیز آموزگار، از درس و تحصیل بازمانده و به افرادی کم ثمر تبدیل شده اند. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام به آموزگاران توصیه می فرماید:

عَلِّمُوا وَلَا تُعْزِفُوا فَإِنَّ الْمُعَلَّمَ خَيْرٌ مِنَ الْمُعْنِفِ. (۲)

آموزش دهید و خشونت نکنید؛ زیرا آموزگار بهتر از خشونتگر است.

ص: ۱۱

۱- همان، ش ۷۶۱.

۲- همان، ش ۱۹۵۸.

باید پیش از انجام هر کاری، سود و زیان مادی و معنوی آن را سنجید و با مقایسه دریافت که آیا انجام آن کار به سود و صلاح است یا خیر؟ کسانی که در زندگی چنین محاسبه ای را در نظر می گیرند، نه تنها پشیمان نخواهند شد، بلکه همیشه از نتیجه کار خوشنودند. در حقیقت، هر کار سنجیده و حساب شده ای به کام یابی بسیار نزدیک است. پس یکی از راه های موفقیت در زندگی این است که انسان جوانب هر کاری را بسنجد و سود و زیان آن را بررسی کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَفْعَلَ أَمْرًا فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا فَاَمْضِهِ وَإِنْ كَانَ شَرًّا فَانْتِهِ. (۱)

هرگاه خواستی کاری انجام دهی، درباره نتیجه اش بیاندیش؛ اگر نتیجه نیک است، انجام بده و اگر بد است، از انجام آن پرهیز کن.

ص: ۱۲

الف

زیر فصل ها

احترام به آموزگار

احترام به حقوق دیگران

احترام به هم نشینان

احسان و نیکوکاری

ارتباط با ثروت مندان

ارزش علم و عبادت

ارزش هدایت دیگران

استبداد رأی

استفاده از تجربه های دیگران

استقامت

اظهار خوشحالی از گناه

اظهار کردن حق

اظهار نکردن فقر

اعتدال و میانه روی

امیدواری به رحمت خداوند

بازتاب رفتار

بازخواست مؤدبانه

بازگشت

بازی و تفریح

بدترین فقر

بدگویی در غیاب افراد

بدهکاری در اثر قرض های نابجا

برادران الهی

برخورد جوان مردانه با محرومان

برخورد مناسب با زیردستان

بصیرت به خود

بهترین کردار

بی احترامی به والدین

بی نیازی و توانگری

پاسداری در راه خدا

پاکیزگی

پرحرفی

پرخوری

پرخوری و سخت دلی

پرداخت بدهی برادران دینی

پرده پوشی

پرسش قیامت

پرسش گری

پرگویی

پرورش روح نیکوکاری

پرهیز از دخالت نابجا

پرهیز از سخت گیری

پرهیز از نجوا

پشتکار

پناهگاه نیازمندان

پندآموزی از درگذشتگان

پند و اندرز

پیشرفت معنوی

پیمان ازدواج

تأخیر در انجام کار

تأخیر در پرداخت بدهی

تأمین پوشاک مستمندان

رعایت عدالت میان فرزندان

تحقیر دیگران

تدبیر و خویشتن داری

تربیت فرزند

ترحم

ترویج فساد

تظاهر به گناه

تظاهر و ریا

تکریم دیگران

تلاوت قرآن

تنفر از گناه

توکل به قدرت الهی

تهمت دزدی

ثروت اندوزی

ثروت مندان بی تفاوت

جبران نیکی

جدال همیشگی

جدایی نزدیکان

جلب اعتماد مردم

جلب رضایت الهی

جنس فاسد

جواب نامه

چشم داشتن به مال دیگران

حفظ آبرو

حفظ آبروی دیگران

حق کشی

حل اختلاف

حلال و حرام

حیا و ایمان

خبیر ناموثق

خداترسی

خداخواهی

خدا محوری و رضایت الهی

خدمت به مردم

خدمت گزاری

خریدار پشیمان

خرید نسبیہ

خشم

خواب صبح گاهی

خواندن نامه دیگران

خوش بویی

خوش رفتاری با خانواده

خوش رفتاری با مردم

خوش قلبی

خیرخواهی

دانش اندوزی

دانشمندان بی عمل

دانشمند فاسد

دانشوری

دخالت در درگیری

در انتظار فردا

درخت کاری

درخواست

دروغ گوئی

دعا در غیاب دیگران

دعوت به گمراهی

دگرگونی های زندگی

دنیاگرایی

دوراندیشی

دورویان

دوری از مواضع اتهام

دوستی خدا

دین داری

دین گریزی

راز داری

راست گویان دروغین

راه نجات و رستگاری

راهنمایی

رسوایی آخرت

رسیدگی به خانواده

رسیدگی به فرزندان

رضایت خلق

رفع نیازمندی ها

روش تبلیغ

زهد و پارسایی

زیبا سخن گفتن

سست ایمانی و تجمل گرایی

سپردن کار به کاردان

ستایش بدکار

ستایش فریب کارانه

ستایش های بی جا

سحرخیزی و بی نیازی

سخنان دل نشین

سد معبر

سراشویی سقوط

سرعت در خیرات

سستی در عبادت

سلام

سودمندی

سوغات سفر

سوگند ناصواب

شادی چشم‌ها

شایسته سالاری

شتاب در توبه

شرکت در مجلس ختم

شغل مناسب

شکار بی دلیل حیوانات

شکر نعمت

شنیدن سخنان خوب

شهادت دروغ

صدا زدن به بهترین نام‌ها

صداقت در تجارت

صله رحم

ضیافت مقبول

طلب عافیت برای دیگران

عالم به دنیا و جاهل به آخرت

عبادت مخفی

عذرپذیری

عزت نفس

عزیزان به ذلت فتاده

عفت کلام

عفو به هنگام قدرت

علاقه به کار

عیادت از بیماران

غذای دسته جمعی

غرور علمی

غوغا سالاری

فداکاری برای دین

فروش مسکن

فریب کاران

قرض گرفتن

قضاوت

قناعت

کارگشایی

کردار نیک

کسب حلال

کم حوصله بودن

کمک به تحصیل فرزندان

کمک به نابینایان

کمک در ابلاغ پیام

کم گویی

کوچک شمردن دیگران

کوچک شمردن مشکلات

کیفیت بخشیدن به کار

گذشت

گردش ایام

گشاده رویی

گشایش در زندگی

گوهرهای درخشان

لبخند

لجاجت و ستیزه جویی

مبارزه با هوای نفس

مدارا با بدهکاران

مدارا با مردم

مدارای مشروط

مداومت بر کار خیر

مردم آزاری

مزد کارگر

مشارکت در کارخانه

مشورت

ملاحظه کاری

مهمان ناخوانده

میزان سنجش عقل

نفرین ستم دیدگان

نگاهی به دنیا، نگاهی به آخرت

نماز

نماز شب

نماز صبح در مسجد

نیکوکاری

وساطت در ازدواج

وصیت نامه

وظایف والدین

وفای به عهد

هدیه

هدیه معنوی

هم نشینی با فقیران

هم نشینی با نیکان

یادداشت دانستنی ها

یاد کرد نیکی مردگان

یتیم نوازی

احترام به آموزگار

احترام به آموزگار

آموزگار، مقدس ترین واژه ای است که شنیدن آن، مهر، محبت و دانایی را در ذهن انسان تداعی می کند. آموزگار با پیام خود، دل های مرده را حیات می بخشد و آنان را از تاریکستان نادانی به سرزمین آباد و نورانی دانش رهنمون می سازد. به راستی، آموزگاران، ادامه دهندگان راه پیامبرانند که روزه های دانش را به سوی دانش پژوهان می گشایند. خود مانند شمع می سوزند تا در پرتو روشنایی آنان، دیگران راه هدایت را بیمایند. اگر امروز، پرده های جهل و تاریکی دریده شده و انسان به پیشرفت های جدید دست یافته است، در سایه زحمت های طاقت فرسای آموزگاران است. پیامبر اسلام که خود، آموزگار انسان هاست، می فرماید:

وَقُرُّوا مَنْ تَعَلَّمُونَ مِنْهُ الْعِلْمَ وَوَقُرُّوا مَنْ تَعَلَّمُونَهُ الْعِلْمَ. (۱)

به کسانی که از آنان دانش می آموزید و نیز به کسی که به او دانش می آموزید، احترام بگذارید.

احترام به حقوق دیگران

احترام به حقوق دیگران

همان گونه که آدمی دوست دارد دیگران به حق او تجاوز نکنند و احساسش را نادیده نگیرند، خود نیز به حکم وجدان و انسان بودن، وظیفه دارد تا حقوق همه انسان ها را محترم شمارد. اگر خدای ناکرده تصمیم گرفتید نسبت به حق کسی بی توجهی کنید، شایسته است پیش از اجرای این تصمیم، خود را به جای او قرار دهید و ببینید که آیا اگر او چنین تصمیمی را درباره شما گرفته بود، ناراحت نمی شدید؟ به هر حال، بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام، انسان باید به فکر آسایش و آرامش هم نوعان خود باشد. ایشان می فرماید:

أَحِبِّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ. (۱)

آنچه را برای مردم می خواهی، برای خود نیز بخواه.

احترام به هم نشینان

احترام به هم نشینان

انسان باید به هم نشینان خود احترام بگذارد، با آنان برخوردی بی تکلف داشته باشد و آنان را با بهترین اسم بخواند تا پیوند دینی بین آنان مستحکم تر شود. انسان باید با کسانی هم نشین شود که هم تراز او بوده و از فرهنگ یکسانی برخوردار باشند؛ زیرا هر دسته و گروهی، رفتاری متناسب با فرهنگ خود دارند و اگر با غیر خود مباشرت کنند، به اختلاف و ناسازگاری دچار خواهند شد. بنابراین، برای پایداری دوستی ها انسان باید با کسانی معاشرت کند که از نظر دینی و فرهنگی، هم تراز او باشند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

أَفْضَلُ الْحَسَنَاتِ تَكْرِمَةُ الْجُلَسَاءِ. (۲)

بهترین کارهای نیک، گرامی داشتن هم نشینان است.

همچنین فرموده است:

لَا تَضْحَبَنَّ أَحَدًا لَا يَرِي لَكَ كَمِثْلٍ مَاتَرِي لَهُ. (۳)

با کسی که تو را هم سنگ خود نمی داند، هم نشینی مکن.

احسان و نیکوکاری

احسان و نیکوکاری

دستگیری از محرومان و کمک به مستمندان، عبادت است و خداوند را خشنود می سازد. گاهی صدقه در قالب کمک های مالی معنا می یابد و خداوند نیز برای صدقه دهنده، پاداش های فراوانی را در نظر گرفته است. البته با گسترش مفهوم صدقه، آن را می توان به هر گونه ترک آزار دیگران نیز تعمیم داد. اگر کسی سلیم النفس باشد و در پی

ص: ۱۴

۱- همان، ش ۸۷.

۲- همان، ش ۳۹۶.

۳- همان، ش ۲۴۶۱.

آزار دیگران نباشد، نزد خداوند، ثواب کسی را دارد که به دیگران صدقه داده و در حق آنان احسان کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

تَرَكَ الشَّرَّ صَدَقَةً. (۱)

ترک کردن بدی، صدقه است.

ارتباط با ثروت مندان

ارتباط با ثروت مندان

امکانات همه افراد یکسان نیست. برخی شرایط اقتصادی مطلوبی دارند و بعضی دیگر در وضع متوسط یا بدی به سر می برند. بهتر است خانواده های معمولی با خانواده های دارا و ثروت مند کمتر رفت و آمد کنند؛ زیرا هنگامی که اعضای خانواده های معمولی با امکانات و اشیای گران قیمت و تجملی توانگران روبه رو می شوند، به آنچه در خانه خود دارند، بی رغبت می شوند. این پدیده، اثر مخرب روانی دارد؛ چون پیش از آن هم وضع چندان خوبی نداشتند، ولی بدون تشویش و نگرانی و حسرت، سپاس گزار خداوند بودند. اینک در آتش حسرت و ناداری می سوزند و چه بسا به راه کفران نعمت های بی دریغ الهی کشیده شوند. پیامبر گرامی اسلام در این باره سفارش می کند:

أَقْلُوا الدُّخُولَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ فَإِنَّهُ آخِرَى أَنْ لَا تَزْدَرُوا نِعَمَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (۲)

پیش توانگران کمتر روید؛ زیرا در این صورت، نعمت های خدا را خوار نخواهید شمرد.

ارزش علم و عبادت

ارزش علم و عبادت

از دیر زمان این پرسش مطرح بوده است که علم برتر است یا عبادت؟ نشستن در

ص: ۱۵

۱- تحف العقول، ص ۵۷.

۲- نهج الفصاحه، ش ۴۳۴.

حلقه علمی بهتر است یا پرداختن به تکلیف عبادی. باید دانست که در عبادت، انسان فقط به خود می رسد، ولی دانش، هم فایده فردی دارد و هم سود اجتماعی. البته دانشی مورد تأیید اسلام است که به حال فرد و جامعه، مفید باشد. دانشی که فایده ای نداشته باشد یا متضمن زیانی باشد، از گردونه این مقایسه خارج است. دانش می تواند بشر را به تکنولوژی برتر برساند و نیز می تواند زمینه ساز وارد آمدن زیان های جبران ناپذیری برای جامعه انسانی باشد. نمونه آن در ساختن سلاح های میکروبی، شیمیایی یا بمب های اتمی و هیدروژنی به خوبی نمایان است. در کنار این نباید از یاد ببریم که بسیاری از پیشرفت های بشر در پرتو دانش صورت گرفته است. پیامبر ارجمند اسلام درباره وزن علم و عبادت می فرماید:

فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَ أَفْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ. (۱)

فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب تر است و برترین دستور دین شما، پرهیزگاری و پارسایی است.

ارزش هدایت دیگران

ارزش هدایت دیگران

هدایت دیگران و بازداشتن آنان از انحراف، یکی از بزرگ ترین وظایف انسان است. برخی می پندارند این مهم را تنها یک دانشمند یا عالم دینی باید انجام دهد، در حالی که چنین نیست و همه اعضای جامعه اسلامی باید برای انجام آن بکوشند. چه بسا با یک رفتار سنجیده یا سخن منطقی، آینده روشنی برای یک فرد یا خانواده و در نتیجه، جامعه رقم بخورد. همه روزه، حوادث گوناگونی رخ می دهد که اگر افراد در آن مسئله پا در میانی کنند، ممکن است به راه های تاریک کشیده نشود. بسیار اتفاق می افتد که پس از رخ دادن حادثه ای، انسان خود را ملامت می کند که چرا در راه صلح و سازش و هدایت دیگران گامی برنداشته است. پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می فرماید:

لَا يَهْدِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ. (۲)

ص: ۱۶

۱- تحف العقول، ص ۴۱.

۲- نهج الفصاحه، ش ۲۲۱۶.

اینکه خداوند به دست تو، شخصی را هدایت کند، از همه چیزهایی که خورشید بر آن طلوع و غروب می کند، برای تو بهتر است.

استبداد رأی

استبداد رأی

استبداد رأی، نشانه خودخواهی و یکی از صفات ناپسند اخلاقی است. دارنده این صفت، انتظار دارد که دیگران حتما سخن او را بپذیرند و بی چون و چرا اجرا کنند. این گونه افراد به دلیل انتظار پوچ و بی اساس خود، بیشتر با ناکامی روبه رو می شوند و مردم به آنان، پاسخ مثبت نمی دهند. به طور کلی، نفس سلیم انسانی در برابر زورگویی ها، واکنش منفی نشان می دهد و هرگز زیر بار تحمیل و اجبار نمی رود. شایسته است که افراد، از دیگران انتظار بی جا نداشته باشند و خود را با واقعیت های موجود، سازگار سازند. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این خصلت ناپسند می فرماید:

... وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا إِذَا أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ. (۱)

... در گمراهی شخص همین بس که به رأی خود مغرور شود.

استفاده از تجربه های دیگران

استفاده از تجربه های دیگران

برخی انسان ها با زیرکی و حسابگری ویژه خود، از تجربه های دیگران بهره می برند. بسیار اتفاق می افتد که افراد در کوتاه ترین زمان ممکن به کمک تجربه های دیگران به مسائل جدیدی دست می یابند، در حالی که اگر به خود متکی بودند، برای رسیدن به آن، باید زمان زیاد و هزینه های هنگفت صرف می کردند. بنابراین، انسان می تواند با استفاده از تجربه های ارزنده دیگران که حاصل سال ها رنج و تلاش آنان است:

الف) کاستی های تجربه گذشتگان را برطرف کند.

ص: ۱۷

ب) به تجربه های تازه و غیرمنتظره ای دست یابد.

انسان می تواند از اندوخته های جمعی دیگران، بیشترین بهره را ببرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

... لا حَكِيمَ إِلَّا ذُو تَجْرِبَةٍ. (۱)

... آن کس که تجربه نیاندوزد، خردمند نیست.

استقامت

استقامت

برخی افراد با اراده نیرومند، کارها را آغاز می کنند، ولی پس از رخ دادن کوچک ترین مشکل، از آن دست می کشند. باید دانست هیچ مشکلی در برابر نیروی شگرف انسان، تاب ایستادگی ندارد و با مقاومت و پایداری می توان ضربه های نهایی را به عوامل سست کننده اراده وارد کرد. بکوشیم روح استقامت در برابر حوادث و پیشامدها را در وجودمان زنده نگه داریم و با بردباری بر مشکلات چیره گردیم.

اساسا هر انسانی در زندگی با مسائل تلخ و شیرین و فراز و فرودهای گوناگونی روبه رو خواهد شد. آدمی هرگاه در سختی ها قرار می گیرد، نباید ناامید و ناتوان باشد، بلکه باید با توکل به خداوند منان و بردباری، راه موفقیت را بییماید. به طور کلی، کسی که تاب تحمل مشکلات را ندارد و خود را می بازد، ظرفیت وجودی متناسب ندارد و مانند بیدی است که با هر بادی می لرزد. در مقابل، کسانی که با ایمان و بردبار هستند، در فراز و نشیب زندگی به کوهی استوار می مانند که حتی به برادران دینی خود نیز قوت قلب می دهند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

إِسْتَقِيمُوا وَ نِعْمًا إِنَّ إِسْتَقَامَتَكُمْ. (۲)

استقامت کنید و چه خوب است که استوار باشید.

ص: ۱۸

۱- همان، ش ۲۴۹۱.

۲- همان، ش ۲۸۶.

برخی پس از انجام دادن گناه، از کار خود شرمنده و پشیمان می گردند و همین پشیمانی سبب می شود که به خدا روی آورند و دیگر به گناه آلوده نشوند. آنان می کوشند تا دیگران هرگز از کارشان باخبر نشوند. در مقابل، عده ای دیگر چنان پرده حیا را دریده اند که بدون هیچ نگرانی، دیگران را از کار زشت خود آگاه و حتی از آن، احساس خوشحالی می کنند. بی تردید، این افراد که در ردیف بدترین انسان ها قرار می گیرند و در برابر آیین انسان ساز اسلام که به پرده پوشی گناه دستور داده است، ایستاده اند، به عقوبتی دردناک دچار می شوند. پیامبر گرامی اسلام در هشدار آموخته می فرماید:

مَنْ أَذْنَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي. (۱)

هر که گناه کند و خندان باشد، در حالی که گریان است، وارد آتش می شود.

اظهار کردن حق

اظهار کردن حق

بسیاری از انسان ها با اینکه حق را تشخیص می دهند، ولی از بیان صریح و آشکار آن خودداری می کنند. این گریز از ادای حق و حقیقت، دلایل گوناگونی دارد. گاهی برای تزییع حقوق دیگران است. زمانی، به خاطر رنجشی است که از طرف مقابل دارند و می خواهند بدین وسیله، او را ناراحت کنند و مایه آرامش خود را فراهم آورند. گاهی هم ممکن است با اینکه در قلب، تمایل خاصی به ادای حق دارند، ولی ابهت و قدرت زورمندان، آنان را از بیان واقعیت باز می دارد. این در حالی است که بر اساس آموزه های آزادی بخش اسلام، هر انسان مسلمان و آزاده ای وظیفه دارد به کمک مظلوم بشتابد. رسول آزاد مردان جهان می فرماید:

لَا تَمْنَعَنَّ أَحَدَكُمْ مَهَابَةَ النَّاسِ أَنْ يَقُومَ بِالْحَقِّ إِذَا عَلِمَهُ. (۲)

ص: ۱۹

۱- همان، ش ۲۹۵۹.

۲- همان، ش ۲۴۸۸.

مبادا ابهت مردم، شما را از اقامه حق باز دارد.

اظهار نکردن فقر

اظهار نکردن فقر

بیشتر مردم بر اساس ظواهر قضاوت می کنند؛ یعنی به محض اینکه دریافتند کسی از نظر مالی، وضعیت خوبی ندارد، به تصور اینکه مبادا روزی از او توقع و انتظاری داشته باشد، از وی کناره می گیرند. در این حالت، برای شخص فقیر هم پای دیگران احترام قائل نمی شوند و حتی حاضر نیستند به سخنان منطقی و با ارزش او به اندازه سخنان پوچ و بی ارزش افراد توانگر گوش فرادهند. با وجود این، شایسته است انسان، با عزت نفس و خویشتن داری، فقر و نداری خود را نزد هر کس و ناکس اظهار نکند تا شخصیت او تخریب نشود. البته در شرایط اضطراری، انسان باید نیازمندی های خود را به دیگران بگوید تا بر اساس دستوره های انسان دوستانه اسلام، نیاز او برطرف شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دربارہ حفظ آبرو و خویشتن داری می فرماید:

مَنْ تَفَاقَرَ إِفْتَقَرَ. (۱)

هر کس خود را فقیر نشان دهد، فقیر خواهد شد.

اعتدال و میانه روی

اعتدال و میانه روی

خوش بینی و بدبینی بیش از اندازه ممکن است زیان های جبران ناپذیری در پی داشته باشد. بدبینی بیش از اندازه می تواند بنای مستحکم خانواده را در هم بکوبد. ساده اندیشان بسیاری نیز بوده اند که با خوش بینی بیش از اندازه و اعتماد نابجا، زمینه ساز فساد و تباهی فرزندان شان شده اند. بنابراین، انسان باید همواره جانب اعتدال و احتیاط را پیش گیرد تا به پشیمانی دچار نگردد. اعتدال در همه موارد به ویژه وضعیت اقتصادی و معیشتی، توان مندی انسان را افزایش می دهد و او را در برابر بحران ها بیمه می کند. پیامبر رحمت می فرماید:

ص: ۲۰

يا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ. (۱)

ای مردم! میانه روی را پیشه خود سازید.

امیدواری به رحمت خداوند

امیدواری به رحمت خداوند

در هیچ حال، نباید از بخشش خداوند بزرگ ناامید شد. ممکن است گناه فرد، بسیار بزرگ باشد، ولی هرگز نمی توان از رحمت پروردگار بزرگ و بخشنده قطع امید کرد. گناه هر قدر بزرگ باشد، هرگز از رحمت بی پایان الهی بزرگ تر نیست. از این رو، ناامیدی از رحمت خداوند، گناهی بزرگ شمرده شده است. پس انسان مسلمان باید در خوف و رجا باشد. از یک سو، به آمرزش الهی امیدوار باشد و از سوی دیگر، از گناه خود بترسد و به توبه و استغفار روی آورد. باشد که درهای رحمت حضرت حق بر وی گشوده شود و مورد آمرزش قرار گیرد. پیامبر بزرگ اسلام می فرماید:

أَلْفَاجِرُ الرَّاجِي لِرُحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى أَقْرَبُ مِنْهَا مِنَ الْعَابِدِ الْمُقْتِطِ. (۲)

بدکاری که به رحمت خدا امید دارد، از عابد ناامید، به خدا نزدیک تر است.

ص: ۲۱

۱- همان، ش ۲۱۱.

۲- همان، ش ۲۰۶۲.

حج گزاردن، صدقه دادن و پیوند با خویشاوندان از جمله کارهایی هستند که پاداش فراوانی در دنیا و آخرت به همراه دارند، ولی بعضی از انسان ها فکر می کنند که پاداش مالی و توسعه اقتصادی از وعده هایی است که باید برایشان کاملاً محسوس باشد. از این رو، وقتی زندگی آنان به شکل محسوسی تغییر نمی کند، دچار سردرگمی می شوند. غافل از اینکه پاداش دنیوی، تنها به امور اقتصادی محدود نمی شود، بلکه شامل هرگونه گشایش در کارهاست. هر چند در موارد فراوانی، توسعه مالی هم در زندگی محسوس است و اگر هم چنین نیست، بی شک به خاطر مصلحتی یا نبودن شرایط لازم برای دریافت است. در مجموع، این توصیه ها، حقایقی حتمی و تردیدناپذیر است که باید آن را پذیرفت. کم و بیش دیده یا شنیده ایم که این سه عمل افزون بر سازندگی، چه نتایج درخشانی برای انسان در پی داشته اند و دقیقاً در فقرزدایی، دفع بلا و درازی عمر مؤثرند.

پیامبر اسلام در صدقه و احسان، زبازد خاص و عام بود و حتی از اقوامی که پیوند خود را با ایشان می بریدند، ارتباط برقرار می ساخت. ایشان به دیگران نیز می فرمود که پروا پیشه کنید و با خویشان ارتباط داشته باشید که بوی بهشت از فاصله هزار سال راه استشمام می شود، ولی کسی که پیوند خویشی بگسلد، آن را استشمام نمی کند. ایشان در سخنی زیبا می فرماید:

ثَلَاثٌ ثَوَابُهُنَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: الْحَجُّ يُفْنِي الْفَقْرَ وَالصَّدَقَةُ تَدْفَعُ الْبَلِيَّةَ وَصِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ. (۱)

سه چیز است که ثواب آنها در دنیا و آخرت پایدار می ماند: حج، فقر را نابود می سازد؛ صدقه، بلا و گرفتاری را برطرف می سازد و صله رحم، عمر را

ص: ۲۲

طولانی می کند.

بازخواست مؤدبانه

بازخواست مؤدبانه

ممکن است شما از کسی طلب کار باشید. در این حال، اگر به تندی و تحکم با او برخورد کنید، با واکنش منفی او روبه رو خواهید شد و چه بسا، کار به دعوا و برخوردهای فیزیکی بیانجامد. در پایان نیز پی آمدهای مخرب روحی این کار، شما را آزار خواهد داد. ولی اگر با احترام و محبت، با وی روبه رو شوید، او نیز به اندازه توان، در پرداخت حقوق خود خواهد کوشید. در این صورت، کدورت و دشمنی رخ نمی دهد، بلکه روابط صمیمانه تری برقرار می شود و چه بسا اگر روزی، شما به او احتیاج پیدا کنید، وی از هیچ کمکی، دریغ نخواهد کرد. بنابراین، شتاب و تندی نکردن در بازخواست دین ها، می تواند کارساز باشد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

... فَأَتَّقُوا اللَّهَ - وَ أَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ. (۱)

... از خدا بترسید و در طلب کردن با ملایمت رفتار کنید.

بازگشت

بازگشت

به جز معصومین علیهم السلام، هیچ کس از گناه ایمن نیست. افراد عادی کم و بیش بر اثر غفلت و ناآگاهی گناه می کنند و از یاد می برند که عالم محضر خداست و آدمی نباید در حضور خداوند، چنین جسارتی کند. با این حال، چه بسیارند کسانی که توفیق زبانی شامل حالشان می شود و از کرده خود پشیمان و به پاک سازی دل مشغول می شوند. آنان در تلاشند با دلی پاک و روانی آرام از جهان خاکی به سوی ملکوت اعلا پر بگشایند. اینان آن گاه که بر اثر وسوسه های شیطانی، دامن خود را به گناه می آلاینند، از خدا استغفار می جویند و رنج توبه را بر خود هموار می سازند. این حالت، اعتقاد راسخ آنان به معاد و جهان آخرت را نشان می دهد. وقتی انسان در برابر دیدگان همیشه بیدار

ص: ۲۳

خداوند، گناه کرد و فقط او از آن آگاه شد، سپس احساس شرمندگی به او دست داد و با رنج عبادت و اشک دیدگان، در صدد جبران لغزش ها برآمد، خداوند نیز او را شامل رحمت خود می کند و از او درمی گذرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به توبه و بازگشت می فرماید:

طُوبَى لِمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا تَبْكِي عَلَى ذَنْبٍ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَى ذَلِكَ الذَّنْبِ أَحَدٌ غَيْرُ اللَّهِ. (۱)

چه خوش است صورتی که خداوند به آن نظر افکند و بر گناهی که کسی جز خداوند از آن آگاه نیست، گریه می کند.

بازی و تفریح

بازی و تفریح

بعضی ها گمان می کنند که انسان های مذهبی اجازه ندارند به تفریح و سرگرمی بپردازند. از این رو، اگر افراد مذهبی را در حال بازی و تفریح ببینند، شگفت زده می شوند. در حالی که مذهب نه تنها مخالف این گونه رفتارها نیست، بلکه در پاره ای روایت ها، پیروان خود را به این امر تشویق می کند؛ زیرا تفریح و بازی های مفید بر سلامتی و نیرومندی انسان ها می افزاید. البته نوع بازی، بسیار اهمیت دارد و باید با شئون اسلامی سازگار باشد. بازی باید با شرایط زمانی، مکانی، سن و شخصیت افراد متناسب باشد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

أَلْهُوا وَالْعَبُورُ فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُرَى فِي دِينِكُمْ غِلْظَةٌ. (۲)

تفریح و بازی کنید؛ زیرا دوست ندارم در دین شما، خشونت دیده شود.

ص: ۲۴

۱- تحف العقول، ص ۸.

۲- نهج الفصاحه، ش ۵۳۱.

نادانی، بیماری درمان ناپذیری است. نادان از هر خیر و نیکی بی بهره است، استقلال فکری ندارد و مانند بید، با هر بادی به سویی می چرخد. همیشه چشم به دیگران دوخته است تا برای او تصمیم بگیرند و در این میان نمی داند که مسیر هدایت را می پیماید یا راه گمراهی را؛ زیرا این موضوع را راهنمایی نادان مشخص می کند. اگر انسانی عاقل و باتدبیر راهنمای او شود، مسیر نور و روشنایی نصیب او می گردد. در غیر این صورت، از گمراهان خواهد بود. داوری های نادان، غلط؛ اظهار نظرهای او، نادرست؛ گفتارش، متناقض و کردارش، نامبارک است.

چنین انسانی تا مرز سعادت و نیک بختی بسیار فاصله دارد. اگر به سوی بصیرت و دانایی نرود، در دنیا و آخرت چون کوران، خواهد زیست. پیامبر اسلام درباره فقر فرهنگی این افراد می فرماید:

يَا عَلِيُّ! إِنَّهُ لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. (۱)

ای علی! همانا فقری سخت تر از نادانی نیست.

بدگویی در غیاب افراد

بدگویی در غیاب افراد

بدگویی و غیبت از عادت های بسیار ناپسند است. شخص بدگو و غیبت کننده، در غیاب دیگران درباره آنان سخنانی می گوید که ایشان را ناراحت می کند. از این رو، همواره از آشکار شدن سخن خود، در رنج و هراس به سر می برد تا مبادا چهره منافقانه اش پدیدار شود. این ناپسندترین برخورد با دوستان است که در غیاب آنان، اسرارشان را هویدا کنیم یا به بدگویی از ایشان پردازیم. آیا بهتر نیست که انسان، مراقب کردار خود باشد و به دیگران احترام گذارد تا خود نیز محترم باشد. پیامبر گرامی اسلام درباره حفظ زبان می فرماید:

مَا كَرِهَتْ أَنْ تُوَجَّهَ بِهِ أَخَاكَ فَهُوَ غَيْبَتُهُ. (۲)

ص: ۲۵

۱- تحف العقول، ص ۶.

۲- نهج الفصاحه، ش ۲۶۵۵.

هر چیزی را که دوست نداری روبه روی برادر خویش اظهار کنی، غیبت است.

بدهکاری در اثر قرض های نابجا

بدهکاری در اثر قرض های نابجا

انسان گاهی در زندگی خود به کمک مالی دیگران نیاز پیدا می کند. پس باید نیازهای اساسی خود را از راه «قرض الحسنه» که یک سنت اصیل اسلامی است، برآورده کند. با این حال، متأسفانه بعضی افراد در بسیاری از مسائل جزئی، به سوی این و آن دست نیاز دراز می کنند و در جاهایی که ضرورت چندانی ندارد، خود را مدیون و بدهکار می سازند. آدمی باید خویشتن دار باشد و بکوشد مقروض دیگران نشود؛ زیرا ممکن است شخصیت والای انسانی او به دلیل تأخیر در بازپرداخت بدهی خدشه دار شود. پیامبر بزرگوار و عزیز اسلام می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَالَّذِينَ فَإِنَّهُ هُمْ بِاللَّيْلِ وَمَدْلَهُ بِالنَّهَارِ. (۱)

از قرض کردن پرهیزید؛ زیرا غم شب و ذلت روز است.

برادران الهی

برادران الهی

تنها دوستانی ارزشمندند که انسان را در مسیر صحیح هدایت کنند و از گرداب های انحراف، نجات بخشند. چنین دوستانی، حافظ دین و ایمان انسان هستند و او را در گرفتاری های زندگی یاری خواهند کرد. باید بکوشیم با افرادی که از کردار و گفتارشان، عطر الهی برمی خیزد، طرح دوستی بریزیم. افزون بر آن، خود نیز باید به اخلاق الهی آراسته باشیم تا در شمار کسانی درآییم که پیامبر رحمت و مدارا، آنان را می ستاید. ایشان می فرماید:

ص: ۲۶

خِيَارُكُمْ مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيَيْتُهُ وَ زَادَ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَ رَغَبَكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. (۱)

بهترین شما آن کس است که دیدار او، خدا را به یاد شما آورد و سخنانش، بر دانش شما بیافزاید و رفتارش، شما را به آخرت، مشتاق سازد.

برخورد جوان مردانه با محرومان

برخورد جوان مردانه با محرومان

بسیاری از مردم با آنکه خود، بهترین غذاها را مصرف می کنند، ولی هنگامی که می خواهند به فقیران غذا بدهند، غذایی می دهند که خودشان هیچ تمایلی برای خوردن آن ندارند. این کار دور از جوان مردی است؛ زیرا مروت اقتضا می کند انسان همان چیزی را برای دیگران بپسندد که برای خود می پسندد. بر اساس دستور قرآن مجید و سیره ائمه معصومین علیهم السلام، شایسته است انسان از بهترین داشته های خود، به فقیران ببخشد و نباید با دادن چیزهای پست و بی ارزش، طبع انسانی آنان را خوار بشمارد؛ زیرا پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. (۲)

از آنچه خودتان نمی خورید، به مسکینان ندهید.

برخورد مناسب با زیردستان

برخورد مناسب با زیردستان

انسان نباید با زیردستان، برخورد متکبرانه و غیرانسانی داشته باشد. وظیفه اخلاقی ایجاب می کند که با دیگران به لطف و مهر سخن گوئیم و به شکرانه موقعیتی که خداوند در اختیارمان نهاده است، متواضع باشیم. چه بسا ممکن است زیردستان، از توانایی ها و کمال اخلاقی برخوردار باشند که نزد خدا و خلق بسیار باارزش تر است. انسان ها را نباید فقط با عینک جاه و مقام و موقعیت ها سنجید؛ زیرا میزان قضاوت

ص: ۲۷

۱- همان، ش ۱۴۷۸.

۲- همان، ش ۲۴۶۵.

درباره دیگران، اخلاق و رفتار و منش آنان است. براین اساس، پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

أَيُّمَا رَاعٍ لَمْ يَزَحْمُ رَعِيَّتَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ. (۱)

هر مسئولی که به زیردست خود رحم نکند، خدا، بهشت را بر او حرام می کند.

بصیرت به خود

بصیرت به خود

بعضی افراد با تعریف های بی جای دیگران، احساس غرور می کنند و می پندارند به راستی آدم های خوبی هستند که مورد توجه دیگران قرار گرفته اند. در نتیجه، خود را برتر می بینند. برعکس، اگر مورد سرزنش و بدگویی دیگران قرار بگیرند، در روحیه آنان، اثر بسیار بدی می گذارد و خواب و خوراک را از آنان سلب می کند و گمان می کنند که انسان های بد، کوچک و بی ارزش هستند. این دو، هیچ یک خود را با واقعیت تطبیق نداده اند. حقیقت آن است که هر انسانی در درون خویش بهتر می داند که چگونه آدمی است و چه خصلت های خوب و بدی دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه ای ارزشمند می فرماید:

إِسْتَفْتِ نَفْسَكَ وَإِنْ أَفْتَاكَ الْمُفْتُونَ. (۲)

(نیکی و بدی) را از خودت بپرس؛ دیگران هر چه می خواهند، بگویند.

بهترین کردار

بهترین کردار

ترک محرمات و انجام واجبات، راه دست یابی به کمال و اطاعت از ذات الهی است. در کنار این اعمال عبادی و دوری از گناهان، آدمی باید قناعت پیشه کند و به روزی تقسیم شده الهی راضی باشد. حرص و طمع از موانع کمال آدمی هستند و انسان

ص: ۲۸

۱- همان، ش ۱۰۲۸.

۲- همان، ش ۲۸۴.

کمال جو، در دام آنها اسیر نمی شود. مگر نه این است که خداوند پیش از تولد کودک، روزی او را از پیش مهیا ساخته است و در اعماق دریاها و اوج آسمان ها هیچ جنبنده ای را بی غذا رها نمی سازد. پس چگونه انسان مؤمن در غم روزی فرو می رود و به هزاران ترفند دست می زند تا نصیب و بهره ای بیشتر عایدش شود. چگونه خاطر آسوده نداریم و در آرامش نباشیم وقتی که آفریننده ای مهربان، ناظر بر احوال بندگان است؟ آیا بهتر نیست که برای دست یابی به زندگی زودگذر، زیر بار منت و تملق نرویم و در هر حال، عزت و کرامت خویش را حفظ کنیم. به راستی که آزادگان از جیفه دنیا و از بند تعلق آزادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: مَنْ آتَى اللَّهَ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْيَدِ النَّاسِ وَمَنْ وَرَعَ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ وَ مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ. (۱)

بهترین کارها نزد خدا، سه کار است: انجام دادن واجبات و کسی که واجبات خود را به جا بیاورد، از عابدترین مردم است؛ دوری از گناهان و هر کس از محرمات اجتناب کند، از پارساترین مردم است؛ قناعت به داده خدا و شخصی که به روزی خدا قانع باشد، از بی نیازترین مردم است.

بی احترامی به والدین

بی احترامی به والدین

پدر و مادر حق بزرگی بر انسان دارند؛ زیرا حیات و هستی انسان ها، مرهون وجود والدین است و خدمات شبانه روزی فرزندان نمی تواند ذره ای از تلاش خالصانه و بی دریغ آنان را پاسخ گو باشد. چه بسیار ناپسند است اگر انسانی که توان کوچک ترین حرکتی را نداشت و با مراقبت و نگه داری والدین، به دوران شکوفایی و جوانی رسیده است، با ناسپاسی و نمک نشناسی به والدین ناسزا بگوید و مایه رنجش خاطر آنان

ص: ۲۹

گردد. ادب و انسانیت اقتضا می کند که دست کم اگر نمی توانیم تلاش های طاقت فرسای آنان را ارج بنهیم، با آزار دادن و بی حرمتی به والدین، خود را گرفتار عذاب و نفرین الهی نسازیم. پیامبر رحمت در کلامی گران سنگ می فرماید:

مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أَبَاهُ مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أُمَّهُ. (۱)

کسی که به پدر و مادرش ناسزا گوید، ملعون است.

بی نیازی و توانگری

بی نیازی و توانگری

متأسفانه می بینیم گاهی افراد ثروتمند به بی بند و باری روی می آورند و ثروت های خدادادی را در مسیر نادرست به کار می گیرند. این در حالی است که می توان داده های خدا را در راه خدایی مصرف کرد که اگر چنین شود، خشنودی خالق و مخلوق را به همراه دارد.

چه بسیار انسان هایی که زیر این آسمان کبود حاتم وار زیستند و نام نیک دنیایی برای خویش به یادگار گذاشتند و پاداش بی پایان الهی را در عالم برزخ و دنیای جاویدان ذخیره کردند. آری، می توان ثروت فناپذیر دنیا را ارزشمند و جاودانه کرد، به شرطی که بر اساس آموزه های دینی از آن بهره برداری شود. رسول گرامی اسلام می فرماید:

نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى. (۲)

بی نیازی و توانگری، برای پرهیزگاری، خوب یابوری است.

ص: ۳۰

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۷۴۴.

۲- تحف العقول، ص ۴۹.

پاسداری در راه خدا

پاسداری در راه خدا

بی تردید، کسانی که در شب های سرد زمستان و گرمای طاقت فرسای تابستان، برای حفاظت از مال و جان و ناموس دیگران، هرگونه خطری را به جان می خرنند و لحظه ای از تلاش و کوشش باز نمی مانند، در پیش گاه خداوند از پاداش بزرگی برخوردارند. پاسداری در راه خدا در عین عبادت بودن، خدمت بزرگی به جامعه انسانی است. چه کسی می تواند خدمات صادقانه این عزیزان را که ماه ها از زن و فرزند و خانه و کاشانه خود دور می مانند، به هیچ بیانگارد؟ انصاف و جوان مردی ایجاب می کند که سپاس گزار این ایثارگران باشیم. پیامبر گرامی اسلام درباره ارزش عمل این عزیزان می فرماید:

عَيْنَانِ لَا يَمْسُهُمَا النَّارُ أَبَدًا عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۱)

دو چشم است که هرگز آتش بدان نمی رسد؛ چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که شب را به حراست در راه خدا به سر برده است.

پاکیزگی

پاکیزگی

بهداشت تن و روان در سیره عملی پیشوایان اسلام، جایگاه بس ارجمندی داشته است. از این رو، روایت شده است که آنان با ظاهری آراسته و لباس هایی پاکیزه در بین مردم حاضر می شدند. باید دانست آراستگی ظاهری به معنای نو پوشیدن نیست، بلکه انسان با لباس های ساده، ولی تمیز و مرتب می تواند پاکیزگی را به بهترین شکل نمودار سازد. مردم از انسان های کثیف و بی نظافت همواره نفرت دارند و می کوشند از آنان فاصله بگیرند. پیامبر نیکو خصال می فرماید:

ص: ۳۱

أَلَا سَلَامٌ نَّظِيفٌ فَتَنْظِفُوا فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَظِيفٌ. (۱)

اسلام پاکیزه است، شما نیز پاکیزه باشید؛ زیرا جز پاکیزگان، کسی به بهشت نمی رود.

پرحرفی

پرحرفی

انسان های پُرگو، مخزن سخنان پوچ و بی ارزشند. آنان برای اینکه رشته سخن را از دست ندهند، می کوشند بی اندیشه و ناسنجیده، مطالبی را بر زبان آورند. بدین ترتیب، شنوندگان نه تنها به سخنان او توجه نمی کنند، بلکه با ناراحتی و تنفر، هر لحظه منتظرند که سخنان او پایان پذیرد تا دمی بیاسایند. از آن پس نیز سعی می کنند که از هم نشینی با او بپرهیزند. بنابراین، انسان باید در سخن گفتن، اعتدال را رعایت کند تا به لغزش دچار نشود و دل زدگی دیگران را فراهم نسازد. پیامبر ارجمند اسلام می فرماید:

مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ سَقَطُهُ. (۲)

هر کس کلامش زیاد باشد، لغزشش نیز زیاد می شود.

همچنین می فرماید:

نِعْمَ الْهَدِيَّةُ الْكَلِمَةُ مِنْ كَلَامِ الْحَكَمَةِ. (۳)

چه نیکو هدیه ای است یک گفتار حکمت آموز.

پرخوری

پرخوری

بعضی افراد گمان می کنند هر چه بر سر سفره گذاشته اند، برای مصرف است و با تلاش و اصرار زیاد می خواهند آن را میل کنند. در حالی که این کار، سرآغاز بسیاری از بیماری ها و بر خلاف توصیه های ائمه معصومین علیهم السلام است. آن بزرگواران تأکید دارند پیش از سیری کامل و با وجود داشتن اشتها به غذا، از سر سفره برخیزید. بسیاری از

ص: ۳۲

۱- همان، ش ۱۰۵۵.

۲- همان، ش ۲۷۵۱.

۳- همان، ش ۳۱۳۲.

اوقات، با اینکه پزشکان، افراد را از خوردن غذای بیش از حد منع می کنند، باز می بینیم که آنان نمی توانند از اشتهای کاذب خود جلوگیری کنند. در نتیجه، به بیماری های دیگری دچار می شوند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیان زیان های پرخوری می فرماید:

مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقَمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ. (۱)

هر کس کم بخورد، بدنش سالم می ماند و هر کس زیاد بخورد، بدنش بیمار و قلبش پر قساوت خواهد شد.

پر خوری و سخت دلی

پر خوری و سخت دلی

کسانی که به پر خوری عادت دارند، از کارهای عبادی و وظایف معنوی خود باز می مانند؛ زیرا پر خوری، امکان هر گونه فعالیتی را از آنان می گیرد. در این صورت، به تدریج در چنگال انواع بیماری های جسمی و روحی گرفتار می شوند و سلامتی خود را از دست می دهند. نبود سلامتی نیز قدرت اندیشیدن را از آنان می گیرد. افزون بر این، ممکن است بعضی افراد، برای سیر کردن خود، به هر حلال و حرامی پناه ببرند. بدین ترتیب باید منتظر عذاب الهی باشند. پیامبر اسلام می فرماید:

مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ قَسَا قَلْبُهُ. (۲)

هر کس به پر خوری عادت کند، سخت دل می شود.

پرداخت بدهی برادران دینی

پرداخت بدهی برادران دینی

بر عهده گرفتن پرداخت بدهی بدهکاران، یکی از با ارزش ترین کارها است. بعضی افراد به دلایلی، به دیگران بدهکار شده اند و چون توان باز پرداخت آن را ندارند، اکنون در گوشه زندان ها به سر می برند و خانواده های آنان با مشکلات فراوانی دست به گریبانند. در چنین حالی، اگر کسی توان مالی دارد، باید پیش گام شود و با بر عهده

ص: ۳۳

۱- همان، ش ۲۷۷۹.

۲- همان، ش ۲۷۷۶.

گرفتن پرداخت بدهی بدهکار، او و خانواده اش را از پی آمدهای فقر و ناداری نجات دهد. این عمل که نشانه جوان مردی و آزادگی است و ارمغانِ رهایی با خود دارد، خداوند متعال را خشنود می سازد. پیامبر گرامی اسلام یکی از بهترین اعمال را نزد خداوند زدودن غصه و رنج بدهکاران دانسته است:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ... أَوْ دَفَعَ عَنْهُ مَعْرَمًا أَوْ كَشَفَ عَنْهُ كُرْبًا. (۱)

بهترین کارها نزد خداوند این است که قرض مدیون را پرداخت کنند یا غم را از چهره او بزدايند.

برده پوشی

برده پوشی

چون انسان معصوم نیست، ممکن است در طول زندگی مرتکب گناه یا اشتباهی شود که هر چند از نظر گاه الهی دور نمی ماند، ولی دوست ندارد اسرارش در بین مردم، آشکار و رسوای عام و خاص شود. بنابراین، اگر انسان از اعمال پنهانی کسی آگاه شود، اجازه ندارد آن را آشکار کند؛ زیرا سبب لکه دار شدن حیثیت و آبروی آن فرد می شود و چه بسا وی گستاخ تر شود و حتی آشکارا به کارهای بدتر دست یازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حفظ اسرار دیگران می فرماید:

لَا تَخْرِقَنَّ عَلَيَّ أَحَدٍ سِتْرًا. (۲)

هرگز برده اسرار دیگران را ندرید.

پرسش قیامت

پرسش قیامت

یکی از نام های قیامت، «یوم الحساب» است. در این روز، انسان باید پاسخ گوی گفتار و رفتار خود باشد، هر چند خداوند از نهران و پنهان ما آگاه است. در این روز، از سرمایه عمر انسان می پرسند و از اینکه عمر گران مایه را در چه راهی به کار گرفته است. از بهترین دوران عمر که می تواند بار و بنة فراوان برچیند (یعنی جوانی)

ص: ۳۴

۱- همان، ش ۷۶.

۲- همان، ش ۲۴۳۱.

می پرسند که چگونه از بهار عمر، بهره برداری کرده است. از مالش می پرسند که آن را از چه راهی به دست آورده و در چه طریقی مصرف کرده است. در پایان نیز می پرسند که آیا عشق و محبت اهل بیت علیهم السلام را در تار و پود وجود خود تنیده یا از آن فاصله گرفته و جاده گمراهی را پیموده است. به هر حال، سعادت و شقاوت هر کس در گرو پاسخی است که در چنته دارد. پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می فرماید:

لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلِ الْبَيْتِ. (۱)

روز قیامت، هیچ بنده ای قدم از قدم بر نمی دارد تا اینکه چهار چیز از او پرسیده شود: از عمرش که در چه کاری آن را گذرانده است؛ از جوانی اش که در چه کاری آن را صرف کرده است؛ از مالش که آن را از کجا به دست آورده و در چه موردی خرج کرده است و از محبت ما اهل بیت.

پرسش گری

پرسش گری

اساساً هر پرسشی که از اهل آن پرسیده شود، بر دانسته های آدمی افزایش و درجه ای هم نزد خالق هستی می یابد. اگر انسان رنج پرسیدن را بر خود هموار کند، در پرتو نور و روشنایی دانش، آرامش می یابد. پرسیدن، عیب نیست و چیزی از مقام و مرتبه او نمی کاهد، بلکه ندانستن، عیب است. آدمی هیچ گاه نباید به خاطر حیای نابجا، لذت دانستن را از دست بدهد. پس شایسته است در هر موقعیتی، پرسش های خود را با عالمان مطرح کنیم.

پرسش می تواند منشأ علم و کمال شود و اسلام هم همگان را به پرسشگری فرا می خواند، ولی پرسش های نهفته در ذهن آدمی، کارگشا نیست. عیب های آدمی با

ص: ۳۵

پرسشگری رفع و با هر پرسشی، گنجینه دانش دانشمندان به سوی دیگران گشوده می شود و آنان شایسته برخورداری از پاداش معنوی می شوند. چه بسا افراد دیگری نیز همین پرسش را دارند که با پاسخ عالم، جان خویش را از جام دانش سرشار می سازند. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ تُوَجَّرُ أَرْبَعَةٌ: السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ. (۱)

دانش، گنجینه ها و پرسیدن کلیدهای آنها است. پس پرسید. خدا رحمت کند شما را؛ زیرا در این بین، چهار نفر پاداش می برند: پرسنده، پاسخ گو، شنونده و دوستدار آن.

پرگویی

پرگویی

برخی افراد چنان پرحرفند که عرصه را بر شنونده تنگ می کنند. در این حالت، شنونده در جست و جوی راهی است تا خود را از شرّ این گوینده پرحرف خلاص کند. این گونه افراد چون زیاد سخن می گویند، هر سخن پوچ و کم ارزشی را بر زبان می رانند و چه بسا دچار مکرر گویی و دروغ گویی می شوند و بعدها ناگزیرند پاسخ گوی سخنان ناسنجیده خود باشند. بنابراین، شایسته است انسان، مختصر و مفید سخن بگوید و توجه داشته باشد که پرحرفی، از اعتبار او در جامعه می کاهد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در نکوهش این صفت ناپسند می فرماید:

شِرَارُ أُمَّتِي الثَّرَاوُونَ. (۲)

پرگویان و پرچانه ها، بدهای امت من هستند.

ص: ۳۶

۱- تحف العقول، ص ۴۱.

۲- نهج الفصاحه، ش ۱۸۰۴.

پرورش روح نیکوکاری

فرزندان، هر خوب و بدی را ابتدا از اولین خاستگاه تربیتی؛ یعنی خانواده می آموزند. اگر والدین به آنچه می گویند، عمل کنند، او احساس می کند که در جمع افراد صادق و متعهد زیست می کند. از این رو، از همان دوران کودکی، روح گذشت و ایثار در فرزند تقویت می شود. پدر و مادر نیز از دیدن روحیه گذشت فرزندشان لذت خواهند برد؛ زیرا محصول رفتار پسندیده خودشان بوده است. اگر این عمل تکرار شود، به ملکه تبدیل خواهد شد و فرزند نیز این عمل را به فرزندانش خویش منتقل خواهد کرد. در نتیجه، در پایه گذاری این سنت پسندیده و اجر آن همگان شریک خواهند بود. پیامبر مهربان اسلام چنین سفارش فرموده است:

رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَا أَعَانَ وَوَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ. (۱)

خدا رحمت کند پدری را که فرزندش را در راه نیکوکاری یاری دهد.

پرهیز از دخالت نابجا

پرهیز از دخالت نابجا

یکی از صفات ناپسند این است که انسان درباره موضوعی اظهار نظر کند که به او مربوط نیست. این امر ممکن است برای فرد، خانواده و جامعه، زیان های جبران ناپذیری به بار آورد. ممکن است انسان به دلیل کم تجربه بودن یا به هر دلیل دیگری، در کاری که به او مربوط نیست، دخالت کند و در نتیجه، قدر و منزلت خود را از دست بدهد. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَغْنِيهِ. (۲)

عالی قدرترین مردم کسی است که در آنچه به او مربوط نیست، دخالت نکند.

پرهیز از سخت گیری

پرهیز از سخت گیری

سخت گیری بر دیگران، نه تنها بر احترام و ارزش انسان نمی افزاید، بلکه روز به

روز از محبوبیت او نیز می‌کاهد. به طور کلی، سخت‌گیری، روش و منش کسانی است که از وجدان انسانی پیروی نمی‌کنند و به دیگران به دیده تحقیر می‌نگرند. فرد سخت‌گیر، به بیماری خودکم‌بینی دچار است و اینک که روزگار، وی را به ظاهر بر دیگران مسلط کرده است، می‌کوشد عقده‌های پیشین را فرافکنی کند. پیامبر رحمت و شفقت در توصیه به مهربانی می‌فرماید:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَدَا، عَلَى كُلِّ هَيِّنٍ لَّيِّنٍ قَرِيبٍ سَهْلٍ. (۱)

آیا می‌خواهید شما را خبر دهم که فردا آتش بر چه کسی حرام است؛ هر کس که ملایم، نرم‌خو، زودجوش و آسان‌گیر باشد.

پرهیز از نجوا

پرهیز از نجوا

اگر خواستید سخنی خصوصی را به کسی بگویید، سعی کنید گفت‌وگوی تان در حضور دیگران، نجواگونه نباشد؛ زیرا در این حالت، اطرافیان می‌پندارند درباره آنان صحبت می‌کنید یا اینکه شما، آنان را غریبه فرض کرده و سخن تان را با ایشان در میان نگذاشته‌اید. در نتیجه، بدگمانی پدید می‌آید و رشته محبت و دوستی از هم گسیخته خواهد شد. شایسته است از گفت‌وگوهای خصوصی در حضور دیگران پرهیزیم تا زیان‌های روحی به دیگران وارد نیاید. پیامبر گرامی اسلام نیز در هشدار می‌فرماید:

إِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَى إِثْنَانِ دُونَ الثَّلَاثِ. (۲)

وقتی سه تن با هم هستند، دو نفرشان جدا از سومی نجوا نکنند.

پشتکار

پشتکار

بعضی افراد با اینکه هوش و استعداد کافی دارند و زمینه‌های رشد و تعالی نیز برای آنان فراهم است، ولی پیشرفت چندانی ندارند. این ناکامی بیشتر به دلیل نداشتن همت و پشتکار کافی است. در مقابل، افراد بی‌استعدادی را می‌بینیم که با پشتکار و تلاش و

ص: ۳۸

۱- همان، ش ۴۵۹.

۲- همان، ش ۲۳۵.

پی گیری همه جانبه به بهترین موفقیت ها دست می یابند. باری، آدمی با پشتکار می تواند بسیاری از ضعف ها و ناتوانی های خود را جبران کند و به پیروزی های عالی دست یابد. رسول الله صلی الله علیه و آله در تشویق به پی گیری و تلاش می فرماید:

مَنْ يَدِمُ قَرْعَ الْبَابِ يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لَهُ. (۱)

هر کس به کوفتن در ادامه دهد، در را به سوی او بگشایند.

پناهگاه نیازمندان

پناهگاه نیازمندان

بعضی از انسان ها نزد مردم جایگاهی بس ارزشمند دارند و مردم در رفع مشکلاتشان به سوی آنان می شتابند. این توفیقی ربّانی است که شامل حالشان شده است تا گشایشگر گره های کور زندگی دیگران باشند. زمانی که به این اشخاص مراجعه می کنیم، با نهایت احترام و عزّت با دیگران برخورد می کنند، به گونه ای که فرد احساس حقارت نمی کند، بلکه آنان را چون برادرانی مهربان می بیند. این بزرگواران، بی اعتنا از کنار مشکلات دیگران نمی گذرند، بلکه خود به سویشان می شتابند و رنج سؤال را از دوش آنان برمی دارند. آنان از کمک به دیگران شادمانند و رفع خواسته های دیگران را تحفه ای رحمانی می شمارند. چه سعادت از این بهتر که آدمی، پناه گاهی برای دیگران باشد؛ تکیه گاهی مطمئن که خود به پناه گاهی قدرتمند پیوسته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره چنین انسان هایی می فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَفْرَعُ إِلَيْهِمُ النَّاسُ فِي حَوَائِجِهِمْ، أَوْلَئِكَ هُمُ الْأَمِينُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

خداوند بندگانی دارد که مردم در نیازمندی ها و مشکلاتشان به آنان مراجعه می کنند و پناه می برند. آنان در روز قیامت از عذاب خدا ایمن هستند.

ص: ۳۹

۱- همان، ش ۳۰۶۵.

۲- تحف العقول، ص ۵۲.

پندآموزی از درگذشتگان

رفتن به گورستان و اندیشیدن درباره فرجام کار، انسان را متوجه سرنوشت آینده خود می‌کند و با اندکی تأمل، پی می‌برد که دوران خوشی‌ها و ناخوشی‌ها به سرعت ابر و باد در گذر است. باری، آنچه انسان را به سعادت و سربلندی می‌رساند، رفتار نیک اوست. پس نیکوست که از گذر ایام و سرگذشت مسافرانی که به سرای آخرت شتافته‌اند، عبرت گیریم و خود را برای این سفر خطیر آماده کنیم. پیامبر بزرگوار اسلام درباره اهمیت پندآموزی از درگذشتگان می‌فرماید:

إِطْلِعْ فِي الْقُبُورِ وَاعْتَبِرْ بِالشُّورِ. (۱)

در قبرها بنگر و از روز رستاخیر پند بگیر.

پند و اندرز

پند و اندرز

هیچ کس نباید خود را از نصیحت بی‌نیاز بداند. چه بسا بزرگانی که به دلیل بی‌توجهی، دچار لغزش می‌شوند، به راهنمایی نیاز دارند. در حکومت اسلامی، مسئولان ارشد و عالی‌رتبه نیز باید خود را از اشتباه مصون ندانند و در همه حال، پذیرای راهنمایی اهل منطق باشند. همچنین اگر مردم، سیاست‌مداران یا حاکمان خود را در لغزش و اشتباه ببینند، باید به نصیحت آنان بپردازند. بنابراین، همگان وظیفه دارند تا با نصیحت یکدیگر، راه از چاه باز شناسند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ نُصْحًا فِي نَفْسِهِ فَلْيَذْكُرْهُ لَهُ. (۲)

اگر کسی برای برادر خود نصیحتی در خاطر می‌یابد، باید به او بگوید.

ص: ۴۰

۱- نهج الفصاحه، ش ۳۳۰.

۲- همان، ش ۲۴۵.

امروزه مردم به جمع آوری مال و حتی یک دست کردن وسایل زندگی اهمیت فراوانی می دهند و اگر وسیله ای را کم ببینند، با گذشتن از وقت ارزشمند و مال خود می کوشند آن را به دست آورند. این همه تلاش برای امری زودگذر و فناپذیر که باید نیروی آن را برای دیگران واگذارد، آیا خردمندانه است؟

ای کاش همان قدر که به امور دنیوی اهمیت می دهیم، در اندیشه اصلاح کاستی های روحی و معنوی خود بودیم. انسان کامل کسی است که دو روزش مثل هم نباشد. اگر صداقت، سپاس گزاری، حیا و گشاده رویی اش کم رنگ است، باید آنها را با جدیت و کوشش پررنگ کند و همان شود که خدا و رسولش انتظار دارند. رسول گرامی اسلام می فرماید:

أَرْبَعٌ مَنْ يَكُنْ فِيهِ كَمَلٌ إِسْلَامُهُ: الصَّدْقُ وَ الشُّكْرُ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ. (۱)

چهار صفت هستند که اگر در کسی باشند، اسلام آن شخص کامل است: راست گویی، سپاس گزاری، حیا و خوش رویی.

پیمان ازدواج

پیمان ازدواج

با ازدواج، پیوندی صمیمی و ناگسستنی میان زن و مرد پدید می آید و هر دو زوج عهد می بندند که در سختی ها و آسانی ها، خوشی ها و ناخوشی ها، یاور یکدیگر باشند. هیچ یک از طرفین، نباید این پیمان مقدس را نادیده بگیرند و با رخ دادن کمترین مشکلی، از جدایی سخن بگویند. هم دلی زن و شوهر، ضامن یک عمر سعادت و دل خوشی خانوادگی است. این گونه است که می توان ضریب دوام آن را افزایش داد. باید با ثبت و ضبط این پیوند، از هر گونه سوء استفاده و بی مسئولیتی پیش گیری کرد. تثبیت ازدواج، تعهد زوجین را افزایش و احتمال گسست آن را کاهش می دهد. بر این

ص: ۴۱

اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تثبیت ازدواج می فرماید:

أَشِيدُوا النِّكَاحَ وَاعْلِنُوهُ. (۱)

نکاح را محکم و آشکار کنید.

ص: ۴۲

۱- نهج الفصاحه، ش ۳۱۳.

تأخیر در انجام کار

یکی از ویژگی های انسان های سست اراده این است که با وجود آگاهی از ارزش فرصت های زمانی، انجام کارها را به فردا حواله می دهند و گاهی تا هفته ها، ماه ها و سال ها از انجام آن خودداری می کنند. تأخیر در کار، هیچ توجیهی ندارد و در پایان نیز خود وی زیان می بیند؛ زیرا فرصت ها هیچ گاه تکرار نمی شود. گاهی هم کارها چنان انباشته می شود که به هیچ وجه نمی توان آنها را انجام داد. بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه ای نیکو می فرماید:

لَا تَدْعَنَّ حَقًّا لَعْدٍ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَافِيهِ. (۱)

کاری را برای فردا مگذار؛ زیرا هر روزی را کاری هست.

تأخیر در پرداخت بدهی

تأخیر در پرداخت بدهی

بعضی افراد با اینکه توان پرداخت بدهی خود را دارند، ولی در این کار درنگ می کنند. اینان چنان به این کار عادت کرده اند که با پرداخت به موقع قرض، احساس کمبود به آنان دست می دهد و فکر می کنند حقی از آنان ضایع شده است. این افراد همان قدر که در پرداخت بدهی، تعلل می ورزند، در گرفتن مطالبات خود شتاب دارند و با بدهکاران به شدت برخورد می کنند و تأخیر آنان را بر نمی تابند. اینان با چنین رفتاری، اعتبار خود را از دست خواهند داد و در موارد نیاز، دیگر کسی به آنان اعتماد نخواهد کرد. پیامبر عظیم الشان اسلام در نکوهش چنین اخلاق ناپسندی می فرماید:

أَلْمَعْكُ طَرْفٌ مِنَ الظُّلْمِ. (۲)

تأخیر در پرداخت دین، گوشه ای (پرده ای) از ستم است.

ص: ۴۳

۱- همان، ش ۲۴۳۳.

۲- همان، ش ۳۱۱۶.

پوشاک، یکی از نیازهای اساسی هر انسان است؛ زیرا او را از گزند گرما و سرما در امان می‌دارد. البته تهیه پوشش آبرومندانه برای افراد بی‌بضاعت، کار پسندیده‌ای است که بر آن تأکید شده است.

به فرض اگر در آستانه عید نوروز، پوشاک مناسب فصل را در قالبی آبرومندانه به خانواده‌های بی‌بضاعت اهدا کنیم، موجی از شادمانی، آن خانواده را فرامی‌گیرد و رضایت خداوندی را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، کودکان بی‌بضاعت آن خانواده‌ها، با حسرت به لباس‌های اطرافیان نمی‌نگرند و خانواده‌ها نیز نزد فرزندانشان شرمسار نخواهند شد. پیامبر گرامی اسلام در ترویج این سنت پسندیده می‌فرماید:

مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَشْتَرِيَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ بِثَوْبِهِ فَلْيَفْعَلْ. (۱)

هر کس از شما می‌تواند برادر مؤمن خویش را به جامه‌ای بپوشاند، بپوشاند (این کار را انجام دهد).

رعایت عدالت میان فرزندان

رعایت عدالت میان فرزندان

تبعیض میان فرزندان، در روحیه فرزندان آثار نامطلوبی به جا می‌نهد. والدین نباید به یکی از فرزندان محبت فراوان نشان دهند، ولی با دیگری، سرد و عادی برخورد کنند. این‌گونه برخوردها، بذر حسادت و دشمنی را در فرزندان، بارور و آنان را به عقده خود کم‌بینی دچار می‌سازد. درگیری‌های خانوادگی و اختلال در تعادل روانی از مهم‌ترین پی‌آمدهای این‌گونه برخوردهاست. بکوشیم همیشه محبت را به مساوات میان فرزندانمان تقسیم کنیم؛ زیرا پیامبر گران‌قدر اسلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّىٰ فِي الْقَبْلِ. (۲)

خداوند، عدالت و برابری میان فرزندان را دوست دارد، حتی در بوسه.

ص: ۴۴

۱- همان، ش ۲۹۵۷.

۲- همان، ش ۷۵۴.

بنابراین، پدر و مادر هیچ گاه نباید میان فرزندان خود با تبعیض رفتار کنند؛ یعنی به بعضی، امتیازهای بیشتری بدهند و برخی دیگر را از آن امتیازها محروم کنند. چنین کاری، حساسات فرزندان را به یکدیگر برمی انگیزد و کانون گرم خانواده را از آموزشگاه مساوات و یکسان نگری، به محیط پر آشوب و جدال تبدیل می کند. والدین باید بکوشند روح لطیف و آسیب پذیر کودکان را از بحران های روحی دور نگاه دارند. پیامبر ارجمند اسلام برای کودکان احترام و ارزش فوق العاده ای قائل بود. ایشان می فرماید:

اتَّقُوا اللَّهَ - وَاعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَبْرؤَكُمْ. (۱)

از خدا بترسید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید. همان گونه که می خواهید با شما به نیکی رفتار کنند.

تحقیر دیگران

تحقیر دیگران

هر انسانی برای خود احترام قائل است و هرگز نمی خواهد دیگران، او را تحقیر کنند. چگونه انسان مسلمان حاضر می شود روح و روان برادر دینی خود را آزرده سازد؟ به راستی، انسانی که شخصیت والا و روحی لطیف و پاک دارد، هرگز حاضر نیست به دیگران اهانت کند و آنان را بی ارزش و حقیر سازد. چنین کاری، مخالفت صریح با دستور پیامبر اسلام است که می فرماید:

أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ. (۲)

خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

تدبیر و خویشتن داری

تدبیر و خویشتن داری

انسان در صورت از دست دادن روحیه خود، روز به روز و لحظه به لحظه در منجلا ب تباهی ها فرو خواهد رفت. بی تردید، اگر انسان به خود تلقین کند که نیروی

ص: ۴۵

۱- همان، ش ۳۶.

۲- همان، ش ۲۵۰.

فوق العاده ای دارد و می تواند با تلاش و پشتکار و همت بلند خویش بر ناکامی ها چیره شود، به پیروزی های چشم گیری دست خواهد یافت. برعکس، اگر خود را کوچک شمارد، در برابر کوچک ترین مشکلی، تاب مقاومت را از دست می دهد و شکست را پذیرا خواهد شد. پس بکوشیم به کمک همت بلند انسانی، با نابسامانی ها و حوادث به مبارزه برخیزیم و خویشتن دار باشیم. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است:

لَاعْقَلُ كَالْتَدْبِيرِ وَلَاوَرَعَ كَالْكَفِّ. (۱)

عقلی، مانند تدبیر و تقوایی چون خویشتن داری نیست.

تربیت فرزند

تربیت فرزند

بسیاری از پدران و مادران، از وضع ناهنجار روحی و جسمی فرزندان خود شکایت می کنند. این در حالی است که آنان باید از بی مبالاتی ها و سهل انگاری های خودشان متأثر باشند. فرزند مانند نهالی است که با مراقبت شایسته، به درختی بارور تبدیل خواهد شد؛ یعنی اگر برای پرورش روح و روان آنان سرمایه گذاری کنیم، افرادی سالم و صالح به جامعه اسلامی تحویل داده می شود. بنابراین، والدین باید در تربیت فرزندان از هیچ کوششی دریغ نورزند و آنان را با آداب اسلامی آشنا کنند؛ زیرا این کار به سود فرد، خانواده و جامعه است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، مسئولیت پرورش فرزندان را بر دوش والدین می داند و در این باره می فرماید:

اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ. (۲)

فرزندان را گرامی شمارید و آنان را نیکو پرورش دهید.

ترحم

ترحم

رحمت و رأفت به دیگران در نهاد آدمی به ودیعت نهاده شده است. انسان دوست

ص: ۴۶

۱- همان، ش ۲۵۰۴.

۲- همان، ش ۴۵۱.

دارد به دیگران کمک کند و دست فتادگان را بگیرد و آنان را به اوج برساند. به ویژه کسانی که زمانی برای خود مقام و مرتبه ای داشته اند، ولی بر اثر ناملایمات و فراز و فرودهای دنیوی، مال و مقام و موقعیت و منزلت خویش را از دست داده اند. بدیهی است کسانی که در وضعیت متعادلی زندگی می کنند یا زیر خط فقر هستند، به همان حالت عادت کرده اند و به گونه ای از آن رضایت دارند، ولی برای کسانی که زندگی خوبی را تجربه کرده اند، رو آوردن به زندگی معمولی بسیار دشوار و عذاب آور است. کسانی که در زمانی نه چندان دور و به سبب پست و مقام خود، مورد احترام عوام و خواص بوده اند یا ثروتمندانی که افراد زیادی بر خوان کرم او روزی می خورده اند، اینک باید مانند یک فرد معمولی زندگی کنند و این وضعیت برایشان دردآور است.

برای مثال، اگر اندیشمندی که قدرت علمی بالایی دارد، در میان کسانی قرار گرفته است که هیچ استفاده علمی از او نمی برند، خود را بی فایده می شمارد؛ زیرا نمی تواند زکات علم خود را که انتشار آن است، پردازد. بر این اساس، رسول رحمت در توصیه ای گران سنگ می فرماید:

إِرْحَمُوا عَزِيزًا ذَلَّ وَ غَتِيًّا اِفْتَقَرَ وَ عَالِمًا ضَاعَ فِي زَمَانٍ جُهَالٍ. (۱)

[به سه کس رحم کنید:] آدم عزیز و ارجمندی که به خاک خواری افتاده است؛ شخص بی نیاز و توانگری که به فقر و هلاکت دچار شده است؛ دانشمندی که در زمان مردمی نادان حضور دارد و تباه گشته است.

ترویج فساد

ترویج فساد

بنیان گذار هر مکتب و ایده ای، عامل اساسی در ترویج آن سنت و ایده است. چه بسا کسانی که مکتبی را تأسیس و در طول تاریخ، افراد زیادی از آن مکتب پیروی می کنند. این اشخاص ممکن است سنت نیکویی را پایه گذاری کنند یا راه غلطی را به

ص: ۴۷

دیگران رهنمون شوند. بی شک، هر ایده پردازی به پیروانی نیاز دارد که افکار او را تبلیغ کنند و آن را در میان مردم رواج دهند. افرادی که فکر نادرست یا کردار زشتی را در میان دیگران رواج می دهند، در فرهنگ سازی غلط، نقش فراوانی دارند. آنها می کوشند تا روز به روز افراد دیگری را در مسیر راه و رسم نادرست هم فکرا خود قرار دهند و آنان را از جاده سلامت خارج سازند. اگر نبود تلاش های این افراد، هیچ گاه آن گونه که باید و شاید، آن ایده یا فکر نادرست در میان دیگران نهادینه نمی شد. پس اگر بنیان گذار مکتب انحرافی، گناه کار است، ترویج گران این ایده ها نیز بخشی از مسئولیت و بار گناهان را بر دوش می کشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِعِهَا. (۱)

کسی که گناهی را انتشار دهد، مانند کسی است که آن را ایجاد کرده باشد.

تظاهر به گناه

تظاهر به گناه

گناهی که انسان آشکارا و در حضور دیگران مرتکب می شود، مستوجب مجازات بیشتری خواهد بود؛ زیرا این کار به معنای بی اهمیت دانستن دستورهای الهی و پشت پا زدن به آنهاست. تظاهر به گناه، حیا و عفت عمومی را خدشه دار می کند و سبب می شود تا دیگران برای انجام گناه گستاخ شوند. در نتیجه، میزان گناه و فساد در جامعه افزایش می یابد و محیط پاک و سالم جامعه اسلامی آلوده می شود. پیامبر گرامی اسلام درباره نکوهش این ناهنجاری می فرماید:

كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ. (۲)

همه امت من بخشیده خواهند شد مگر تظاهر کنندگان به گناه.

ص: ۴۸

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲- نهج الفصاحه، ش ۲۱۶۷.

ریا، نوعی بیماری است که بعضی از مردم به آن دچار هستند. این افراد در هر کار خیری و در هر عمل مفیدی، به ریا و تظاهر عادت دارند. اینان اگر بدانند در کاری، نام و نشانی از آنها نیست و تعریف و تمجیدی نمی شوند، از انجام آن سر باز می زنند. این انسان های متظاهر، خواه ناخواه در اجتماع شناخته می شوند و مردم به نیت شان پی می برند. آنان عبادت ها و رفتارهای خیر خود را به دلیل تظاهر، باطل و بی ارزش می کنند. در مقابل، شخص با ایمان، با اخلاص کامل، عملش را برای رضای خدا انجام می دهد و انتظار تشکر از سوی مردم را ندارد؛ زیرا پاداش الهی، بزرگ و بی پایان است. وی به روزی چشم دوخته است که مال و فرزند و متاع دنیوی فایده ای ندارد و اخلاص، گشاینده بسیاری از درهای بسته به روی او خواهد بود. بنابراین، کردار نیک خود را با ریا به هدر نمی دهد. اگر هم نیت بدی از دلش گذشت، به فکر چاره می افتد تا خود را از این بیماری مهلک برهاند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانه ریاکار را چنین برمی شمارد:

لِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: يَنْشَطُ إِذَا كَانَ عِنْدَ النَّاسِ وَ يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ. (۱)

شخص ریاکار سه نشانه دارد: وقتی که میان مردم است، با نشاط است؛ هنگامی که تنهاست، کسل است و دوست دارد که در همه کارها از او ستایش شود.

تکریم دیگران

تکریم دیگران

احترام به دیگران باید بر اساس عقل، دانش، شرافت، بزرگی و کرامت افراد باشد. اگر این عوامل منشأ احترام قرار گیرند، تکریم همیشگی و از روی رضایت قلبی خواهد بود. در مقابل، اگر احترام به فردی بر اثر ترس و محافظه کاری باشد، احترام تنها از

ص: ۴۹

اعضا و جوارح خارجی او سر می زند و با قلب او همراه نیست. انسان به ظاهر، در حال تکریم است، ولی در درون از او اکراه دارد. پس احترام او برای خلاص شدن از یک وظیفه اجباری است.

چه خوب است که به این سخن ارزشمند پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله توجه کنیم که فرمود احترام به منظور امنیت از شر دیگران شایسته احترام شونده نیست:

أَلَا إِنَّ شَرَّ أُمَّتِي الَّذِينَ يُكْرِمُونَ مَخَافَةَ شَرِّهِمْ، أَلَا وَمَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ إِتْقَاءَ شَرِّهِ فَلَيْسَ مِنِّي. (۱)

آگاه باشید! بدترین پیروان من، کسانی هستند که از ترس شرشان، مورد احترام باشند. آگاه باشید! کسی که مردم به خاطر ایمن بودن از شرش به او احترامی می نهند، از من نیست.

تلاوت قرآن

تلاوت قرآن

آدمی در طول زندگی و در رویارویی با مسائل گوناگون مادی به زنگارها و آلودگی هایی دچار می شود که برای زدودن آن، به تصفیه روحانی نیاز دارد. یکی از بهترین راه های تصفیه ناخالصی ها، تلاوت قرآن است. قرآن، گوهر گران بهایی است که با هر چه برخورد کند، به آن رنگ خدایی می دهد و ناخالصی ها را به نورانیت و صفا تبدیل می کند. در حقیقت، کلام قرآن، معجون شفابخش و داروی هر دردی است که خدای بزرگ، آن را برای تصفیه دل های بیمار قرار داده است. با شنیدن آیات الهی، نورانیت به قلب انسان وارد می شود و معنویت خاصی، سراسر وجود آدمی را فرا می گیرد و احساس آرامش و آسایش به او دست می دهد. پس بیایم ساعتی از شب یا روز را به این مهم اختصاص دهیم که پیامبر اسلام فرموده است:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ. قِيلَ فَمَا جَلَاءُهَا؟ قَالَ: ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ

ص: ۵۰

دل ها مانند آهن زنگ می زند. گفتند: «صیقل آن چیست؟» گفت: «یاد مرگ و خواندن قرآن».

تنفر از گناه

تنفر از گناه

ممکن است انسان بر خلاف میل خود ناگزیر شود در محل معصیت یا جایی که گروهی در آنجا گناه می کنند، حضور یابد. در چنین شرایطی، اگر احساس ناراحتی به او دست دهد و مایل باشد که هر چه زودتر آنجا را ترک گوید، باید به خود و ایمانش امیدوار باشد، ولی اگر از بودن در آنجا احساس ناراحتی نمی کند و چه بسا با آنان هم گام شود یا در درون خود خوشحال است، باید به حال خود متأسف باشد. باید بدانیم اگر شخصی در جمع معصیت کاران باشد و از این توقف احساس ناراحتی کند، مانند کسانی است که در آن شرکت نداشته اند. برعکس، اگر قلب و فکر او، با مجالس لهو و لعب باشد و از حضور در آن احساس شادمانی کند، مانند حاضران در آن است. پیامبر ارجمند اسلام می فرماید:

مَنْ حَضَرَ مَعْصِيَةَ فِكْرِهَا فَكَأَنَّهَا غَابَ عَنْهَا وَ مَنْ غَابَ عَنْهَا فَرَضِيهَا فَكَأَنَّهُ حَضَرَهَا. (۲)

هر کس ناظر گناهی باشد و از آن متنفر شود، مانند کسی است که در آنجا نیست و هر کس در محل گناه نباشد و از آن راضی باشد، مانند کسی است که در آنجا حضور دارد.

ص: ۵۱

۱- نهج الفصاحه، ش ۹۳۴.

۲- همان، ش ۲۹۲۷.

توکل به قدرت الهی

انسان از نظر جسمانی، از بسیاری موجودات دیگر ضعیف تر است، ولی از نظر قدرت اراده و استعداد، اشرف مخلوقات است. همین قدرت روحی سبب شده است تا خداوند، موجودات دیگر را به تسخیر او درآورد. انسان با قدرت اراده، زمین و آسمان و آنچه را در آن وجود دارد، تا حدودی به سیطره خود درآورده است. آن گاه که انسان به قدرت بی پایان الهی می پیوندد و پای خود را از محدوده زندگی مادی فراتر می نهد، این توانایی افزایش می یابد. در این حال، خود را از هر چیز جز قدرت الهی بالاتر می بیند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توجه دادن و پیوند داشتن به این رشته مستحکم الهی می فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. (۱)

هر کسی دوست دارد از همه مردم قوی تر باشد، باید به خدا توکل کند.

تهمت دزدی

تهمت دزدی

بعضی مال باختگان پس از دزدیده شدن اموالشان، به هر کس بخواهند تهمت می زنند. آنان بدون تحقیق کافی و استدلال منطقی، بی درنگ دادگاه غیابی تشکیل می دهند و آبروی دیگران را بر باد می دهند، در حالی که هتک حیثیت یک انسان آبرومند در دید شرع و عرف خطاست. آبروی افراد نباید بازیچه پندارهای ناصواب ما شود. پس در چنین مواردی، فرد باید تعادل روحی خود را حفظ کند و اگر دلیل و مدرک مستندی دارد، به دادگاه صالح مراجعه کند، نه اینکه با هیاهو، حقوق دیگران را پای مال سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نکوهش چنین رویه ای می فرماید:

لَا يَزَالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِي تَهْمِهِ مَنْ هُوَ بَرٌّ مِنْهُ حَتَّى يَكُونَ أَكْبَرُ جُرْمًا مِنَ السَّارِقِ. (۲)

ص: ۵۲

۱- همان، ش ۲۸۱۹.

۲- همان، ش ۲۵۳۹.

دزد زده کسانی را که از دزدی بی‌خبرند، آن‌قدر تهمت می‌زند که گناهش از خود دزد بیشتر خواهد شد.

ص: ۵۳

بی تردید، ثروت در رفع نیازهای فردی و اجتماعی می تواند اثربخش باشد. ثروت مندی که در مسیر سازندگی تلاش می کند، می تواند اسباب آسایش اجتماعی را فراهم آورد و از شکاف های عمیق طبقاتی جلوگیری کند. متأسفانه افرادی یافت می شوند که نه تنها از ثروت خود در راه منافع جمعی سود نمی برند، بلکه از به کارگیری آن در رونق زندگی شخصی خود نیز دریغ می ورزند. این انبارکنندگان ثروت، از چرخش صحیح پول در جامعه جلوگیری می کنند و سرمایه ای را که می تواند گشایشگر مشکلات دیگران باشد، در انحصار خود نگه می دارند. این افراد با به کارگیری درست سرمایه خود، می توانند نیک نامی دنیا و آخرت را برای خویش فراهم آورند. رسول الله صلی الله علیه و آله در ترغیب به این اقدام خداپسندانه می فرماید:

... طوبی لِمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ وَ انْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ. (۱)

... خوشا به حال کسی که به علم خویش عمل کند و زیادی مال خود را ببخشد.

ثروت مندان بی تفاوت

ثروت مندان بی تفاوت

ثروت مندان در برابر درماندگان وظیفه سنگینی بر عهده دارند و نباید به بهانه های واهی از این تکلیف الهی _ وجدانی شانه خالی کنند. اگر هم نمی خواهند به دیگران کمک کنند، با برچسب هایی همچون دروغ گو، دارا، شیاد، کلاه بردار، تنبل و مانند آن، دیگران را نرنجانند. توانگران نباید به ثروت های بی شمار خود مغرور شوند. چه بسا ممکن است در حادثه ای، همه دارایی شان را از دست بدهند یا به دلیل بیماری و از

ص: ۵۴

دست دادن سلامتی، هیچ یک از سرمایه های دنیایی برایشان سودمند نیافتد. آیا بهتر نیست به شکرانه بازوی توانا و دارایی خدادادی، به یاری ناتوانان بشتابند و بدانند که این گونه اعمال نه تنها از ثروت شان نمی کاهد، بلکه خوش نامی دنیا و آخرت را برایشان به ارمغان می آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نکوهش ثروت مندان بی تفاوت می فرماید:

وَيْلٌ لِلْأَغْنِيَاءِ مِنَ الْفُقَرَاءِ. (۱)

وای بر توانگران [به دلیل رسیدگی نکردن به] نیازمندان.

جبران نیکی

جبران نیکی

پاسخ دادن به احسان دیگران، نشانه ادب و بزرگی آدمی است، ولی شیوه پاسخ گویی به توان آدمی بستگی دارد. اگر کسی می تواند، به هدایای مالی مردم پاسخ مالی بدهد، نباید از آن دریغ ورزد. اگر هم توانایی این کار را نداشت، باید قدردانی و سپاس گزاری خود را حتی با زبان و سخن ابراز کند. چنین پاسخی بازتاب های خوبی هم برای خود فرد و هم برای هدیه دهنده در پی دارد. سپاس گزار با این کار، احساس سبکی و آرامش می کند و احسان کننده نیز به کار خیر تشویق می شود. به طور کلی، باید دانست کسی که از خوبی های دیگران سپاس گزاری نکند، در مقابل نعمت های بی شمار الهی نیز زبان به قدردانی نمی گشاید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره دستورالعمل ویژه ای صادر کرده است:

مَنْ آتَى إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافُوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَأَثْنُوهُ فَإِنَّ الشَّاءَ جَزَاءٌ. (۲)

ص: ۵۵

۱- همان، ش ۳۱۸۷.

۲- تحف العقول، ص ۴۹.

کسی که به شما احسان کرد، آن را جبران کنید و اگر نتوانستید، تشکر کنید؛ زیرا سپاس‌گزاری، پاداش و جبران به شمار می‌آید.

جدال همیشگی

جدال همیشگی

بعضی افراد همیشه در فکر جدال و با دیگران در حال ستیزند و به بهانه‌های واهی، محیط امن خانواده را به صحنه‌های جنگ و جدال تبدیل می‌کنند. از همه بدتر اینکه حتی با خود نیز درگیرند و همیشه زیرلب غرولند می‌کنند. رفتار و گفتار آنان نشان می‌دهد که در درون خویش با کسی، درگیری لفظی یا فیزیکی دارند. اینان در خواب آرامش ندارند و با داد و قال‌های کذایی از خواب می‌پرند و عرصه را بر خود و همگان تنگ می‌کنند. این افراد تعادل روحی ندارند. اطرافیان باید با کمک همدیگر، از انجام دادن کارهایی که آنان را تحریک می‌کند، پرهیز کنند. پیامبر گرامی اسلام، جدال همیشگی را مردود شمرده است و می‌فرماید:

كَفَى بَكَ إِثْمًا أَنْ لَا تَزَالَ مُخَاصِمًا. (۱)

همین گناه تو را بس که پیوسته در حال ستیزه‌جویی باشی.

جدایی نزدیکان

جدایی نزدیکان

اسلام با توجه به لزوم ارتباط سالم و عاطفی میان اعضای یک خانواده و جامعه، برای تحکیم آن، توصیه‌های مؤکدی صادر کرده است. اسلام، کسانی را که به شکل‌های گوناگون می‌کوشند رابطه افراد را تیره و تار و آنان را نسبت به هم بدبین کنند، نکوهیده و عذاب‌های بسیار رنج‌آوری به آنان وعده داده است. از بدترین نوع جدایی، گسستن پیوند زناشویی است که کودک از مادر و برادر از برادر دور می‌افتد. آنان سالیان سال در آرزوی دیدار یکدیگر لحظه شماری می‌کنند و آتش حسرت در دل دارند. به راستی آیا

ص: ۵۶

بچه های طلاق با این ضربه های جبران ناپذیر روحی و عاطفی، می توانند شخصیت سالم داشته و فرد مفیدی برای آینده میهن خویش باشند؟

افراد بسیاری هستند که عجولانه و تحت تأثیر احساسات، به جدایی تن می دهند و سپس پشیمان می شوند یا اینکه فرد سومی با وسوسه های شیطانی، پیوند زناشویی آنان را به هم می زند. تفرقه گرایان، به آنان وعده های پوچ می دهند و دیری نمی یابد که آنان به ناپسند بودن عمل خویش پی می برند، ولی افسوس که دیگر امیدی به اصلاح کار نیست. پیامبر عظیم الشان اسلام در نکوهش تفرقه افکنان می فرماید:

لَعَنَ اللَّهُ مَن فَرَّقَ بَيْنَ الْوَالِدِ وَوَلَدِهَا وَبَيْنَ الْأَخِ وَآخِيهِ. (۱)

خدا لعنت کند کسی را که میان فرزند و مادر و برادر و برادر جدایی می افکند.

جلب اعتماد مردم

جلب اعتماد مردم

بعضی ها آن قدر پاک و با ایمانند که دیگران در امور دین و دنیای خود به آنان اعتماد می کنند و در گرفتاری ها و سختی ها، آنان را پشتوانه خویش می دانند. بسیار نیکوست که انسان به چنان مرتبه والایی دست یابد که دیگران او را مایه دلگرمی خود بشمارند و اسرار و درخواست های خود را با او در میان بگذارند. چنین فردی که برای وجدان و شرافت انسانی احترام قائل است، در هیچ حالی، ارزش های معنوی خویش را فدای خواسته های زودگذر دنیوی نمی کند. به یقین، خداوند به این افراد که پناه گاه و تکیه گاه مردمند، نظر لطف دارد و آنان را مشمول رحمت خویش قرار می دهد. پیامبر اسلام، اعتماد مردم را مایه خوشبختی انسان می داند و می فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يُوثَقَ بِهِ فِي أَمْرِ دِينِهِ وَدُنْيَا. (۲)

در خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیایش به او اعتماد کنند.

ص: ۵۷

۱- همان، ش ۲۲۴۰.

۲- همان، ش ۲۱۳۵.

جلب رضایت الهی

اگر انسان تشخیص دهد که کاری مورد رضایت الهی است، باید با تمام توان در انجام آن بکوشد، هر چند دیگران را ناخوش آید. حتی اگر دیگران به او اعتراض کنند، وی نباید در انجام وظیفه کوتاهی کند. آنچه اهمیت دارد، ترجیح دادن رضایت الهی بر رضایت بندگان است. چنین کرداری از اعتقاد عمیق و ایمان راسخ انسان های وارسته ریشه می گیرد که دنیا را بسیار ناچیز و هر حب و بغضی را در برابر خشم و رضای الهی ناپایدار می دانند. جلب رضایت الهی از توصیه های پیامبر گرامی اسلام است. ایشان می فرماید:

مَنْ اِلْتَمَسَ رِضَى اللّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ رَضِيَ اللّهُ عَنْهُ ... (۱)

هر کس رضای خدا را بر خشم مردم ترجیح دهد، خداوند از او راضی می شود....

جنس فاسد

جنس فاسد

بعضی افراد سودجو، اجناس فاسد شده را با ظاهرسازی، به عنوان جنس سالم به مشتریان می فروشند. این عمل بیشتر در میدان های میوه فروشی و تره بار شایع است و فروشنده با اینکه می داند یک طرف میوه فاسد شده و قابل استفاده نیست، آن را به شیوه مخصوصی می چیند. آن گاه با تردستی ویژه ای به فروشنده می فروشد. این عمل بسیار ناپسند و اجحاف است و نارضایتی خریدار از جنس خریداری شده، فروشنده را مدیون خواهد کرد. در نتیجه، برکت از مال و دارایی فروشنده رخت برمی بندد. رسول گرامی اسلام می فرماید:

مَا مِنْ عَبْدٍ يَبِيعُ قَالِدًا اِلَّا سَلَطَ اللّهُ عَلَيْهِ تَالِفًا. (۲)

خداوند به هر کس که جنس فاسد بفروشد، تلف کننده ای مسلط خواهد

کرد.

جواب نامه

جواب نامه

بعضی افراد در پاسخ دادن به نامه دوستان و آشنایان درنگ می کنند یا نامه را برای زمانی طولانی یا برای همیشه بی پاسخ می گذارند. وقتی کسی نامه ای می نویسد، در انتظار پاسخ است و پاسخ ندادن، نوعی سهل انگاری و بی توجهی به نویسنده نامه است. چه بسا در نامه درخواستی داشته باشد که با پاسخ گویی به آن، تکلیف کار معلوم شود و فرد بتواند خواسته خود را از راه دیگری تأمین کند. بر این اساس، پیامبر اسلام می فرماید:

إِنَّ لِحَوَابِ الْكِتَابِ حَقًّا كَرَدُّ السَّلَامِ. (۱)

به درستی که پاسخ نامه لازم است، همان گونه که پاسخ سلام واجب است.

چشم داشتن به مال دیگران

چشم داشتن به مال دیگران

چه خوب است که انسان به فکر کار خویش باشد و فکر و ذهنش را به کار و مال دیگران ندوزد؛ زیرا این کار، نه تنها سودی برای وی ندارد، بلکه سبب اختلال روحی او می شود و از وقت و انرژی او می کاهد. بدین ترتیب نیرویی را که می تواند در توسعه زندگی خود به کار گیرد، در خیال ها و اوهام هزینه می کند. موضوع اینکه فلانی چه می کند، چه معامله ای انجام داده، چقدر سود برده و چقدر مال و منال اندوخته است، نه تنها فایده ای ندارد، بلکه مایه نگرانی فرد می شود و گاهی در صدد مقایسه برمی آید.

ص: ۵۹

گاهی هم دچار تردید در روزی رسانی خداوند می شود و به همین سبب، خود و دیگران را سرزنش می کند. رسول الله صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

مَنْ مَدَّ عَيْنَيْهِ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ مِنْ دُنْيَاهُمْ طَالَ حُزْنُهُ وَ سَخَطَ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ رِزْقِهِ وَ تَنَعَّصَ عَلَيْهِ عَيْشُهُ. (۱)

کسی که به مال و منال مردم چشم داشته باشد، غم و اندوه او طولانی می شود و از رزقی که خدا برای او مقرر فرموده است، خشم ناک می گردد و زندگی برای او تیره می شود.

حفظ آبرو

حفظ آبرو

آبرو برای هر انسانی مسئله با اهمیتی است که برای حفظ آن حاضر است جان خود را فدا کند. آبروی انسان، بزرگ ترین تکیه گاه شخصیت اوست، ولی متأسفانه در بعضی موارد، بجا یا نابجا، چنان آبروی افراد بر باد می رود که تا پایان عمر از زیر بار سنگین بی آبرویی خارج نمی شوند. در این حال فکر می کنند همه حیثیت آنان لکه دار شده است و زبانزد خاص و عام گشته اند. به این دلیل از مشارکت دست می کشند و خود را از دیگران پنهان می سازند. چه پسندیده است حتی در مواردی که فرد، اشتباهی انجام داده است، گونه ای با او رفتار شود که آبرویش محفوظ بماند. به یقین، اگر کسی، حیثیت بی گناهی را بی دلیل لکه دار کند، خود نیز به خواری خواهد افتاد. پیامبر بزرگوار اسلام درباره حفظ آبروی برادران دینی می فرماید:

ص: ۶۰

مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخِيهِ رَدَّ اللَّهُ مَعَهُ وَجْهَهُ النَّارَ. (۱)

خدا، آتش را از چهره کسی که از آبروی برادر دینی خویش دفاع کند، بازمی‌دارد.

حفظ آبروی دیگران

حفظ آبروی دیگران

بارها دیده یا شنیده ایم که افرادی، با ایثار و گذشت، آبروداری می‌کنند و نمی‌گذارند آبروی دیگران بریزد. در نتیجه، پیش وجدان خویش و خلق خدا سرفراز شده‌اند. از سوی دیگر می‌بینیم برخی افراد، به دلیل مسائل کم‌اهمیت و بی‌ارزش، آبرو و حیثیت دیگران را از بین می‌برند. گاهی این آبروریزی چنان سنگین است که فرد ناگزیر می‌شود شهر و کاشانه خود را ترک کند و به جایی پناه ببرد که کسی او را نمی‌شناسد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حفظ آبروی مسلمان را واجب می‌داند و می‌فرماید:

أَرْبَى الرَّبَا شَتْمُ الْأَعْرَاضِ ... (۲)

بدترین ربا، ناسزایی است که نسبت به آبروی مردم گفته شود...

حق کشی

حق کشی

برخی افراد، تنها و تنها به منافع خویش می‌اندیشند و برای به دست آوردن سود بیشتر می‌کوشند از راه‌های گوناگون، اموال و حقوق دیگران را از چنگ آنان بیرون آورند. این افراد، گاهی مستقیم و زمانی غیرمستقیم، برای اجرای این مقاصد شوم، نقشه‌های گوناگونی طرح می‌کنند تا صاحب حق را به چشم پوشی از حق خویش وادار کنند. طول دادن، امروز و فردا کردن و به تأخیر انداختن حق یا کار مردم به منظور

ص: ۶۱

۱- نهج الفصاحه، ش ۳۰۱۴.

۲- همان، ش ۲۶۰.

خسته کردن و گذشتن از حق خویش از این نقشه های فریب کارانه به شمار می رود. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این عمل ناپسند می فرماید:

وَيْلٌ لِّمَنْ اسْتَطَالَ عَلَىٰ مُسْلِمٍ فَانْتَقَصَ حَقَّهُ. (۱)

وای بر کسی که حق مؤمنی را به تدریج می خورد.

حل اختلاف

حل اختلاف

رفع اختلاف، از بهترین کارهایی است که مورد رضای خداوند و مخلوقات اوست. این اختلاف ها ممکن است در سطح خانواده به وجود آید که اگر ریشه دار شود، سبب از میان رفتن بنیان های خانواده گی می گردد. چنانچه اختلاف در سطح اجتماع باشد، زیان های آن به مراتب بیشتر است. البته گاهی طرفین دعوا از کرده خود پشیمان می شوند و انتظار دارند کسی با میانجی گری، آنان را آشتی دهد و محبت و مودت پیشین را به آنان بازگرداند. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید:

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ. (۲)

بهترین صدقه، اصلاح و آشتی میان دو نفر است.

حلال و حرام

حلال و حرام

برخی می پندارند برای رسیدن به مقام های معنوی، باید بسیاری از نعمت های پروردگار را بر خود حرام کنند و از آنها بهره نگیرند. از این رو، می کوشند با پرهیز از خوردنی ها و نعمت های گوناگون خداوند، بر خود و خانواده خویش، سخت گیری کنند. چنین رفتاری، آنان را به مراتب قرب معنوی نمی رساند، بلکه به چاه کفران و گمراهی درخواهد افکند. رشد مادی و معنوی، به سلامت مزاج و روح آدمی بستگی دارد و این مسئله، هنگامی برای او فراهم می آید که در مسیر طبیعی و در چارچوب حلال و حرام

ص: ۶۲

۱- همان، ش ۳۱۹۲.

۲- همان، ش ۴۰۷.

الهی، گام بردارد. سخت گیری بی مورد، روح و جسم انسان را بیمار و به کسالت و ملال دچار می کند. در نتیجه، پیمودن مسیر تعالی بر او ناممکن می شود. پیامبر رحمت در تشبیه هشدار دهنده ای می فرماید:

إِنَّ مُحَرَّمِ الْحَلَالِ كَمُحَلِّلِ الْحَرَامِ. (۱)

کسی که حلال خدا را حرام می کند، مانند کسی است که حرام خدا را حلال می کند.

حیا و ایمان

حیا و ایمان

حیا با فلسفه وجودی انسان، پیوندی دیرینه دارد. از نظر اسلام کسی که حیا ندارد، دین ندارد؛ زیرا دین می کوشد تا انسان، به اخلاق و رفتار انسانی آراسته شود، در حالی که شخص بی حیا، از این هدف فرسنگ ها فاصله دارد. البته حیا به این معنا نیست که انسان به گونه ای سر به زیر باشد که در هر جا فریب بخورد یا توان پرسش از مشکلات خود را نداشته باشد یا نتواند از حقوق خود پاسداری کند. اسلام چنین حیایی را مردود می شمارد. انسان با حیا کسی است که در گفتار و کردار، ادب و نزاکت را رعایت و در زمان مناسب، از منافع دنیوی و اخروی خود دفاع کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله:

الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ قُرْنَانِ جَمِيعَا فَإِذَا رُفِعَ أَحَدُهُمَا رُفِعَ الْآخَرُ. (۲)

حیا و ایمان قرین یکدیگرند. وقتی یکی رفت، دیگری هم خواهد رفت.

ص: ۶۳

۱- همان، ش ۹۰۲.

۲- همان، ش ۱۴۲۹.

بعضی افراد به محض اینکه خبری را شنیدند، بدون آگاه شدن از درستی یا نادرستی اش، آن خبر را برای دیگران نقل می کنند و به گونه ای رفتار می کنند که انگار خود شاهد ماجرا بوده اند و این کار در پیش دیدگان نشان انجام شده است. این کار، نشانه بی توجهی و بی دقتی گوینده است و شاید سبب پیدایش اختلاف یا ریختن آبروی دیگران شود. اگر واقعی نبودن خبر آشکار شود، گوینده، احترام و اعتبار خود را نزد دیگران از دست می دهد و از آن پس، مردم حتی اخبار صادقانه او را نیز نامستند و غیرواقعی می پندارند. بنابراین، انسان باید سخنان خود را با دلیل و سند و اطمینان از درستی آن نقل کند تا به پی آمدهای منفی آن دچار نشود. حضرت محمد صلی الله علیه و آله _ آن امین راست گو _ می فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا يَسْمَعُ. (۱)

در گناه کار بودن فرد همین بس که هر چه را می شنود، نقل کند.

خداترسی

خداترسی

انسان پرهیزگار در شرایط گوناگون زندگی، خود را در محضر پروردگار متعال می بیند و خدا را شاهد و ناظر رفتار خویش می داند. ایمان به خداوند در اعماق جانِ چنین فردی ریشه دوانیده است و رشته حضور الهی را هیچ گاه گسسته نمی بیند. وی به هنگام خوشی و ناخوشی، سختی و سادگی، خداوند را نزدیک ترین یاور خود می داند و همچون کسانی نیست که تنها در سختی ها به درگاه ربوبی روی می آورند و پس از حل مشکل، به خدا فراموشی و خودگرایی مبتلا می شوند. او، مودت و امنیت الهی را بر جاذبه مال و مقام ترجیح می دهد و دار قرار را بر دار فرار نمی فروشد. پیامبر گرامی

ص: ۶۴

اسلام در این باره می فرماید:

إِتَّقِ اللَّهَ - فِي عُسْرِكَ وَ يُسْرِكَ. (۱)

هنگام سختی و خوشی، خداترس باش.

خداخواهی

خداخواهی

مردان خدا می توانند با رفتار پسندیده خود، دیگران را نیز با طریق قرب الهی آشنا کنند. آنان می توانند با سخنان دل نشین و عمیق خود، وجدان خداجو و خداگرای افراد را بیدار سازند و با کردار خود، اسوه عملی دیگران باشند. رفتار خالصانه اهل حق، اکسیری است که قلب بندگان را جلا می بخشد و به محبت و مودت خالق، رهنمون می کند. چه زیبا است انسان به درجه ای از ایمان و یقین برسد که دیگران با دیدن او به یاد خداوند بزرگ بیافتند. همانا اینان رستگارانند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ بنده برگزیده خدا که بشریت را از بربریت به معبودی یگانه، رهنمون ساخت، می فرماید:

حَبَّبُوا اللَّهَ - إِلَى عِبَادِهِ يُحِبُّكُمْ اللَّهُ. (۲)

خدا را نزد بندگانش محبوب سازید تا او شما را دوست بدارد.

خدامحوری و رضایت الهی

خدامحوری و رضایت الهی

انسان موحد در همه کارها، رضای الهی را محور قرار می دهد و کارهای خود را با آن تنظیم می کند. هر جا که کاری را هم سو با رضایت الهی نیافت، ترک می کند و اگر کاری را پرمشقت، ولی مقبول الهی دید، تمام زحمت هایش را به جان می خرد تا آن را به انجام رساند. بی شک، خداوند از چنین فردی راضی است و بهشت در انتظارش خواهد بود. پیداست کسی که به چنین مقامی دست می یابد، با افراد عادی متفاوت

ص: ۶۵

۱- همان، ش ۳۳.

۲- همان، ش ۱۳۴۴.

است و حب و بغض او تنها برای خدا خواهد بود. اگر با کسی دوستی می کند، چون او را بنده خوب خدا می داند، هم نشینی با او را مطلوب می پندارد؛ زیرا دیدار و رفتار آن دوست، او را به یاد خدا می اندازد و بر درجه یقین و حضورش می افزاید. اگر کسی را نیز از خود می راند، به این سبب است که او مسیر رحمانی را رها کرده و به جاده شیطانی وارد شده است. پس چون هم گامی با او را سراسر زیان می بیند، از او می برد. به راستی که رسیدن به این مقام، بسیار دشوار است و به خاطر دشواری آن، چنین آدمی را می توان از برگزیدگان خاص الهی به شمار آورد، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

وَدُّ الْمُؤْمِنِ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَابْتَعْضَ فِي اللَّهِ وَاعْتَلَى فِي اللَّهِ وَمَنَعَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْأَصْفِيَاءِ. (۱)

دوستی مؤمن با مؤمن برای رضای خدا، از بزرگ ترین رشته های ایمان است و کسی که برای خدا دوست بدارد و برای خدا با کسی دشمن باشد و برای خدا بخشش داشته باشد و برای خدا از دادن، خودداری کند، از برگزیدگان است.

انسانی که در دایره خشنودی خداوند گام برمی دارد، برای انجام کار، از تمام امکانات لازم بهره می گیرد. حتی اگر به نتیجه هم نرسید، اندوهگین نمی شود؛ زیرا به وظیفه خویش عمل کرده و مصلحت او چنین بوده است. چه بسیار نتایجی که آدمی به گمان خود، آنها را نیکو می شمارد، ولی در واقع، جز زیان نصیبش نمی شود. درباره نعمت ها هم انسان باید بخشنده واقعی را بشناسد و از او سپاس گزاری کند. ممکن است واسطه هایی این نعمت ها را به آدمی برسانند، ولی نباید هرگز سبب اصلی را فراموش کند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه ای می فرماید:

إِنَّ مِنَ الْيَقِينِ أَنْ تَرْضَى أَحَدًا بِسَخَطِ اللَّهِ وَ لَا تَحْمَدَ أَحَدًا بِمَا آتَاكَ اللَّهُ وَ لَا تَدُمَّ أَحَدًا عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِكَ اللَّهُ. (۲)

ص: ۶۶

۱- تحف العقول، ص ۴۸.

۲- همان، ص ۶.

از نشانه های یقین آن است که برای رضای کسی، خدا را از خود خشمگین نسازی. در برابر نعمت هایی که خداوند به تو داده است، فردی را سپاس نگویی و در مورد آنچه خدا به تو نداده است، کسی را نکوهش نکنی.

خدمت به مردم

خدمت به مردم

بعضی از مردم برای خدمت به دیگران هیچ علاقه ای ندارند و همچون طلب کاران در انتظار کمک و یاری دیگران نشسته اند. آنان با اینکه امکانات کافی نیز دارند، ولی همچنان منتظر مساعدت بیشتر هستند. از سوی دیگر، با نیکانی روبه رو می شویم که در راه خدمت به خلق الله، چنان شیفته و از خود باخته اند که سر از پا نمی شناسند و هر شب به امید آن می خوابند که فردا، باری از دوش در مانده ای بردارند و دل های شکسته ای را آرامش بخشند. اینان نه تنها از خدمت به مردم خسته نمی شوند، بلکه هر روز در این راه تشنه تر می شوند. در حقیقت، آنان محبوب خداوندند که رفع نیاز مردم دردمند به دست آنان سپرده شده است. پیامبر رحمت می فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِبَعْدِ خَيْرًا صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ. (۱)

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی بخواهد، حاجت مردم را در دست او قرار می دهد.

خدمت گزاری

خدمت گزاری

خدمت به خلق خدا ارزش والایی دارد؛ زیرا رضایت الهی را فراهم می آورد. در راه خدمت به مردم با دو گروه روبه رو هستیم؛ دسته ای، با تبلیغ های رنگارنگ و دمیدن در بوق و کرنا، چنان وانمود می کنند که از خیرخواهان و نیکوکاران نامدار هستند، در حالی که با اندکی بررسی درمی یابیم که انگیزه های غیرخدایی، چهره آنان را پوشانیده است. گروهی دیگر، بی صدا و بی ریا، سودمندترین خدمت ها را برای مردم نیازمند

ص: ۶۷

انجام می دهند و تنها خداوند را ناظر رفتار خود می دانند. پیامبر عظیم الشان اسلام درباره خدمت به مردم و سود رساندن به دیگران می فرماید:

أَصْلِحِ النَّاسِ أَصْلَحَهُمُ لِلنَّاسِ. (۱)

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.

خریدار پشیمان

خریدار پشیمان

ممکن است خریدار، پس از گذشت چند ساعت یا چند روز از معامله پشیمان شود. در این حال، فروشنده باید با صبر و حوصله و گذشت و سعه صدر با او برخورد کند. هرچند فروشنده می تواند از قبول جنس فروخته شده خودداری کند، ولی رسم جوان مردی ایجاب می کند که درخواست او را بپذیرد و او را مورد لطف و مرحمت خود قرار دهد. به یقین، این برخورد، اثر عمیقی بر آن شخص خواهد گذاشت و هنگام برخورد با آن فرد یا شنیدن نام وی در محافل دیگر، با احترام خاصی از او یاد خواهد کرد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

مَنْ أَقَالَ نَادِمًا يَبِيعُهُ أَقَالَ اللَّهَ تَعَالَى عَثْرَتَهُ. (۲)

هر کس، معامله پشیمانی را پس بگیرد، خداوند از لغزش او درمی گذرد.

خرید نسیه

خرید نسیه

بعضی افراد به خریدن جنس نسیه ای عادت کرده اند. آنان حتی اجناس غیرضروری را با وعده و وعید به نسیه می خرند و بعدها به دلیل بدقولی، اعتبار خود را از دست می دهند. تجربه نشان داده است که بیشتر اوقات، نسیه خریدن این افراد چنان گسترش می یابد که معامله های بزرگ انجام می دهند و در پایان، به سرشکستگی و ورشکستگی

ص: ۶۸

۱- همان، ش ۳۱۷.

۲- همان، ش ۲۸۶۰.

دچار می شوند. انسان مسلمان باید آینده نگر باشد و اقتصاد متوازنی را در پیش بگیرد و آنچه را ضروری نمی داند، بر خود تحمیل نکند تا رسوای عام و خاص نشود. پیامبر عظیم الشان در معرفی سیره پسندیده خویش می فرماید:

لَا أُشْتَرَى شَيْئًا لَيْسَ عِنْدِي ثَمَنُهُ. (۱)

آنچه را بهایش نردم نیست، نمی خرم.

خشم

خشم

اسب سرکش، گاهی اختیار را از سوارش می گیرد و با بی رحمی تمام، او را بر زمین می کوبد و برای مدتی وی را در پی دوا و درمان راهی می کند. حتی ممکن است این سرکشی، به قیمت جان او تمام شود. خشم و غضب نیز همین حالت را دارد؛ یعنی تعادل روحی و روانی آدم را برهم می ریزد و ابزار تعقل او را از کار می اندازد. در این هنگام، تصمیم هایی می گیرد که پی آمدهای جبران ناپذیری خواهد داشت. چه بسا انسان هایی که برای یک لحظه عصبانیت، سالیان درازی از عمر ارزشمند خود را پشت میله های زندان به سر برده و حتی جان خود را از دست داده اند. افزون بر این، بر اثر خشم فراوان، آدمی کارهایی انجام می دهد یا سخنانی را بر زبان می آورد که از وقار او می کاهد و چهره اجتماعی و خانوادگی وی را زیر سؤال می برد. برای رهایی از چنین پی آمدهای زیان باری، راهنمایان دینی، آدمیان را به بردباری و مهار خشم و غضب فراخوانده اند. مردی به پیامبر اسلام گفت: مرا سفارشی بفرمایید. حضرت فرمود: خشم مکن. بار دیگر عرض کرد: باز هم توصیه ای بفرمایید: حضرت باز هم فرمود: خشم مکن. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرَعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (۲)

ص: ۶۹

۱- همان، ش ۲۴۲۷.

۲- تحف العقول، ص ۴۷.

نیرومند آن نیست که دیگری را بر زمین بکوبد، بلکه نیرومند آن است که هنگام خشم بر نفس خود مسلط باشد.

خواب صبح گاهی

خواب صبح گاهی

بعضی افراد، صبح گاهان از بستر خواب برمی خیزند و با نشاطی مضاعف، کار و تلاش را از سر می گیرند. عده ای دیگر با گذشت زمانی از روز، همچنان در بستر خود به این سمت و آن سمت می غلتند و مانند بیماری رنجور، توان برخاستن ندارند. این سستی، ناشی از پرخواهی آنان است که به دلیل همین عادت ناپسند، بسیاری از فرصت ها را از دست می دهند. در حالی که دیگران بخشی از کارهای روزانه خود را از انجام داده اند، وی با کسالت از خواب برمی خیزد و تا پایان روز همچنان در سستی باقی می ماند. پس شایسته است که به توصیه های حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمل کنیم و از خواب بی ثمر چشم پوشیم. ایشان می فرماید:

الصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ. (۱)

خواب صبح گاهی مانع روزی است.

خواندن نامه دیگران

خواندن نامه دیگران

از عادت های زشتی که در برخی افراد وجود دارد، این است که بی اجازه، نامه دیگران را می خوانند یا در کار دیگران تجسس می کنند. اینان برای توجیه کار نادرست خود می گویند: «من و او نداریم»، «بین ما یگانگی کامل وجود دارد». البته این عذری ناپذیرفتنی است و حتی اگر پدر و فرزند، نامه های همدیگر را بخوانند، ناراحت می شوند؛ زیرا ممکن است مطالبی وجود داشته باشد که صاحب نامه نمی خواهد دیگران از آن آگاه شوند. پیامبر گرامی اسلام با توصیه به ترک چنین کار نکوهیده ای، می فرماید:

ص: ۷۰

مَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ أَخِيهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي النَّارِ. (۱)

هر کس بی اجازه برادرش به نامه او نگاه کند، مانند آن است که در آتش نگریسته است.

خوش بویی

خوش بویی

انسان بنا بر طبیعت خود، بوی خوش و نیکو را دوست دارد و از بوی بد بیزاری می جوید. از این رو، همواره می کوشد فضای زیستگاهش عطر آگین باشد و از بوی بد پرهیز دارد. مکتب اسلام، پاکیزگی و بهداشت فردی و اجتماعی را سرلوحه دستورهای ارزشمند خود قرار داده است و بر رعایت آن در مکان های ارزشمند مانند مساجد و زیارت گاه ها بیشتر تأکید می کند؛ زیرا سبب جذب بیشتر مردم به این مکان ها می شود. پیامبر اسلام نیز همیشه خوش بو بود و به دیگران توصیه می فرماید:

إِنَّ خِيَارَ عِبَادِ اللَّهِ الْمُوفُونَ الْمُطِيبُونَ. (۲)

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که به وعده وفا می کنند و عطر به کار می برند.

خوش رفتاری با خانواده

خوش رفتاری با خانواده

اعضای خانواده در برابر یکدیگر، وظایف و حقوقی دارند، مانند: تأمین امکانات رفاهی و آسایش و خوش رفتاری متقابل. متأسفانه افرادی یافت می شوند که در بیرون از محیط خانه، بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد هستند، ولی زمانی که وارد محیط امن خانواده می شوند، بسیار سخت گیرند و مانند انسان های خودخواه و پرتوقع، انتظار دارند که دیگران مطیع در بست آنان باشند. اینان هرگز با کسی مشورت نمی کنند و برای اعضای خانواده ارزشی قائل نیستند. به سخنان دیگران گوش نمی دهند و بی حوصله و زورگو هستند. گویی این فرد همان انسان خوش رو و خوش اخلاق بیرون از خانه

ص: ۷۱

۱- همان، ش ۲۸۴۶.

۲- همان، ش ۸۵۰.

نیست. اسلام این خصلت ناپسند را بسیار نکوهش کرده است و پیامبر گرامی اسلام برای تأمین ثبات و آسایش خانواده و توصیه به بهترین رفتارها در محیط خانواده می فرماید:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ. (۱)

بهترین شما کسانی هستند که برای اهل خود بهترینند.

خوش رفتاری با مردم

خوش رفتاری با مردم

خوش رفتاری از راه های جلب محبت دیگران است. خوش رفتاری، اکسیری است که دل ها را به هم پیوند می زند و کارهای به ظاهر ناشدنی را ممکن می سازد. خداوند رحیم به پیامبر خدا اعلام می دارد که اگر تو فردی خشن و بداخلاق بودی، همگان از پیرامونت پراکنده می شدند. باری، راز موفقیت پیامبر گرامی اسلام، برخورداری از اخلاق نیکو بود و همین عامل سبب شد مردم گروه گروه به ایشان بپیوندند و دین مبین اسلام در همه جا گسترش یابد. ایشان می فرماید:

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا. (۲)

بهترین بندگان خداوند، خوش اخلاق ترین آنهاست.

خوش قلبی

خوش قلبی

خوش قلب کسی است که می کوشد از هیچ کس کینه و کدورتی به دل راه ندهد. وی از خوشحالی دیگران، شادمان و از بدحالی آنان، اندوهگین می شود. خود را از هم نوعان جدا نمی داند و در فراز و نشیب ها در کنار آنان، احساس آرامش می کند. این ویژگی، نشانه پاکی روح و رشد و کمال مقام انسانیت اوست. بعضی افراد گاهی پا را

ص: ۷۲

۱- همان، ش ۱۴۷۷.

۲- همان، ش ۸۴.

فراتر می نهند و حتی بدی ها را با خوبی پاسخ می گویند. چنین برخورد سازنده ای در سیره پیامبر گرامی اسلام دیده می شود. ایشان می فرماید:

مَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ صَالِحٌ تَحَنَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ. (۱)

خداوند مشتاق کسی است که قلبی نیکو دارد.

خیرخواهی

خیرخواهی

انسان مسلمان خود را در غم و شادی دیگران شریک می داند؛ یعنی آنچه را برای خود می خواهد، برای دیگران نیز خواهان است و آنچه را برای خود آرزو می کند، برای دیگران نیز آرزومند است. در این حال، اگر موفقیت و کمالی نصیب دیگران شود، لذت می برد و این، اوج خیرخواهی است. مسلمانان عضو خانواده بزرگ اسلامی اند و باید در غم و شادی یکدیگر شریک باشند. پس بکوشیم به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله جامه عمل بپوشانیم و چنین احساسی را در خویشتن پدید آوریم، آنجا که می فرماید:

أَحْبِبْ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ. (۲)

آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران نیز بخواه.

دانش اندوزی

دانش اندوزی

همه کسانی که به مراتب بالایی از علم و آگاهی رسیده اند، از هر فرصتی برای کسب دانش سود جسته اند. آنان از مطالبی که دیگران قابل مطالعه نمی دانند و به راحتی از کنار آن می گذرند، بی اعتنا نمی گذرند و در راه تحصیل علم، مرارت ها و سختی های

ص: ۷۳

۱- همان، ش ۲۹۱۳.

۲- همان، ش ۸۷.

فراوانی را بر خود هموار می کنند. آنان با چشم پوشیدن از خواب و خوراک، کنار نهادن تکبر و غرور و با فروتنی و احترام در برابر استاد، ساعت ها و ماه ها و سال ها به تعلیم و آموختن نشسته اند. در نظر اینان، دانش همانند آب دریا است که هرچه از آن می آشامند، همچنان خود را تشنه تر و نیازمندتر می بینند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به فراگیری دانش می فرماید:

أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. (۱)

دانشمندترین شخص آن است که علم دیگران را بر علم خود بیافزاید.

دانشجو باید از تنبلی و بی کاری دوری کند و با پشتکار به کسب دانش پردازد. دانشجو باید از هر فرصتی که پیش می آید، بیشترین بهره را ببرد تا موفقیت لازم را به دست آورد. دانش طلبان از شتاب نکردن در بهره گیری از زمان، بیشترین زیان را می بینند؛ زیرا دانشجو باید در طلب علم همچون تیری از چله کمان رها شود و از اما و اگرها و امروز و فرداها رها باشد. پیامبر گرامی اسلام که پی جویی و پی گیری علم را تا راه های دوردست توصیه می کرد، درباره جد و جهد برای فراگیری دانش، سخنی نیکو به یادگار گذاشته است:

أَعْدُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّ الْعُدُوَّ بَرَكَةٌ وَ نَجَاحٌ. (۲)

در طلب دانش زودخیز باشید؛ زیرا در زودخیزی، برکت و کام یابی است.

دانشمندان بی عمل

دانشمندان بی عمل

بعضی از مردم، دیگران را ارشاد و راهنمایی می کنند و راه خیر و سعادت را به آنان نشان می دهند. آنها را از زشتی گناه آگاه می کنند و راه خیر و سعادت را پیش پای آنان قرار می دهند. به طور کلی، مردم در پرتو دانش و فضل این دانشمندان به رضوان الهی

ص: ۷۴

۱- همان، ش ۳۶۰.

۲- همان، ش ۳۷۶.

دست می یابند و سعادت‌مند و رستگار می شوند، ولی آن گاه که نوبت به خودشان می رسد و باید به دانستنی های خود عمل کنند، درمانده می شوند و در مقام عمل کم می آورند. تو گویی این اندوخته ها را فقط برای راهنمایی دیگران در مخزن ذهن خود بایگانی می کنند. این افراد جز حسرت و پشیمانی و گزیدن زبان های خویش بهره ای ندارند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره وضعیت این عالمان بی عمل می فرماید:

يُطَلِّعُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ مَا أَدْخَلَكُمْ النَّارَ وَقَدْ دَخَلْنَا الْجَنَّةَ لِفَضْلِ تَأْدِيبِكُمْ وَتَعْلِيمِكُمْ فَيَقُولُونَ إِنَّا كُنَّا نَأْمُرُ بِالْخَيْرِ وَلَا نَفْعَلُهُ. (۱)

گروهی از بهشتیان به عده ای از دوزخیان نظر می افکنند و می گویند: چه کاری شما را به آتش کشانید در صورتی که ما به برکت تأدیب و آموزش شما داخل بهشت شده ایم. آنان در پاسخ می گویند: ما به نیکی امر می کردیم، ولی خودمان به آن عمل نمی کردیم.

دانشمند فاسد

دانشمند فاسد

اگر دانشمندی از جاده سلامت خارج شود و از دانش خود در مسیر نادرست بهره برداری کند، می تواند زیان های جبران ناپذیری برای بشریت داشته باشد. عالم چون از ظرایف امور آگاه است، اگر گمراه شود، می تواند تعداد زیادی را به ورطه نابودی بکشد. عالم، راه گمراه کردن مردم را بهتر می شناسد و می داند چگونه حقیقت را وارونه و باطل را حق جلوه دهد. امروزه بسیاری از آسیب ها و زیان های جامعه انسانی بر اثر سوءاستفاده دانشمندان از دانششان رخ می دهد. دانشمند، نه تنها می تواند فکر مردم را بیمار کند، بلکه از راه دستاوردهای علمی او، گاهی زیان های فراوانی متوجه

ص: ۷۵

مردم می شود. بنابراین، همان گونه که یک عالم بافضیلت می تواند افراد زیادی را به سوی رستگاری راهنمایی کند تا جامعه انسانی از دانش او بهره بگیرد، عالم گمراه هم منشأ آسیب های بسیاری خواهد شد. از پیامبر گرامی اسلام پرسیدند: «أَيُّ النَّاسِ شَرٌّ؟ كَدَامَ يَكُ مِنْ مَرْدَمٍ بَدْتَرَنَدُ؟» ایشان فرمود: «الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا؛ دانشمندان هر گاه فاسد شوند».(۱)

دانشوری

دانشوری

علم در منطق اسلام، نوری است که پروردگار آن را در قلب های مستعدی پروراند و او را به راه راست و بندگی عاشقانه و عارفانه فرا می خواند. سعادت و نیک فرجامی آدمی در سایه این دانش به دست می آید. علم، آدمی را از تاریکی و ظلمت می رهاند و او را به سوی نور و روشنایی رهنمون می سازد. آدمی چگونه می تواند از این منبع درخشان، روی گردان و بی بهره بماند، در حالی که در آموزه های روایی، پی گیری آن حتی در دوردست ترین سرزمین ها (یعنی چین) سفارش شده است. اصولاً آدمی برای رسیدن به گوهری ارزشمند، تا اعماق زمین و دریاها را می کاود و دانش نیز چنین است؛ گوهری ارزشمند و عافیت آفرین که هر رنج و زحمتی برای به دست آوردن آن رواست. باید کوشید و لباس زیبای دانش را بر تن کرد و خود را به زیور ارزش ها آراست که اگر چنین شود، منزلت دنیوی و سعادت اخروی نصیب آدمی می شود. علم ارزشی، مسیر زندگی را به درستی می نمایاند و بهترین یار و یاور آدمی در حل مشکلات و آراستن به فضایل اخلاقی است. انسان دانشمند، بسیار دقیق است و هر چیزی را آن گونه که باید، ادا می کند. پیامبر دانش گستر و دانشمند پرور در فضیلت دانش می فرماید:

بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَ يُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَ يُوَحَّدُ وَ بِهِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ وَ

ص: ۷۶

يُعْرِفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَالْعِلْمُ إِمَامُ الْعَقْلِ (۱).

با دانش، اطاعت و پرستش خدا انجام می‌گیرد. به واسطه دانش، خداوند شناخته می‌شود و عقیده به یگانگی او پیدا می‌شود. به وسیله دانش، حق خویشان ادا می‌شود و حلال و حرام شناخته می‌گردد و دانش، پیشوای عقل است.

دخالت در گیری

دخالت در درگیری

یکی از بدترین کارها این است که انسان بی آنکه درباره موضوعی آگاهی کافی داشته باشد، پیشاپیش درباره آن نزاع کند یا بدون دلیل منطقی و تنها برای خودنمایی و غرور بی جا، در دعوی دیگران دخالت کند. در این صورت، نزاعی که ممکن است با مصلحت سنجی طرفین، پایان پذیرد، به یک اختلاف ریشه ای و عمیق تبدیل می‌شود. البته این گونه افراد به زودی از کرده خود پشیمان خواهند شد، ولی «چرا عاقل کند کاری / که بازآرد پشیمانی؟» پیامبر گرامی اسلام با انتقاد از این عمل ناسنجیده می‌فرماید:

مَنْ جَادَلَ فِي خُصْمِهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِعَ (۲).

هر کس بدون آگاهی در خصومتی شرکت کند، در خشم خداست تا آن گاه که از آن دست بردارد.

در انتظار فردا

در انتظار فردا

حقیقت این است که هیچ کس نمی‌تواند به زندگی فردای خود اعتماد داشته باشد؛ زیرا هر لحظه در معرض مرگ است و نمی‌داند چه چیزی برایش اتفاق خواهد افتاد. چگونه انسان می‌تواند فردا را جزو عمر خود به حساب آورد، در حالی که پیرامون خویش، کسانی را می‌بیند که در یک چشم برهم زدن با مرگ طبیعی یا حوادث

ص: ۷۷

۱- همان، ص ۲۸.

۲- نهج الفصاحه، ش ۲۸۶۵.

ناگهانی، به سوی سرای دیگر کوچ می کنند. پس برای تهیه ره توشه آخرت، با امید به فردا و فرداها نمی توان زیست. باید لحظه ها را غنیمت دانست و از آن بهره برد؛ زیرا جز ذات الهی، کسی نمی داند چه سرنوشتی برای فردای او رقم خورده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره امید داشتن واهی به فرداها می فرماید:

مَنْ عَدَّ غَدًا مِنْ أَجَلِهِ فَقَدْ أَسَاءَ صُحْبَةَ الْمَوْتِ. (۱)

هر کس، فردا را از عمر خویش شمارد، مرگ را خوب نشناخته است.

درخت کاری

درخت کاری

اگر نهال کوچکی در زمین بنشانید، پس از مدتی به درخت بزرگی تبدیل خواهد شد که همگان می توانند از سایه دل پذیر آن و میوه های شیرین و آب دارش بهره گیرند. درخت کاری در پاکیزگی و تلطیف هوا نیز اثرگذار است. البته این همه فایده، به یک تصمیم به ظاهر ساده برمی گردد. هنگامی که انسان می تواند با کاشتن یک نهال کوچک، این گونه برای خود و دیگران سودمند باشد، چرا چنین نکند و در سرسبزی و زیبا سازی محیط پیرامون خود نقش نداشته باشد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این عمل را بسیار ستوده است:

مَنْ عَرَسَ عَرَسًا لَمْ يَأْكُلْ مِنْهُ آدَمِيٌّ وَلَا خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ. (۲)

هر که درختی بکارد، هربار که انسان یا یکی از مخلوقات خدا از میوه آن بخورد، برای وی صدقه است.

درخواست

درخواست

تمنّا کردن از دیگران، از شخصیت و بزرگی آدمی می کاهد. بر این اساس، اسلام برای تکریم شخصیت انسانی، دستور داده است تا آنجا که می توانید دست نیاز به سوی

ص: ۷۸

۱- همان، ش ۲۹۲۶.

۲- همان، ش ۲۹۲۱.

این و آن دراز نکنید. در حقیقت، بی نیازی در پس پرده مناعت طبع قرار دارد. کسی که عزت نفس و بزرگی دارد، هیچ گاه به خاطر تأمین اندکی از نیازهای خود، رنج خواهش از دیگران را بر خود هموار نمی کند و خود را پیش دیگران خوار و کوچک نمی سازد. عملکرد معصومین ما در قناعت و درخواست نکردن بسیار آموزنده است. آنان هیچ گاه برای به دست آوردن چیزی از دیگران مطالبه نمی کردند و بردباری پیشه می کردند تا در زمان مناسب به خواسته مشروع خود دست پیدا کنند. فقر و غنا به داشتن مال و منال نیست، بلکه چه بسیار فقیرانی که در حقیقت، استغناى نفس داشته اند و بزرگند و چه دارندگانی که هنوز هم دست نیاز به سوی این و آن دراز می کنند. اینان در واقع، خود به نوعی فقر و نیازمندی دچارند که در ظاهر دیده نمی شود. به راستی ما جزو کدام دسته ایم؟

پیامبر ارجمند اسلام درخواست کردن غیر ضروری را نشانه فقر می شمارد و می فرماید:

قَلَّ طَلَبِ الْخَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرُ وَ كَثْرَةُ الْخَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ. (۱)

کم خواهش کردن از مردم، بی نیازی حاضر و زیاد خواهش کردن از مردم، خواری و فقر حاضر است.

دروغ گویی

دروغ گویی

دروغ یکی از انحراف های شدید اخلاقی است. دروغ گو پیوسته دچار تشویش و نگرانی است و بیم آن دارد که حقیقت مطالب آشکار و او رسوا شود. بر اثر کشف حقایق، شرافت ذاتی دروغ گو از دست می رود و وی نزد دیگران حقیر و ناچیز می شود. دروغ گویی از صفات ناپسندی است که در همه آیین ها عامل انحطاط

ص: ۷۹

شخصیت فرد و آسیب اجتماعی شمرده شده است. هر کس راست گوتر باشد، سخن مردم را زودتر باور می کند و هر که دروغ گوتر است، بیشتر مردم را دروغ گو می شمارد.

از روایات معصومین برمی آید که درمان دروغ گویی بر بهسازی روحی و معنوی آدمی تأثیر فراوانی دارد. در حقیقت، وقتی آدمی، مادر زشتی ها را ترک می کند، رفته رفته کاستی های اخلاقی دیگر را نیز از خود دور می سازد. پیامبر بزرگوار اسلام با تأکید بر پرهیز از دروغ می فرماید:

إِيَّاكَ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ، ثُمَّ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا وَإِنَّ الصِّدْقَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ وَ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقًا وَ اعْلَمْ أَنَّ الصِّدْقَ مُبَارَكٌ وَ الْكَذِبُ مَشُؤُومٌ. (۱)

از دروغ پرهیز؛ زیرا دروغ، رو را سیاه می کند و سپس مرتکب آن، نزد خداوند دروغ گو نوشته می شود و راست گویی، رو را سفید می کند و نزد خداوند راست گو نوشته می شود و بدان که راست گویی، مبارک و دروغ گویی، شوم است.

دعا در غیاب دیگران

دعا در غیاب دیگران

دعاهایی که در نبود افراد، در حق آنان انجام می شود، بسیار به اجابت، نزدیک و نشان دهنده کمال اخلاص دعا کننده است؛ زیرا ممکن است دعاهایی که در حضور دیگران انجام می شود، با شایبه ریا و جلب اعتماد و رضایت ذی نفع همراه باشد. به یقین، چنین اعمالی نزد پروردگار متعال، هیچ ارزشی نخواهد داشت. دعا کننده در دعاهای پنهانی که تنها برای رضایت الهی است، دعا را حتی پس از اجابت نیز فاش نمی سازد تا ذی نفع متوجه نشود که با چه واسطه ای، مورد لطف خداوند قرار گرفته است. پیامبر اسلام، عمل خالصانه را گران سنگ ترین و با ارزش ترین اعمال می داند و

ص: ۸۰

می فرماید:

أَسْرِعُ الدُّعَاءِ إِجَابَةً دَعَاءِ غَائِبٍ لِغَائِبٍ. (۱)

سریع ترین دعا که اجابت می شود، دعای غایب برای دیگری است.

دعوت به گمراهی

دعوت به گمراهی

هر کس مسئول رفتار و گفتار خویش است، ولی گاهی انسان با گفتار یا رفتار خویش در گناه یا ثواب دیگران شریک می شود و آن در صورتی است که فرد، دیگران را به انحراف بکشاند. برعکس، چنانچه انسان، دیگران را به کار و سنت نیکو فرا بخواند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند، در ثواب عمل کنندگان نیز شریک خواهند بود. پس مبادا که با گفتار و کردار خویش، دیگران را گمراه کنیم؛ زیرا در آن صورت، عذابی دردناک در انتظارمان خواهد بود. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید:

أَيُّمَا دَاعٍ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ فَاتَّبِعْ فَإِنَّ عَلَيْهِ مِثْلَ أَوْزَارِ مَنْ اتَّبَعَهُ... (۲)

هر کس که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی کنند، گناهی مثل گناه عمل کنندگان به آن خواهد داشت....

دگرگونی های زندگی

دگرگونی های زندگی

زندگی همیشه یکنواخت نیست، بلکه همیشه تغییر، دگرگونی و فراز و نشیب هایی دارد. انسان اندیشمند از تحول های مثبت و منفی روزگار، درس زندگی می آموزد و درمی یابد که چه عواملی در شکست یا پیروزی اثرگذار است. از طبیعت بی جان که با رویش جوانه ها و دمیدن روح بهار، طراوت و سرزندگی می یابد و از پایدار نبودن جاه و مقام ها، به ماهیت این سرای گذر، پی می برد. در نتیجه، از خواب غفلت برمی خیزد و

ص: ۸۱

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۹۱.

۲- همان، ش ۱۰۲۶.

خود را برای روزی آماده می کند که مال و فرزند به یاری انسان نمی شتابند. بلکه قلب سلیم و پرهیزگاری، دستگیر انسان است. پیامبر اسلام، کسانی را که از گذر زمان و فراز و فرودهای روزگار پند نمی گیرند، نکوهش می کند و می فرماید:

أَغْفَلَ النَّاسُ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَعْبِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ (۱).

غافل ترین مردم کسی است که از دگرگونی های دنیا پند نگیرد.

دنیاگرایی

دنیاگرایی

مردم دنیا پرست بسیارند و افراد دنیادار هم بی شمار. تمام فکر این افراد در دایره مادیات سیر می کند و اندیشه آنان از شهوت ها فراتر نمی رود. اگر از دین سخن می گویند، بسیار سطحی و گذرا است. آنان دین را هم وسیله دست یابی به اهداف دنیوی خویش قرار داده اند. اگر میان دین و دنیایشان تزاخمی پیش آید و مجبور شوند یکی را برگزینند، حتما در پی دنیا خواهند رفت. در صورت به مخاطره افتادن دینشان، هیچ حساسیتی نشان نمی دهند و بی اعتنا از کنار آن می گذرند، ولی شتابان به دور دنیا می چرخند و تمام نیروی خود را به کار می گیرند تا توشه دنیایی را به دست آورند. حتی در این راه از ستمگری و حق کشی، نیرنگ و مانند آن هم روی گردان نیستند. آنان نمی دانند که چه گوهرهای ارزشمندی را در راه به دست آوردن مال ناچیز دنیا هدر داده اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای پیش گیری از این وضعیت اجتماعی و بر حذر بودن از این گونه افراد می فرماید:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُبَالِي الرَّجُلُ مَا تَلَفَ مِنْ دِينِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ (۲).

زمانی برای مردم پیش خواهد آمد که مردم به تلف شدن دین اهمیتی نمی دهند، هنگامی که دنیای آنها محفوظ و سالم باشد.

ص: ۸۲

۱- همان، ش ۳۷۹.

۲- تحف العقول، ص ۵۲.

شتاب زدگی در کارها، نتیجه ای جز زیان و پشیمانی به همراه ندارد. برای انجام هر کاری باید جنبه های آن را خوب سنجید و پیش بینی های لازم را انجام داد و به عاقبت کار نیز توجه داشت. بی شک، با چنین مقدمه چینی هایی، درصد موفقیت کارها بالا می رود و بیشتر می توان به نتیجه کار خوش بین بود. باید گفت مشورت و مراجعه به افراد شایسته، خردمند و کارشناس، کارگشا خواهد بود. هرگونه رای زنی با ناآگاهان نه تنها مشکلی را نمی گشاید، بلکه مشکلی بر مشکلات خواهد افزود.

در آموزه های دینی، درباره پیمودن مسیر صحیح برای دست یابی به نتایج کار توصیه های مؤکدی بیان شده است. برای مثال، مردی از پیامبر اسلام پرسید: حزم چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

تَشَاوَرُ امْرَأَةٍ ذَا رَأْيٍ ثُمَّ تَطِيعُهُ. (۱)

حزم آن است که با مردی که دارای اندیشه صحیح و رأی عاقلانه باشد، مشورت و از او پیروی کنی.

دورویان

دورویان

ظاهر و باطن بعضی از انسان ها با هم متفاوت است. آنان در ظاهر، ادعای دوستی می کنند، ولی در پنهان بر طبل دشمنی می کوبند؛ در جمع، به تعریف و تمجید می پردازند و در پنهان، هزار و یک عیب درست و نادرست را برجسته می سازند و می کوشند تا از قدر و قیمت افراد بکاهند. این افراد اگر به کسی هم احترام بگذارند، از روی صداقت نیست، بلکه برای رفع نیازهای خود، نزد دیگران کرنش می کنند. در ظاهر برای او هزاران دعای خیر می کنند، ولی اگر غمی به دیگران روی آورد، شادمان

ص: ۸۳

می شوند. در حقیقت، اعتماد کردن به این انسان های دورنگ و در دام آنها گرفتار آمدن، آسیب های جدی به روح و روان آدمی و دین و ایمان او وارد می کند. چه بسا با تعریف های او غرور و بزرگی در خود احساس کند و از جاده بندگی خارج شود. پس شایسته است با آشنایی با ویژگی های این افراد که به وسیله پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بازگو شده است، از دوستی با آنان پرهیز کنیم. رسول حقیقت می فرماید:

إِنَّ لِلْمُتَكَلِّفِ مِنَ الرِّجَالِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: يَتَمَلَّقُ إِذَا شَهِدَ وَيَعْتَابُ إِذَا غَابَ وَيَسْمَتُ بِالْمُصِيبَةِ. (۱)

مردمان ظاهر ساز و حيله گر سه نشانه دارند: رودر روی اشخاص، چاپلوسی می کنند؛ پشت سرشان، غیبت و بدگویی می کنند و به خاطر مصیبتی که به دیگران رسیده است، شادی می کنند.

دوری از مواضع اتهام

دوری از مواضع اتهام

گاهی انسان، خود، شخص محترم و آبرومندی است، ولی به دلیل نشست و برخاست با کسانی که مورد اتهام هستند، در معرض تهمت قرار می گیرد. مردم می پندارند او نیز در سلک و پیشه آنان است؛ چون اگر با آنان مخالف بود، به هم نشینی با آنان ادامه نمی داد. چه بسا ممکن است او فرد درست کاری باشد، ولی به دلیل رفت و آمد با بدان، به تدریج خوی و خصلت آنان را بگیرد و رنگ الهی خویش را از دست بدهد. بنابراین، بسیار شایسته است که انسان، برای سلامت روح و روان و دوری از اتهام، دوستی با چنین افرادی را ترک کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَوْلَى النَّاسِ بِالتُّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ. (۲)

هر که با متهمان هم نشینی کند، بیش از همه سزاوار تهمت است.

ص: ۸۴

۱- همان، ص ۱۰.

۲- نهج الفصاحه، ش ۹۷۵.

آفرینش انسان به گونه ای است که حب به ذات دارد، هرچند به دیگر انسان ها نیز علاقه نشان می دهد. حب به ذات سبب می شود انسان برای حفظ جان خویش تلاش کند و برای پایداری دوستی ها به فداکاری و جانبازی دست بزند. برترین گونه عشق و محبت که به آن عشق واقعی می گویند، حب به ذات لایزال الهی است. عاشق خداوند، دوستی او را بر هر چیزی مقدم می دارد و همه هستی خویش را برای محبت او فدا می کند. محبت به خدا در زندگی دنیوی، با کمک به نیازمندان، انجام خدمات خدایسندانه و اصلاح امور هم نوعان تجلی می یابد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به علاقه مُحَبِّ و محبوب می فرماید:

مَنْ آثَرَ مَحَبَّةَ اللَّهِ عَلَى مَحَبَّةِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ مَوْنَهُ النَّاسِ. (۱)

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد، خداوند، گرفتاری مردم را از او کفایت می کند.

دین داری

دین داری

هرچند سرپرست خانواده در برابر تأمین مخارج زندگی مسئول است، ولی این به آن معنا نیست که در تأمین نیازمندی ها، از دین و شرف و انسانیت بگذرد. منظور آن است که او بکوشد از راه های پسندیده و مقبول، امرار معاش کند. سرپرستی که به هر شیوه ای دست می یازد تا رفاه و امکانات زندگی را فراهم کند، افزون بر اینکه در مسیر دیانت حرکت نمی کند، به گونه ای، افراد خانواده را نیز در دام چنین روش های نادرستی خواهد افکند. چنین شخصی باید بداند که به زودی، همه اندوخته های مادی او به دست وارثان می افتد و تنها اعمال او می تواند او را از عذاب آخرت نجات دهد. چرا انسان باید دیانت خود را فدای کسانی کند که نمی توانند در سختی ها و تنگناهای

ص: ۸۵

حساب رسی، اندک کمکی به او کنند؟ بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هشدار می دهد:

الْوَيْلُ لِمَنْ تَرَكَ عِيَالَهُ بِخَيْرٍ وَقَدِمَ عَلَى رَبِّهِ بِشَرٍّ. (۱)

وای بر آن کسی که خیر برای اهل خود نهد و با شر نزد خدا برود.

دین‌گریزی

دین‌گریزی

عمل به مفاهیم دینی جز خوش بختی و پیروزی مادی و معنوی به بار نمی آورد، همچنان که سرنوشت کسانی که به این گنج عظیم پشت می کنند، جز پشیمانی نخواهد بود. هر آن کس که خواهان سعادت جاودانه است، باید هم پای دستوره‌های دینی حرکت کند؛ زیرا دین‌داری، انسان را از حالت سرگردانی می رهاند و راه هدایت را فرا روی او می نمایاند. بعضی دین‌گريزان می کوشند چهره دین را ترسناک نشان دهند و رشته انس و الفت دینی را در جامعه بگسلند. در حالی که بهترین انسان‌ها، دین‌داران هستند که با دین‌داری، محبوب قلب‌ها شده‌اند. پیامبر محبوب اسلام می فرماید:

لَا تُخِيفُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْدِّينِ. (۲)

خویشتن را از دین مترسانید.

ص: ۸۶

۱- همان، ش ۳۲۰۲.

۲- همان، ش ۲۴۳۲.

راز داری

راز داری

اگر شخصی، رازی نزد شما دارد، نباید آن را آشکار سازید؛ زیرا گناه آن کمتر از خیانت در امانت نیست. در حقیقت، هنگامی که کسی، رازی را با شما در میان می‌گذارد، به شما اعتماد کرده و امانتی سپرده است. اگر این راز آشکار شود، نه تنها در امانت او خیانت شده است، بلکه ضربه‌های شدید روحی و روانی بر او وارد می‌شود که جبران ناپذیر است. آشکار کردن راز دیگران، مایه آبروریزی برادر مسلمان و زمینه ساز جدال و بدبینی است. پیامبر بزرگوار در باره حفظ اسرار دیگران می‌فرماید:

إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ بِحَدِيثٍ ثُمَّ التَّفَتَ فِيهِ أَمَانَةٌ. (۱)

وقتی کسی حرفی زد و اطرافش را نگاه کرد (که دیگران نفهمند)، آن حرف امانت است.

راست‌گویان دروغین

راست‌گویان دروغین

ظاهر و باطن برخی افراد یکسان است و به دلیل این ویژگی، همواره مورد احترام مردم هستند و دیگران به آنان اعتماد دارند. در مقابل، با افرادی روبه‌رو می‌شویم که با ظاهرسازی و ریاکاری‌های حساب‌شده، خود را به عنوان انسان‌های راست‌گو معرفی می‌کنند، ولی در مواقع مقتضی، برخلاف انتظار ظاهر می‌شوند. در این حالت، افرادی که به آنان اطمینان کرده‌اند، پشیمان می‌شوند و اعتماد آنان به طور کامل از بین می‌رود. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، این راست‌گویان دروغین را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌فرماید:

كَبَّرْتُ خِيَانَةً أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا هُوَ لَكَ بِهِ مُصَدِّقٌ وَأَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ. (۲)

خیانتی بس بزرگ است که تو به برادر خویش سخنی بگویی که او تو را

ص: ۸۷

۱- همان، ش ۱۹۷.

۲- همان، ش ۲۱۲۰.

راست گو شمارد، در حالی که دروغ گفته باشی.

راه نجات و رستگاری

راه نجات و رستگاری

انسان در مسیر زندگی، همواره در دو راهی انتخاب قرار دارد؛ راه شقاوت یا راه سعادت. آدمی بر اساس فطرت خدادادی و آموزه های وحیانی راه را از بی راه می شناسد، ولی مانعی به نام هوای نفس هم بر سر راهش قرار دارد که او را از رسیدن به کمال باز می دارد. در نتیجه، عاقبتی جز ناکامی و بدفرجامی بهره اش نمی گردد. چه نیکوست که آدمی در مسیر هدایت و صراط مستقیم، آموزه های نورانی نبی اکرم صلی الله علیه و آله را چراغ راهش سازد که راه نجات و رستگاری را در ملکه کردن فضیلت های انسانی می شمارند و می فرماید اگر این اخلاق پسندیده و ارزش ها در وجود آدمی ریشه گیرد؛ چه در حالت رضا و چه در حال نگرانی و خشم، رویه ای واحد در پیش می گیرد و از جاده اعتدال خارج نمی شود.

اگر بر خلاف این راه حرکت کند، مانند کسی است که خلاف جریان آب شنا می کند. در نتیجه، جز خستگی چیزی برایش به همراه ندارد و او را از مسیر کمال و سعادت دور می سازد. توصیه های رسول اعظم صلی الله علیه و آله چنین است:

وَأَمَّا الْمُنْجِيَاتُ: فَالْعَيْدُ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ وَالْقَصِيدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَخَوْفُ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَائِيَّةِ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. (۱)

عوامل نجات و رستگاری عبارتند از: عدالت و میانه روی در حال خشنودی و غضب؛ میانه روی در بی نیازی و نیازمندی؛ بیم از خدا در نهان و آشکار، به گونه ای که گویی او را می بینی و اگر تو او را نبینی، او تو را می بیند.

پاداش ها و ثواب ها سلسله مراتبی دارند و بعضی کارها، ثواب فراوان و بعضی دیگر ثواب کمتر دارند. ما انسان ها به معاملات دنیوی اهمیت بسیاری می دهیم و همه چیز را

ص: ۸۸

به خوبی می‌سنجیم. در نهایت، وارد معامله ای می‌شویم که امکان دست‌یابی به سود سرشاری برای ما فراهم باشد. شایسته است همین دوراندیشی را برای فضیلت‌های اخلاقی نیز به کار بندیم تا از گنج بی‌پایان الهی، بهره‌لازم را به دست آوریم. تا آنجا که از کلمات نورانی رسول مکرم برمی‌آید، اخلاق خوب، خوش‌برخوردی و معاشرت نیک، از جمله کارهایی است که مقام بالایی برای انسان به همراه می‌آورد. در ترازوی عمل کسی در روز قیامت، چیزی بهتر از خوش‌خلقی گذاشته نشده است و خوش‌اخلاق، نزدیک‌ترین هم‌نشین رسول الله صلی الله علیه و آله در روز رستاخیز است. رسول اخلاق می‌فرماید:

أَحْسِنْ خُلُقَكَ مَعَ أَهْلِكَ وَ جِيرَانِكَ وَ مَنْ تُعَاشِرُ وَ تُصَاحِبُ مِنَ النَّاسِ، تُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى. (۱)

با اهل خانه، همسایه‌ها و کسانی که با آنان معاشرت داری، خوش‌اخلاق باش تا نزد خداوند در شمار اشخاصی نوشته شوی که درجات عالی دارند.

راهنمایی

راهنمایی

از کارهای پسندیده آن است که ره‌گم‌کردگان را به راه راست هدایت کنیم تا به مقصد برسند. در یک‌قیاس کوچک می‌توان گفت گاهی به افرادی که مسافر و غریبه‌اند، برمی‌خوریم که کوچه‌ها و خیابان‌های شهر ما را نمی‌شناسند. ما وظیفه داریم تا آنان را به مقصد راهنمایی کنیم؛ زیرا کاری پسندیده و ارزشمند است. همچنین گاهی افرادی هستند که راه را از چاه باز نمی‌شناسند و گمراهند. در اینجا نیز انسان مشفق و خیرخواه می‌کوشد تا راه راست را به او باز شناساند و وی را به سوی جاده سلامت و سعادت رهنمون شود. پیامبر گرامی اسلام درباره هدایت ره‌جویان می‌فرماید:

ص: ۸۹

... إِزْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ لَكَ صَدَقَةٌ... (۱)

... راهنمایی کسی که راه را گم کرده است، صدقه است... .

رسوایی آخرت

رسوایی آخرت

بی شک، انسان پس از مرگ با نتیجه اعمال خود روبه رو خواهد شد و روز حساب بیش از هر چیز دیگری به انسان نزدیک تر است. راست گوترین افراد؛ یعنی پیامبران و امامان، با تصدیق این امر، مردم را از انجام کارهای زشت برحذر داشته و فرموده اند که نتیجه هر کار خوب یا بدی به انسان بازمی گردد. روزی فرامی رسد که پرده ها فرو می افتد و باطن و حقایق انسان آشکار می شود و انسان های بدکار، رسوای عام و خاص خواهند شد. پس ای عزیز! ما که حاضریم برای حفظ آبروی خود در دنیا، هزینه های گزاف پردازیم، چگونه در برابر حفظ آبروی خود در زندگی جاوید بی توجهیم. آیا نباید برای حفظ آبروی خود در دنیای دیگر چاره ای بیاندیشیم؟ پیامبر راستین اسلام در این باره می فرماید:

فُضُوحُ الدُّنْيَا أَهْوَنُ مِنْ فُضُوحِ الْآخِرَةِ. (۲)

رسوایی دنیا آسان تر از رسوایی آخرت است.

رسیدگی به خانواده

رسیدگی به خانواده

در اسلام، تأمین نفقه و مخارج زندگی بر عهده مرد نهاده شده و از او خواسته شده است تا در این راه، از هیچ کوششی کوتاهی نرزد. اسلام، پدر را در مقابل همسر و فرزند، مسئول می داند و از او می خواهد تا برای فراهم آوردن خواسته های معقول آنان بکوشد. حتی سفارش می کند که شوهر باید وضعیت بهتری از خانه پدری همسر را برای او ایجاد کند. بی تردید، تنبلی و کسالت در تأمین مخارج و سخت گیری در ادای

ص: ۹۰

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۱۱۹.

۲- همان، ش ۲۰۵۷.

حقوق خانواده، در پیش گاه وجدان انسانی و خداوند بزرگ محکوم است و آتش بی مهری و نزاع را در محیط آرام خانواده شعله ور می سازد. پیامبر اسلام در تشویق کسی که مسئولیت حفظ و بقای خانواده را به عهده گرفته است، می فرماید:

أَوَّلُ مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ نَفَقَتُهُ عَلَى أَهْلِهِ. (۱)

نخستین چیزی که در ترازوی بنده می گذارند، خرجی است که برای خانواده کرده است.

رسیدگی به فرزندان

رسیدگی به فرزندان

بسیاری از خانواده ها در رسیدگی به فرزندان، راه افراط و تفریط را در پیش می گیرند. برخی، چنان بر فرزندان خود سخت می گیرند که آنان به عقده های روانی دچار و به راه ناصواب کشانده می شوند. بعضی دیگر نیز چنان امکانات بی حساب در اختیار فرزند خویش قرار می دهند که او را نازپرورده بار می آورد. چنین فرزندى در رویارویی با کوچک ترین مشکل، روحیه خود را از دست می دهد یا اینکه به همه قوانین و مقررات شرعی و اخلاقی دهن کجی می کند. این ثمره افراط گری خانواده هاست. اگر خانواده ها، راه اعتدال و میانه روی را در پیش بگیرند، فرزندانى سالم به جامعه تحویل می دهند، نه فرزندانى اسرافگر و بی مبالات یا عقده ای و سهل انگار. حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّكَ إِنْ تَتْرَكَ أَوْلَادَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَتْرَكَهُمْ عَالَةً. (۲)

اگر پس از تو، فرزندان بی نیاز باشند، بهتر است از اینکه نیازمند رهایشان سازی.

ص: ۹۱

۱- همان، ش ۹۸۳.

۲- همان، ش ۸۷۵.

اگر آدمی، علت العلل و سبب الاسباب را فراموش کند، دچار سردرگمی می شود. علت ها را اشتباه می گیرد و تصور می کند که گره مشکلات او به دست بندگان گشوده می شود. از این رو، دست نیاز به سوی آنان دراز می کند و برای جلب رضایتشان به هر کاری دست می زند تا به اهداف دنیوی خود دست یابد. چنین تفکری، جز فروتنی در برابر دارندگان مقام و ثروت، چیزی به همراه ندارد. در این حال، انسان ارزشمند و اشرف مخلوقات برای به دست آوردن زر و زیور و مال و مقام، به خواسته انسان های صاحب ثروت و مکنّت تن می دهد و چه بسا که درخواست های این افراد، مخالف دین بوده و غضب و روی گردانی خداوند را نیز در پی داشته باشد. انسان مادی گرا و مقام طلب به تنها چیزی که توجه ندارد، رضوان الهی است؛ چون راه را گم کرده و پناه گاه را اشتباه گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این افراد می فرماید:

مَنْ طَلَبَ رِضَى الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ سَلَّطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ ذَلِكَ الْمَخْلُوقَ. (۱)

کسی که به سبب خشنود ساختن شخصی، کاری را انجام دهد که خدا از آن کار ناراضی و خشمگین باشد، خداوند، همان شخص را بر آن کس مسلط می گرداند.

رفع نیازمندی ها

رفع نیازمندی ها

بعضی افراد به دلیل پاکدلی و خدمت خالصانه به مردم، از لطف خاص الهی برخوردار شده اند و همواره شوق خدمت به مردم در قلب آنان فروزان تر می شود. این توفیق بزرگی است که تنها نصیب انسان های بلند همت می شود. اینان در راه خدمت به مردم، از لذت های روحانی سرشار می شوند و در پی رفع نیاز حاجت مندان، سر از پا

ص: ۹۲

نمی شناسند. به راستی، چه زیباست که انسان های توان مند در پی شادمان ساختن بندگان خدایند. اینان بندگان خاص خدا هستند که پاداشی بی حساب در انتظارشان خواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا صَيَّرَ حَوَاجَّ النَّاسِ إِلَيْهِ. (۱)

وقتی خدا بخواهد به بنده ای نیکی رساند، حاجت های مردم را در دست او قرار می دهد.

روش تبلیغ

روش تبلیغ

یکی از عوامل موفقیت در تبلیغ، سخن گفتن به اندازه درک مخاطبان است. سخنان پرمغز و پرمعنا برای کسانی که ظرفیت های بالایی ندارند، نامفهوم خواهد بود، همان گونه که سخنان سبک و ساده برای افراد زیرک خسته کننده است. در صورتی که مبلغ به اندازه درک مخاطب سخن نگوید، آنان از دور او پراکنده می شوند و مقصود نهایی به دست نمی آید. مبلغ آن گاه که دل های مردم را مستعد و آماده می بیند، باید با ظرافت و زیرکی، بذر دانش را در آن بپاشد تا بهترین محصول که همانا رسیدن به قرب و کمال است، به دست آید. پیامبران الهی کاملاً به این مهم توجه داشتند و آن را در برخورد با مخاطبان خویش به کار می بستند. پیامبر گرامی اسلام نیز با هر کسی به اندازه عقلش سخن می گفت. انسان های مختلف، خوشه چین کرامت انسانی حضرت بودند و همه از سخن گفتن با رسول الله صلی الله علیه و آله توشه برمی گرفتند و از محضر مبارک ایشان راضی برمی خاستند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. (۲)

ما جماعت پیغمبران مأموریم که با مردم، به اندازه عقل آنان سخن بگوییم.

ص: ۹۳

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۴۴.

۲- تحف العقول، ص ۳۷.

زهد به معنای غایب شدن از بین مردم و پناه بردن به غار و بیابان نیست. زهد به معنای تسبیح به دست گرفتن و به طور کلی امور دنیا را وانهادن نیست. زهد به معنای بی خبری انسان از عالم سیاست و ناآگاهی از آنچه در پیرامونش می گذرد، نیست. زهد به معنای گوشه گیری و گره گشایی نکردن از امور فردی و اجتماعی دیگران نیست. اینها همه تفسیرهای نادرست از زهد و پارسایی است. در اسلام، زاهد به کسی گفته می شود که از دنیاگرایی شدید و محور قرار دادن امور مادی پرهیز می کند و اگر هم اندوخته ای دارد، بر اساس چارچوبی که دین آن را تعیین کرده است، هزینه می کند و به دیگران نیز یاری می رساند. حقیقت زهد و پارسایی را باید در سیره رفتاری و کلام نورانی معصومین علیهم السلام جست و جو کرد؛ زاهدانی حقیقی که پارسایان شب و شیران روز بودند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در ترسیم گوشه ای از حقیقت زهد می فرماید:

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَالْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ. (۱)

زهد در دنیا، کوتاهی آرزو، به جا آوردن شکر هر نعمت و پرهیز از هر چیزی است که خداوند آن را حرام کرده است.

زیبا سخن گفتن

زیبا سخن گفتن

به راستی که کلام، معجزه گر است و می تواند تأثیر فراوانی بر مخاطبان خود داشته باشد. سخن زیبا، محکم، مستدل و منطقی، آدمی را ارشاد و راهنمایی می کند و او را به راه راست نزدیک می سازد. سخن نیکو در خاندان عصمت و طهارت به روشنی دیده می شود. آنان هر جا دل های مردم را برای شنیدن آماده می دیدند، به سخنرانی

ص: ۹۴

می پرداختند. کوتاه سخن می گفتند؛ زیاده گو و تناقض گو نبودند. شیرین سخن ترین و شیواگوترین مردمان بودند. آورده اند حتی بهشتیان نیز به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می گویند. آنان هیچ گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نمی گفتند. به اندازه عقل و فهمشان حرف می زدند. حتی دشمنان نیز در رویارویی با سخنان دل نشین معصومین علیهم السلام، لب به اعتراف و اقرار می گشودند و بر زیبایی کلامشان صحه می گذاشتند. آنان نه تنها خود نیکوسخن بودند، بلکه پیروانشان را نیز به شیوایی، ساده گویی و نیکوسخنی دعوت می کردند. آنان با رعایت ادب در گفتار، از دیگران می خواستند گفتار خویش را پاس بدارند و آن را به ناسزاگویی و سخنان ناپسند آلوده نسازند. آنان سخن زیبا را با ارزش تر و اثرگذارتر از چهره زیبا می دیدند. پیامبر گرامی اسلام، سرسلسله نیکوسخنان فرموده است:

الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ. (۱)

زیبایی در زبان است.

سست ایمانی و تجمل گرایی

سست ایمانی و تجمل گرایی

بعضی مردم عادت کرده اند زندگی تجملی داشته باشند. اینان که به رفاه طلبی و دنیادوستی رو آورده اند، ساده زیستان را که در راهی جز راه آنان گام برمی دارند، عقب افتاده و واپس گرا می نامند. آنان چنان در تجمل گرایی خویش فرورفته اند که به کلی از کاروان انسانیت عقب مانده اند و ساده زیستی را که هنر مردان خداست، به باد تمسخر و استهزا می گیرند. خانه دل و جان تجمل گرایان از معنویت تهی است و همیشه سزاوار

ص: ۹۵

نکوهشند. ساده زیستی، روش پسندیده پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است و آنان اسوه و الگوی دیگرانند. پیامبر اسلام می فرماید:

أَحْسَى مَا حَشِيْتُ عَلَى أُمَّتِي كِبْرُ الْبَطْنِ وَ مُدَاوَمَةُ النَّوْمِ وَ الْكَسْلُ وَ ضَعْفُ الْيَقِينِ. (۱)

بر امت خویش بیشتر از هر چیز، از شکم پرستی و پرخوابی و کسالت و سست ایمانی بیم ناکم.

سپردن کار به کاردان

سپردن کار به کاردان

تجربه ثابت کرده است هر کاری را باید به اهلش سپرد تا از عهده انجام دادن آن برآید. بسیار اتفاق افتاده که برای برخی ملاحظه کاری ها و به اصطلاح مصلحت سنجی ها، این امر نادیده گرفته شده است. همین امر، زیان های بسیار سنگین بر بنیان های اجتماعی وارد کرده است؛ زیرا هنگامی که کار به ناکاردان سپرده می شود، باید منتظر آثار مخرب آن نیز باشیم. دقت در این امر همان است که امروزه به آن «شایسته سالاری» می گویند.

شایسته سالاری آن است که هر کس بر اساس لیاقت و توانایی خود، به کاری گمارده شود؛ چون در این صورت، بازده کارها دوچندان خواهد شد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه به این مهم می فرماید:

إِذَا وُسِّدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ. (۲)

آن گاه که کار به دست غیر اهلش بسپارند، منتظر رستاخیز باش.

ستایش بدکار

ستایش بدکار

بی شک، هر انسانی به تشویق و تنبیه نیاز دارد تا از کارهای نیک و بد خود آگاه شود و در به کار بستن روش درست دقت کند. آدمی با تشویق، انگیزه قوی تری نسبت

ص: ۹۶

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۰۹.

۲- همان، ش ۲۴۶.

به انجام دادن کار می یابد و با تنبیه می کوشد از تکرار آن پرهیز کند. این اصل مسلّم باید در جای خود به کار گرفته شود. اگر شخص بدکاری از تشویق و تحسین بهره مند شود، نه تنها نوعی بی عدالتی نسبت به نیکوکاران خواهد بود، بلکه این کار به زیان بدکاران هم است؛ زیرا او را به ادامه دادن و تکرار کار زشتش مصمم تر خواهد کرد. از آن گذشته، تحسین فرد بدکار در حقیقت نشانه رضایت از کار زشت او خواهد بود که چنین تمجیدی خلاف عقل و منطق است. این رویه حتی تعادل اخلاقی جامعه را برهم می زند و روز به روز بر شمار زشت کاران می افزاید. بنابراین، تشویق و تنبیه هر چند اهرم های کارسازی در انجام عمل و بازدارندگی هستند، ولی شیوه استفاده بجا از آنها بسیار مهم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهدر نهی از ستایش بدکاران می فرماید:

إِذَا مُدِحَ الْفَاجِرُ اهْتَرَّ الْعَرْشُ وَ غَضِبَ الرَّبُّ. (۱)

هنگامی که از آدم بدکار ستایش شود، عرش الهی به لرزه درمی آید و خداوند خشمناک می شود.

ستایش فریب کارانه

ستایش فریب کارانه

هنگامی که انسان را می ستایند، نفس آدمی شادمان می شود، ولی باید دانست که بیشتر این مدح و ثناها با صداقت و خلوص انجام نمی شود، بلکه بسیاری از ستایشگران، آن را برای فریب دیگران به کار می برند. در طول تاریخ، بزرگان و علمای بسیاری با همین حيله به زانو درآمده اند. جاه طلبان برای جلب نظر این افراد از آنان تعریف و تمجید می کنند تا ایشان را دچار خودباختگی سازند و در شرایط گوناگون بتوانند از آنان بهره کشی کنند. انسان آگاه باید احتیاط کند که با تعریف و تمجید دیگران، تصمیم گیری نکند و بداند که بیشتر تعریف ها و تشویق ها و ترغیب ها با هدف های شناخته یا ناشناخته سودجویان همراه است. پیامبر ارجمند اسلام درباره تأثیر

ص: ۹۷

ناپسند تعریف های نابجا می فرماید:

حُبُّ الثَّنَاءِ مِنَ النَّاسِ يُعْمَى وَ يُصَّمُّ. (۱)

علاقه به تعریف از مردم، چشم را کور و گوش را کر می کند.

ستایش های بی جا

ستایش های بی جا

اگر کسی را به دلیل کار با ارزش او ستایش کنیم، مطلوب و پسندیده است، ولی گاهی، مدح و ستایش نه تنها خوب نیست، بلکه بسیار ناپسند است. آن هم زمانی است که انگیزه آن، مادی باشد یا برای شاد کردن زورمداران انجام گیرد. این کار، چاپلوسی است و چه بسا فرد ستایش شده، می پندارد انسان والا-مقامی است. بدین ترتیب، پرده غرور، دیدگان او را می پوشاند، عیب های خود را نمی بیند و راه نجات را نمی پیماید. از این رو، پیامبر درباره کسانی که فردی را بی جا می ستایند، چنین فرموده است:

أُحْثُوا التُّرَابَ فِي وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ. (۲)

بر چهره ستایش گران (نابجا) خاک بیافشانید.

سخرخیزی و بی نیازی

سخرخیزی و بی نیازی

سخرخیزی و بی نیازی از ویژگی های مردان خداست. آنان در سایه سخرخیزی، روحی سرشار از عشق الهی و صفای باطن دارند، به گونه ای که انسان، ناخودآگاه در نگاه نافذ آنان گم می شود و تحت تأثیر عظمت و بزرگواری آنان قرار می گیرد. اینان هرچند از امکانات مادی بی بهره اند، ولی چنان عزت نفسی دارند که هیچ کس نمی تواند از اسرارشان آگاه شود. آنان نزد همه کس حتی دشمنان خود، عزیز و قابل احترامند. سخن شان اثرگذار و کارشان مورد تأیید همگان است. این بزرگ مردان همیشه از الطاف

ص: ۹۸

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۳۴۱.

۲- همان، ش ۹۱.

الهی برخوردار بوده اند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز وجود این خصلت های نیکو را در آنان می ستاید:

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ. (۱)

شرف مؤمن در شب زنده داری اوست و عزت وی در بی نیازی از مردم است.

سخنان دل نشین

سخنان دل نشین

بعضی افراد به جای به کار بردن سخنان ساده و همه فهم، کلمات سنگین و مشکل به کار می برند که این مسئله، شنونده را به زحمت می افکند. باید با مردم به قدر فهم شان سخن گفت و از چاشنی پند و لطافت نیز بهره برد تا برای آنان قابل درک باشد. دشوار گویی و اظهار فضل گوینده، سبب رنجش خاطر شنوندگان می شود. در این صورت، شنوندگان خواهند کوشید از او دوری کنند؛ زیرا می پندارند وی با این گفته ها می خواهد دانش خود را به رخ مردم بکشد و دیگران را پایین تر از خود بداند. پیامبر اسلام به زبان مردم سخن می گفت و به دیگران نیز توصیه می فرمود:

حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ أَتُرِيدُونَ أَنْ يُكَذِّبَ اللَّهُ رَسُولَهُ. (۲)

با مردم آن گونه که می فهمند، سخن بگویید. آیا می خواهید (با به کار بردن کلماتی که نمی فهمند)، خدا و پیامبرش را تکذیب کنند؟

سد معبر

سد معبر

یکی از عادت های ناپسند برخی افراد این است که برای پاک نگه داشتن خانه خود، سنگ، کلوخ، پاره آجر و زباله هایشان را در کوچه و خیابان محل گذر مردم رها می کنند. این مسئله سبب می شود که آلودگی در کوچه و خیابان پخش شود و سلامت اجتماعی به خطر افتد. گروهی از رانندگان بی مبالا نیز وسیله نقلیه خود را جلوی در

ص: ۹۹

۱- همان، ش ۱۸۱۵.

۲- همان، ش ۱۳۵۳.

خانه ها یا کارگاه ها متوقف می کنند و ساعت ها از محل غایب می شوند و راه عبور مردم را می بندند. البته جالب آن است که این افراد از خود راضی که حقوق شهروندان را رعایت نکرده اند، با چهره ای حق به جانب حتی با معترضان درگیر هم می شوند. پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با توجه به این مهم می فرماید:

مَنْ أَذَى الْمُسْلِمِينَ فِي طُرُقِهِمْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ لَعْنَتُهُمْ. (۱)

هر کس بر سر راه مسلمانان مزاحمت ایجاد کند، استحقاق لعنت آنان را دارد.

سراشیبی سقوط

سراشیبی سقوط

پیروی از هوا و هوس، به بخل رو کردن، به حرص در آویختن، به خود بالیدن، خود بزرگ بینی و مانند آن، آدمی را به ورطه هلاکت و نابودی نزدیک می سازد و او را به سراشیبی سقوط می کشاند. انسان در هر حال به راهبری قابل اعتماد نیاز دارد که با یادآوری، او را از پیروی هوا و هوس و گرایش به رذایل اخلاقی باز دارد و جاده سلامت دنیا و سعادت عقبی را به او نشان دهد. این راهنمایان، پیامبران الهی هستند که همواره در کنار مردم می زیستند. ایشان با گفتار و رفتار نیکوی خود، اسوه های عملی برای بشریت به شمار می روند. آنانی که پیش از سفارش کاری به دیگران، خود، عامل آن کار بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستوری سعادت آفرین و نجات بخش به آدمیان هدیه کرده است:

ثَلَاثٌ مُوَبِقَاتٌ: هَوَى مُتَّبِعٌ وَ شُحٌّ مُطَاعٌ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ. (۲)

سه چیز موجب هلاکت است: هوا و هوس که پیروی می شود؛ حرص و بخلی که از آن فرمان برند و خود پسندی که عاید انسان شود.

ص: ۱۰۰

۱- همان، ش ۳۰۳۶.

۲- تحف العقول، ص ۸.

سرعت در خیرات

برخی مردم، دارایی و اندوخته های خود را در راه خدا انفاق می کنند و هنگام دیدار خدا، سبک بارند؛ زیرا زاد و توشه سفر آخرت را از پیش فرستاده اند. گروهی دیگر، تنها هنگامی به اندیشه انفاق می افتند که سلامت جسم را از دست داده و در یک قدمی مرگ قرار گرفته اند. در این حال، چون از نبود زاد و راحله سفر آخرت، وحشت کرده اند، با شتاب، به انفاق و بخشش می پردازند. هرچند این عمل نیز از پاداش برخوردار است، ولی بخششی که برای رضای خداست، با بخششی که از ترس مرگ است، بسیار فرق دارد. گروه سوم، کسانی هستند که حتی هنگام مرگ نیز دست بخشش ندارند و آشکار نیست که دارایی شان پس از مرگ، در چه راهی مصرف خواهد شد. بر این اساس، پیامبر اسلام می فرماید:

لَأَنْ يَتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فِي حَيَاتِهِ بِدِرْهَمٍ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِمِائَةٍ عِنْدَ مَوْتِهِ. (۱)

اگر انسان در حیات خود، درمی صدقه دهد، بهتر است از اینکه هنگام مرگش، صد درهم صدقه بدهد.

سستی در عبادت

سستی در عبادت

سستی در هر کاری ناپسند است و سبب می شود که کارها به درستی انجام نشود و در نتیجه، اثر مطلوبی در پی نداشته باشد. عبادت هم از کارهایی است که به اخلاص، نشاط و سرزندگی نیاز دارد. اگر یکی از این عوامل نباشد، به همان اندازه به عبادت آسیب می رساند. در این میان، سستی و کاهلی و بی میلی در عبادت به شدت، از دامنه اثر آن می کاهد. بی میلی نشانه بی انگیزه بودن است و هنگامی که شوق و علاقه در کار نباشد، عبادت، اثر روحی و معنوی نخواهد داشت.

نمازی آدمی را از منکر و زشتی باز می دارد که با رعایت تمام شرط ها انجام شود تا

ص: ۱۰۱

اثر گذار و بازدارنده باشد. در غیر این صورت، عبادت زبانی که تنها لقلقه زبان آدمی است، نمی تواند آدمی را از زشتی ها باز دارد. پیامبر گرامی اسلام به نماز اهمیت فراوان می داد. با شادابی و نشاط بسیار، برای برگزاری نماز آماده می شد و نماز تا عمق جان او می نشست، به گونه ای که گفته اند پیامبر در حال نماز بود و آوای گریستن او همچون آوای جوشیدن دیگ بود. ایشان نماز خواندن را چنان سازنده می دانست که با اشتیاق تمام، وقت نماز را انتظار می کشید و آن را با آداب کامل بجا می آورد. ایشان در سفارشی زیبا به علی علیه السلام برای آموزش پیروانشان این گونه سخن می گوید:

يَا عَلِيُّ آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفِتْرَةُ. (۱)

ای علی! آفت عبادت، سستی است.

سلام

سلام

سلام، بهترین هدیه ای است که با کمترین هزینه و بیشترین فایده به همدیگر می بخشیم. سلام، واژه ای معجزه آفرین است که غبار کدورت را می زداید و رشته های محبت را مستحکم می سازد. از درود و سلام فرستادن دریغ نورزیم و این کلمه زیبا را با تکان دادن سر یا برداشتن کلاه یا اشاره و رفتارهای ماشینی عوض نکنیم. سلام را آشکار کنیم و صداقت و صفا و احترام به دیگران هدیه دهیم. در سیره پیامبر گرامی اسلام آمده است که ایشان در سلام دادن حتی به کودکان، پیش قدم بود و کسی نتوانست در این مسابقه، گوی سبقت را از ایشان برآید. آن پیامبر رحمت می فرماید:

أَفْشُوا السَّلَامَ تَسَلَّمُوا. (۲)

سلام را آشکار سازید تا سلامت بمانید.

ص: ۱۰۲

۱- تحف العقول، ص ۶.

۲- نهج الفصاحه، ش ۳۸۲.

کارگشایی و سودمندی در دین اسلام، جایگاه والایی دارد. اسلام از همگان خواسته است تا آنجا که می توانند به دیگران سود برسانند. سودمند بودن هم به گونه های مختلف است. گاهی رسیدگی مالی است و گاهی هم ممکن است معنوی باشد. همان گونه که یک انسان ثروتمند با تأمین نیاز مستمندان یا تأمین وسایل ضروری ازدواج برای یک زوج جوان، تأمین مخارج درمان یک بیمار، احداث یک مرکز آموزشی یا بهداشتی، برای افراد و جامعه سودمند است؛ یک نویسنده، با قلم خود و دعوت کردن از مردم به بوستان کتاب و یک خطیب با سخنرانی و موعظه، وظیفه خدمت رسانی خویش را به انجام می رساند. پیامبر گرامی اسلام، خدمت رسانی و سودمندی را در کنار ایمان به خداوند از نیکی های مهم انسانی می شمارد و می فرماید:

خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مَنَ الْبِرِّ شَيْءٌ: الْإِيْمَانُ بِاللَّهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ. (۱)

دو صفت است که در نیکی، چیزی فراتر از آنها نیست: ایمان به خدا و سودمند بودن برای بندگان خدا.

سوغات سفر

سوغات سفر

سوغات سفر، صرف نظر از ارزش مادی، نشان دهنده محبت و علاقه افراد به یکدیگر است. در واقع، مسافر با این کار می فهماند که در سفر نیز به یاد دوست خود بوده است. در حقیقت، این کار، یکی از بهترین راه های تحکیم پیمان دوستی و جلب محبت طرف مقابل است. بنابراین، بسیار شایسته است انسان هنگام بازگشت از مسافرت، در حد توان، سوغات دوستان و خویشان را تهیه کند. البته در این رهگذر، نباید خود را به تکلف و سختی افکند و به ارزش مادی اشیا توجه کند؛ زیرا راضی کردن دیگران به بهای به زحمت انداختن بیش از حد خود، مطلوب نیست. پیامبر اسلام برای احیای این سنت حسنه می فرماید:

ص: ۱۰۳

إِذَا قَدِمَ أَحَدُكُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلْيَقْدِمْ مَعَهُ بِهَدِيَّةٍ وَ لَوْ يُلْقَى فِي مِخْلَاتِهِ حَجْرًا. (۱)

هر گاه کسی از سفر می آید، باید با خود سوغاتی بیاورد، اگر چه سنگی در توبره خود بیاندازد.

سوگند ناصواب

سوگند ناصواب

بعضی افراد عادت کرده اند برای اثبات گفته های خود در امور کوچک و بزرگ، قسم می خورند. اگر سوگند به دروغ باشد، حرام و غیر شرعی است. اگر راست باشد و برای امور ضروری باشد، مانند اثبات حق یا برطرف کردن ستم، مانعی ندارد. با این حال، اگر فرد در امور جزئی و پیش پا افتاده قسم بخورد، خدا را کوچک می کند و رفته رفته از عظمت و قداست الهی می کاهد. البته انسان برای ترک هر عادتی باید رنج آن را بر خود هموار کند تا عادت های نکوهیده از او دور شوند و خود را به خلق نیکو بیاراید. پیشوایان معصوم، این عادت ناپسند را بر نمی تابند و از پیروان خود می خواهند آن را ترک کنند. پیامبر محبوب اسلام می فرماید:

لَا تَخْلِفُ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَلَا صَادِقًا مِنْ غَيْرِ ضُرُورِهِ وَلَا تَجْعَلِ اللَّهَ عُرْضَةً لِيَمِينِكَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَزْحُمُ وَلَا يَزْعِي مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِبًا. (۲)

سوگند دروغ به خدا مخور و سوگند راست هم بدون ضرورت یاد مکن و خداوند را در معرض قسم خود قرار مده؛ زیرا خدا به کسی که به نام او سوگند دروغ می خورد، رحم نمی کند و او را مورد ملامت خود قرار نمی دهد.

ص: ۱۰۴

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۲۸.

۲- تحف العقول، ص ۱۴.

وحشتی بی سابقه، دهشتی بی مانند، هولی پریشان زا و هیبتی بیچاره کننده همه مردم را دربرمی گیرد. همه دل ها مضطرب و در تشویش؛ همه بدن ها لرزان؛ همه چشم ها گریان و همه در اندیشه فرجام کار خویشند. جایی برای فرار نیست. نمی توان به مکر و حيله روی آورد و به گونه ای از مهلكه خود را رها کنید و نام آن را زرنگی نهاد. گاهی در دنیای خاکی، بعضی افراد از این راه ها برای گریز و رهایی سود می جستند، ولی اینجا پایان دنیاست. جایی که انسان ها همه در پیش گاه عدل الهی قرار می گیرند و کردارها سنجیده می شود. جملگی در اضطراب و هراسند جز مؤمنان و فرمانبرداران؛ آنان که توشه از پیش فرستاده و امنیت را با بندگی خریده و اینک در سایه سار لطف الهی قرار گرفته اند. آنان چنین فرجام نیکی را با شب زنده داری و حرکت در دایره شریعت برای خویش مهیا ساخته اند. همان وعده ای که رسول رحمت به ایشان داده بود:

كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَعْيُنٌ: عَيْنٌ سَهْرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ حَشْيِهِ اللَّهِ. (۱)

هر چشمی در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشمی که در راه خدا شب بیداری کشیده باشد؛ چشمی که به چیزهایی که خدا حرام کرده است، نگاه نکرده باشد؛ چشمی که از خوف خدا اشک بسیار ریخته باشد.

شایسته سالاری

شایسته سالاری

باید گفت هر کسی اگر در جایگاه خود قرار گیرد، می تواند در کارها پیشرفت کمی و کیفی ایجاد کند، ولی اگر در راستای انگیزه ها، توانایی ها و علاقه های خود قرار نگیرد، نه تنها پیشرفتی در کار ایجاد نمی کند، بلکه عامل رکود و افت در کارها می شود.

ص: ۱۰۵

بنابراین، شایسته است در تقسیم کارها بین نیروهای انسانی به این مهم توجه شود. همچنین اگر کسی نابجا در جای دیگری که استحقاق آن کار را دارد، قرار گیرد، جلو رشد فردی و اجتماعی خودش گرفته می شود؛ زیرا شخصی که دارای تخصص، اطلاعات و توانایی مناسب باشد و در جای خود قرار داده شود، عامل پیشرفت و موفقیت در کارها می گردد. بنابراین، بهتر است برای پیشرفت کیفی در کارها و پیش گیری از رکود و کم کاری افراد، کارها به دست اهلش سپرده شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ. (۱)

کسی که از روی نادانی کاری انجام دهد، افساد او بیش از اصلاحش خواهد بود.

شتاب در توبه

شتاب در توبه

کاروان مرگ بی خبر به سراغ ما می آید. همیشه بیماری، مقدمه مرگ نیست. چه بسا حوادث گوناگون به انسان مهلت نمی دهد تا چشمان باز خود را ببندد یا چشمان بسته اش را باز بگشاید. پس چرا اکنون که فرصت باقی است، از گذشته های خود باز نگردیم و ره به سوی سلامت و سعادت نسپاریم تا رحمت بی منتهای الهی شامل حالمان شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هشدار ارزنده می فرماید:

تُوبُوا إِلَى رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمُوتُوا... (۲)

پیش از آنکه مرگتان فرا رسد، به سوی خدای خود توبه کنید....

ص: ۱۰۶

۱- همان، ص ۴۷.

۲- نهج الفصاحه، ش ۱۱۸۸.

شرکت در مجلس ختم

انسان با از دست دادن عزیزان خود به رنج و اندوه فراوان دچار می شود. طبیعی است در چنین شرایطی، اظهار هم دردی و تسلیت گویی، تا اندازه زیادی می تواند از رنج و ناراحتی های او بکاهد. بنابراین، ادب و جوان مردی ایجاب می کند انسان با شرکت در مجالس ختم و عرض تسلیت، روح آزرده صاحب عزا را التیام بخشد. البته باید با چهره ای گرفته و اندوهگین وارد مجلس شد و از گفت و گوی زیاد خودداری کرد. خواندن قرآن و دعا برای آمرزش میت بهترین و مهم ترین کار است. همچنین توصیه شده است که حتما خود را به صاحب عزا نشان دهید تا دریابد که در فراز و نشیب های زندگی، او را تنها نگذاشته اید. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره پاداش این عمل می فرماید:

مَنْ عَزَى مُصَابًا فَلَهُ مِثْلُ أُجْرِهِ. (۱)

هر کس مصیبت زده ای را تسلیت گوید، پاداشی همانند او دارد.

شغل مناسب

شغل مناسب

اسلام، افرادی را که سست اراده اند و از کار و تلاش دوری می کنند، بسیار نکوهش می کند. با این حال، اسلام اجازه نمی دهد که انسان، هر شغلی را انتخاب کند؛ زیرا شغل باید برای فرد و جامعه، مفید باشد. متأسفانه بعضی شغل های واسطه ای، نه تنها سودی برای جامعه ندارد، بلکه با دست به دست کردن کالا، قیمت کالاها را چند برابر افزایش می دهند. در این بین، واسطه گران بدون تحمل هیچ رنج و تلاشی، به مراتب بیشتر از تولیدکننده سود می برند. بعضی افراد نیز فقط به شغل های کم تحرک و دفتری علاقه مندند که اگر وجدان کاری داشته باشند و کار ارباب رجوع را به فردا محول نکنند، تا حدودی پذیرفتنی است. در مقابل، ولی چنانچه با بی تفاوتی و سستی، فقط به پشت میزنشینی و دریافت ماهیانه از بیت المال بسنده کنند، بسیار ناپسند است و اسلام،

ص: ۱۰۷

آن را نکوهش می کند. پیامبر ارجمند اسلام می فرماید:

أَطْيَبُ الْكَسْبِ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ. (۱)

بهترین کسب ها این است که انسان با دست خود، کار کند.

شکار بی دلیل حیوانات

شکار بی دلیل حیوانات

هر انسان باعاطفه ای، در غیر موارد ضرورت، از شکار حیوانات بیزار است. بعضی افراد نیز هستند که این کار را وسیله تفریح و خوش گذرانی خود قرار می دهند و از ریختن خون حیوانات لذت می برند. چه بسا حیوانی را شکار می کنند که بچه هایش در انتظار او لحظه شماری می کنند. کدام وجدان بشری می پذیرد پرنده ای را که برای جوجه هایش دانه می برد، به خون غرقه کنند؟ این کار به تدریج، سبب قساوت قلب می شود و انسان را از مقام انسانیت فرسنگ ها دور می سازد. پیامبر مهربان اسلام می فرماید:

مَنْ قَتَلَ عُضْفُورًا بِغَيْرِ حَقٍّ سَأَلَهُ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

هر کس گنجشکی را به ناحق بکشد، خداوند در روز قیامت از او بازخواست می کند.

شکر نعمت

شکر نعمت

نعمت های الهی بسیار ارزشمند است و انسان زمانی به اهمیت آنها پی می برد که در حادثه ای ناخوشایند، عضوی از بدن خود یا نعمتی از نعمت های مادی را به طور موقت یا دائم از دست بدهد. این گونه است که درمی یابد چه نعمت بزرگی را از دست داده است. انسان شاکر و مخلص، با عمل خود، دیگران را نیز از حالت غفلت و بی خبری بیرون می آورد و به فکر و تأمل در قدرت لایزال الهی و امید دارد. البته باید دقت شود که آشکار ساختن شکر، جنبه ریا و خودنمایی پیدا نکند. رسول گرامی اسلام در توصیه

ص: ۱۰۸

۱- همان، ش ۳۳۲.

۲- همان، ش ۲۹۱۸.

به سپاس گزاری آشکار از نعمت الهی می فرماید:

مِنْ شُكْرِ النَّعْمَةِ إِفْشَاؤُهَا. (۱)

از مصداق های شکر نعمت، آشکار کردن آن است.

شنیدن سخنان خوب

شنیدن سخنان خوب

مؤمن _ همچون عاشقی که در راه رسیدن به معشوق سر از پا نمی شناسد _ نه تنها از آموختن مطالب حکمت آمیز و هر آنچه او را به سوی محبوب هدایت کند، خسته نمی شود، بلکه اشتیاق او برای شنیدن حکمت، روز به روز افزایش می یابد. وی چنان در این راه مصمم است که هیچ گونه ضعف و سستی در او دیده نمی شود. مؤمن حیات معنوی خود را به این سخنان خوب و باارزش وابسته می داند و از هم نشینی با عالمان مهذب و مطالعه کتاب های سودمند لذت می برد. هم نشینی با خوبان، خواه ناخواه آثار مثبتی در انسان بر جا می نهد. پس بکوشیم حق گوش را که شنیدن نیکوست، ادا کنیم. پیامبر اسلام در تحسین این رویه پسندیده می فرماید:

لَنْ يَشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ يَسْمَعُهُ حَتَّى يَكُونَ مُتْتَهَاهُ الْجَنَّةَ. (۲)

مؤمن هرگز از شنیدن سخنان خیری که می شنود، خسته نخواهد شد تا به بهشت برسد.

شهادت دروغ

شهادت دروغ

دروغ یکی از گناهان بزرگ است و دروغ گو نزد مردم ارزش و جایگاهی ندارد، ولی بدترین دروغ آن است که شخص برای پای مال کردن حق دیگران، شهادت دروغ بدهد. این کار، روح فرد را به ناپاکی می آلود و حقوق دیگران را ضایع می کند. شاهد دروغین، افکار را به راه خطا و ناصواب می کشاند. در نتیجه، طرف مقابل نیز برای احقاق حق خود، به ستیزه جویی روی می آورد. پیامبر رحمت در هشدار به

ص: ۱۰۹

۱- همان، ش ۳۰۴۵.

۲- همان، ش ۲۲۹۲.

شهادت دهندگان دروغین می فرماید:

لَنْ تَزُولَ قَدَمُ شَاهِدٍ الزُّورِ حَتَّى يُوجِبَ اللَّهُ لَهُ النَّارَ. (۱)

شاهد دروغین از جای نمی جنبد، مگر اینکه خداوند، دوزخ را بر او واجب می کند.

صدا زدن به بهترین نام ها

صدا زدن به بهترین نام ها

کسانی که از ادب و اخلاق اسلامی بهره مندند، می کوشند دیگران را به زیباترین نام ها بخوانند و آنان را به نامی که از آن نفرت دارند، صدا نکنند، ولی با کمال تأسف، برخی به این مسئله مهم که با روح و روان آدمی ارتباط مستقیم دارد، توجه ندارند و گاه به عمد و با قصد و غرض، اشخاص را به نام هایی صدا می زنند که از آن ناراحت می شوند. هنگامی که اینان با برخورد تند طرف مقابل، روبه رو می شوند، نام کار خود را شوخی می گذارند، در حالی که این توجیه، غلط و نادرست است. پیامبر محبت و مهربانی می خواهد دیگران را با بهترین نام ها بخوانند:

... وَ تَدْعُوهُ بِأَحَبِّ أَسْمَائِهِ... (۲)

... و آنان را با نیکوترین نام هایشان بخوانید... .

صداقت در تجارت

صداقت در تجارت

اگر تجارت و معامله، عادلانه و بر اساس قانون الهی باشد، بسیار پسندیده است،

ص: ۱۱۰

۱- همان، ش ۲۲۸۷.

۲- همان، ش ۱۳۸۷.

ولی بعضی سودجویان، از این رهگذر، به انواع بی رحمی ها دست می یازند. این زیاده طلبان، برای غارت اموال مردم، با انواع و اقسام حيله و بازار گرمی، اجناس خود را به چندین و چند برابر می فروشند و همچنان می پندارند که سرمایه مفیدی اندوخته اند. آیا درست است که افزون خواهان، با پنهان ساختن و انبار کردن اجناس مورد نیاز مردم، آن را به قیمت گزاف بفروشند و با گستاخی تمام، خود را مسلمان نیز بدانند؟ پیامبر خدا در توصیه به راستی و صداقت در کسب و کار می فرماید:

يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ إِنَّ اللَّهَ -بَاعِثِكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فُجَّارًا إِلَّا مَنْ صَدَقَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ. (۱)

ای گروه تاجران! خدا شما را فاجر محشور می کند جز آنان که امین و درست کار هستند.

صله رحم

صله رحم

اسلام بر دیدار و رسیدگی به حال خویشاوندان بسیار تأکید کرده است. این امر، محبت و دوستی را بین اقوام و خانواده ها پدید می آورد و سبب می شود آنان در گاه گرفتاری، با انگیزه بیشتری به یاری یکدیگر بشتابند. البته باید کوشید این دیدارها، به محفلی برای بدگویی و غیبت دیگران تبدیل نشود. این دیدارها زمانی سودمند است که با بحث های مفید و آگاهی دادن به یکدیگر همراه باشد. پیامبر گرامی اسلام نیز برای دیدار و رسیدگی به خویشاوندان، اهمیت بسیاری قائل بود. ایشان می فرماید:

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ. (۲)

قطع کننده صله رحم وارد بهشت نخواهد شد.

ص: ۱۱۱

۱- همان، ش ۳۲۰۴.

۲- همان، ش ۲۵۳۳.

ضيافت مقبول

ضيافت مقبول

ترتیب دادن مجلس مهمانی کار بسیار خردمندانه و پسندیده ای است، اگر:

۱. برای تحکیم رشته های محبت باشد.

۲. به شکرانه اعطای نعمتی از جانب خداوند باشد.

۳. سبب اسراف و هدر رفتن نعمت های الهی نگردد.

در این صورت، نشست و برخاست ها، وسایل رشد مادی و معنوی افراد را فراهم می آورد. بنابراین، باید تلاش شود تا افزون بر پذیرایی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، دیگران را به وظایف انسانی شان آگاه سازیم. در این میان، آنچه مورد نکوهش اولیای الهی است، این است که دعوت شدگان تنها از میان ثروت مندان و صاحبان قدرت و شوکت باشند. به راستی آیا می توان انسان هایی را که تنها گناهشان، نداشتن مال و قدرت ظاهری است، از ورود به چنین مجالسی منع کرد؟ آیا این بزرگ ترین توهین به مقام انسانیت نیست؟ حضرت ختمی مرتبت می فرماید:

بِسِّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْعُرْسِ يَطْعَمُهُ الْأَعْيَاءُ وَ يُمْنَعُهُ الْمَسَاكِينُ. (۱)

چه بد است خوراک عروسی که ثروت مندان از آن بخورند و فقیران محروم بمانند.

ص: ۱۱۲

طلب عافیت برای دیگران

طلب عافیت برای دیگران

برخی انسان ها پیش از دعا برای خود، در حق دیگران دعا می کنند و این نشان دهنده علاقه و محبتی است که نسبت به دوستان و نزدیکان خود دارند. تجربه نشان داده است چنین کسانی زودتر از دیگران به حاجت خود می رسند. شاید این موفقیت سریع آنان به دلیل گذشت و نیت پاک آنان باشد؛ زیرا چه بسا دعای خالصانه آنان بدون اطلاع و تقاضای طرف مقابل، صورت می گیرد و این، نشان دهنده اخلاص و علاقه بسیار آنان به شخص دعا شده است. رسول اسلام یکی از رمزهای اجابت دعا را چنین معرفی می کند:

أَطْلُبُ الْعَافِيَةَ لِغَيْرِكَ تَوَزُّفَهَا فِي نَفْسِكَ. (۱)

برای دیگران عافیت بخواه تا نصیب تو گردد.

عالم به دنیا و جاهل به آخرت

عالم به دنیا و جاهل به آخرت

دانش زمانی ارزشمند است که به مسائل مادی و دنیوی محدود نگردد و سعادت دنیا و آخرت صاحب دانش را تأمین کند. امروز بیشتر ویرانی ها و خرابی ها، به دلیل نگاه یک بُعدی به علوم بوده است. به گونه ای که برخی در مسائل مادی اطلاعات بسیار ریز و دقیقی دارند، ولی متأسفانه در مسائل دینی و اخروی بسیار کم خبرند. بنابراین، چنانچه علوم مادی با علوم مربوط به دین و آخرت همراه شود، بشر را به سعادت و

ص: ۱۱۳

سربلندی می رساند. هر عالمی باید با توجه به فایده های دنیوی و اخروی هر علم، با بینشی درست و حساب شده، آن را به کار برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ عَالِمٍ بِالدُّنْيَا جَاهِلٍ بِالْآخِرَةِ. (۱)

خداوند هر کسی را که به کار دنیا، دانا و در کار آخرت، نادان است، دشمن می دارد.

عبادت مخفی

عبادت مخفی

برخی عبادت ها در دین اسلام، جنبه شعاری دارند؛ یعنی برای تعظیم شعایر، باید آنها را آشکارا انجام داد. عبادت هایی چون اذان، نماز جماعت، حج و جهاد، روح یگانگی را در همگان تقویت می کند و مردم را در راه اجرای آنها مصمم تر می سازد. بعضی دیگر از عبادت ها باید مخفیانه انجام گیرد. عبادت هایی مانند نماز شب، روزه و دستگیری از مستمندان اگر پنهانی انجام گیرد، ارزشمندتر و مطلوب تر است؛ زیرا بیم ریاکاری و وسوسه های شیطانی در این موارد زیاد است. پیامبر گرامی اسلام تأکید دارد که این گونه کارها پنهانی صورت گیرد تا جنبه خودنمایی به خود نگیرد و پاداش آن از بین نرود. بنابراین می فرماید:

أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَخْفِيهَا. (۲)

بالاترین عبادت از نظر پاداش، مخفی ترین آنهاست.

عذرپذیری

عذرپذیری

گاهی انسان در برخوردهای اجتماعی خویش، با دیگران اختلاف پیدا می کند که گاه به مشاجره لفظی یا برخورد فیزیکی می انجامد، ولی سرانجام ممکن است خود آن فرد یا با واسطه نزدش بیاید و عذرخواهی کند. در چنین حالی، مروّت و جوان مردی اجازه نمی دهد دست رد به سینه او بزنیم؛ زیرا وی خودش را شرمسار می داند و از

ص: ۱۱۴

۱- همان، ش ۷۹۶.

۲- همان، ش ۳۴۹.

عذاب وجدان رنج می برد. پسندیده است که با برخوردی بزرگوارانه، عذرش را بپذیریم و برای انجام این کار نیک، از او سپاس گذاری کنیم. رسول گرامی اسلام در این باره می فرماید:

مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَنَصِّلٍ صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا لَمْ يَنْلُ شَفَاعَتِي. (۱)

هرکس عذر پوزش گری را _ راست باشد یا دروغ _ نپذیرد، به شفاعت من نمی رسد.

عزت نفس

عزت نفس

برخی نیازمندان چون طبع بلند دارند، همواره می کوشند خود را بی نیاز نشان دهند و به اصطلاح «با سیلی، صورت خود را سرخ نگه دارند». در مقابل، به افرادی برمی خوریم که با داشتن رفاه و برخورداری از امکانات مالی، همچنان دست نیاز به سوی این و آن دراز می کنند. اینان، فرومایگانی هستند که به آسانی، عزت نفس خود را از دست می دهند و دین و شخصیت خود را می فروشند. آیین اسلام به پیروانش دستور می دهد که هیچ گاه شخصیت والای خود را به بهای ناچیز ن فروشند و برای به دست آوردن نیازهای مادی خویش، به سوی این و آن دست دراز نکنند. پیامبر عظیم الشان اسلام می فرماید:

إِسْتَعْنُوا عَنِ النَّاسِ وَ لَوْ بِشَوْصِ السُّوَاكِ. (۲)

از مردم بی نیاز باشید و از آنان، یک قطعه چوب مسواک هم نخواهید.

عزیزان به ذلت فتاده

عزیزان به ذلت فتاده

اخلاق پسندیده اسلامی حکم می کند از افرادی که در میان قوم و قبیله خود احترامی داشته و اکنون به هر دلیل به ذلت و خواری افتاده اند، دل جویی کنیم. این افراد

ص: ۱۱۵

۱- همان، ش ۲۷۵۷.

۲- همان، ش ۲۸۳.

به دلیل از دست دادن مقام و موقعیت خود، به مهر و محبت اطرافیان خود بسیار نیازمندند. ممکن است آنان در از دست دادن موقعیت خود، تقصیر چندانی نداشته باشند و حادثه ای ناگوار، ایشان را از سریر اقتدار به حضيض ناتوانی کشانده باشد. پیامبر رحمت می فرماید:

إِرْحَمُوا عَزِيْزًا ذُلًّا... (۱).

به عزیزی که خوار گردیده است، احترام بگذارید....

عفت کلام

عفت کلام

زبان، وسیله بدبختی و خوشبختی انسان را فراهم می آورد. اگر زبان در اختیار آدمی قرار گیرد و وی با نیروی تعقل و تدبیر، آن را به کنترل خویش درآورد، از بسیاری مفسد و گناهان در امان می ماند. زبان، تنها عضوی است که منشأ بسیاری از گناهان و انحراف ها است. از زبان می توان برای شهادت حق و ناحق، حفظ آبرو و بی آبرویی، دروغ و صداقت، غیبت و سکوت، تهمت و واقعیت استفاده کرد. انسان بدزبان در نظر دیگران متنفر است و همگان از نیش زبانش که چون شمشیر برنده و تیز است، فرار می کنند. با این وصف، سعادت انسان در گرو آن است که از شرّ زبان به خدا پناه برد و آن را به کنترل خود درآورد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

إِحْفَظْ لِسَانَكَ. (۲).

زبان را حفظ کن.

عفو به هنگام قدرت

عفو به هنگام قدرت

هر انسانی حق دارد نسبت به آن مقدار حقی که از او ضایع شده است، دادخواهی کند و حق خود را باز پس گیرد. با این حال شایسته است انسان خود را به گونه ای

ص: ۱۱۶

۱- همان، ش ۲۶۲.

۲- همان، ش ۱۰۰.

تربیت کند که عفو و بخشش را اصل قرار دهد و فقط در مواردی که ضرورت دارد، از حق انتقام استفاده کند. این خصلت، ویژه کسانی است که از کرامت نفس و روحیه والای گذشت برخوردارند. چه بسا ممکن است با این روح بزرگوارشان، انسان های گناه کار و متجاوز را دگرگون سازند و به پاسداری از حقوق دیگران، رهنمون شوند. پیامبر رحمت در این باره می فرماید:

إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. (۱)

وقتی بر دشمنت چیره شدی، عفو را شکرانه این چیرگی قرار ده.

علاقه به کار

علاقه به کار

یکی از بزرگ ترین عوامل موفقیت در کارها، علاقه به کار است. کسی که به کاری علاقه مند باشد، با تمام توان در انجام دادن آن می کوشد. بر عکس، یکی از عوامل مهم در شکست انسان، نداشتن انگیزه است که نه تنها انسان را به پیشرفت نمی رساند، بلکه روز به روز به شکست و ناکامی نزدیک تر می کند. بنابراین، اگر خواهان آسایش جسمی و روحی هستید، باید کاری را انتخاب کنید که به آن علاقه مند باشید. پیامبر اسلام در نکوهش علاقه نداشتن به کار و به اجبار کسی را به کار گماشتن می فرماید:

إِذَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ شَيْئٌ فَدَعْهُ. (۲)

وقتی دل تو از کاری چرکین است، از آن چشم پپوش.

عیادت از بیماران

عیادت از بیماران

نشاط روحی و روانی تأثیر فراوانی در بهبودی بیماری دارد. بیمار به دلیل درد و رنج، به غم و اندوه مبتلا می شود و با فرو رفتن در خود، خزیدن در گوشه تنهایی و دوری از اجتماع، بر عذاب روح خود می افزاید. پیامبر عزیز اسلام به دوستان و

ص: ۱۱۷

۱- همان، ش ۲۲۷.

۲- همان، ش ۱۹۶.

خویشان بیمار توصیه می کند که به دیدار وی بروند؛ چون برای قدم هایی که در این راه برمی دارند، ثواب های فراوانی در نظر گرفته شده است. آن گاه که کنار بیمار می نشینید، از خوشی ها و امیدها و سلامتی سخن بگویید تا حالت نشاط و سرزندگی و امید در او پدید آید و با روحیه مناسب با بیماری مبارزه کند. ایشان در سخنی جاودانی می فرماید:

عَائِدُ الْمَرِيضِ يَمْشِي فِي طَرِيقِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ. (۱)

کسی که بیماری را عیادت می کند، تا هنگامی که باز می گردد، در راه بهشت قدم می زند.

عیادت بیماران، آداب و شرایط ویژه ای دارد. بیمار به استراحت و آرامش جسمی و روحی نیاز دارد. از این رو، عیادت طولانی نه تنها او را شادمان نمی کند، بلکه مایه رنجش خاطر وی نیز خواهد شد. همچنین شایسته است عیادت کننده هنگام دیدار، ارمغانی را که با ذایقه بیمار سازگار است، به او هدیه کند. عیادت کننده نباید بسیار سخن بگوید، بلکه باید برای سلامتی بیمار دعا کند و وعده بهبودی بدهد تا او را به آینده امیدوار سازد. پیامبر ارجمند اسلام در ستایش این عمل پسندیده و توجه به آداب آن می فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا سُرْعَةُ الْقِيَامِ مِنْ عِنْدِ الْمَرِيضِ. (۲)

از بهترین عبادت این است که از نزد بیمار، زودتر برخیزی.

ص: ۱۱۸

۱- همان، ش ۱۹۲۶.

۲- همان، ش ۴۱۲.

غذای دسته جمعی

غذای دسته جمعی

یکی از آسیب های زندگی ماشینی و صنعتی این است که به دلیل کثرت مشاغل و نیازهای مادی، میان افراد خانواده ها جدایی انداخته است. کمتر اتفاق می افتد که همه اعضای یک خانواده، بر سر یک سفره مشترک، غذا بخورند. این وضعیت، به تدریج، روح انزواطلبی را در افراد خانواده پدید می آورد و از محبت و الفت آنان نسبت به یکدیگر می کاهد. هم نشینی و گرد آمدن بر سر سفره مشترک، صمیمیت و صفای خاصی دارد و حتی لذت خوردنی ها را در ذایقه انسان افزایش می دهد. چه بسا مشکلات خانوادگی هم پس از خوردن غذا، قابل بررسی و نتیجه گیری است. پیامبر رحمت درباره دل چسب بودن خوردنی ها می فرماید:

أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي. (۱)

بهترین غذاها آن است که گروه زیادی بر گرد آن بنشینند.

غرور علمی

غرور علمی

بی شک، بهره مندی از دانش، کمال انسانی است و همه مردم، دوستدار دانش و دانشمندان. دانشمندان همانند درختان میوه، هرچه پر بارتر باشند، بیشتر فروتن خواهند شد. گذشته از عالمان واقعی، عده ای نیز بی دلیل، ادعای برخورداری از دانش را دارند. در حقیقت، این مدعیان دروغین که با تبلیغات نادرست، برای خویش، مقام و موقعیتی کسب کرده اند، از تجربه های علمی بی بهره اند. دانشمندان واقعی هیچ گاه در دانش خود، تظاهر نکرده اند و از دانش خود، برای تکامل مادی و معنوی جامعه استفاده می کنند. پیامبر گرامی اسلام به مدعیان دانش هشدار می دهد:

مَنْ سَمِعَ النَّاسَ بِعِلْمِهِ سَمِعَ اللَّهُ بِهِ مَسَامِعَ خَلْقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ حَقَّرَهُ وَ صَغَّرَهُ. (۲)

ص: ۱۱۹

۱- همان، ش ۸۲.

۲- همان، ش ۲۸۲۱.

هرکس، گوش مردم را از علم خود پر کند [و به آن ببالد]، خداوند در روز رستاخیز، گوش مردم را از رسوایی وی پر و او را حقیر و ناچیز می سازد.

غوغا سالاری

غوغا سالاری

برخی افراد برای اینکه حق و باطل را در هم آمیزند، به جار و جنجال می پردازند. اینان با هیاهوگری، خود را صاحب حق جلوه می دهند و اشک تمساح می ریزند، به گونه ای که افراد ساده لوح، بسیار زود فریب می خورند. در این صورت، ساده لوحان به کمک آنان می شتابند. البته پس از مدتی، به نادرستی ادعای آنان پی می برند و خود را سرزنش می کنند که چرا بی تأمل، زیر پرچم غوغا سالاران گرد آمدند. بسیار پسندیده خواهد بود که انسان با شنیدن هر صدای بلندی به آن سو کشیده نشود و حساب شده و سنجیده رفتار کند. پیامبر بزرگوار می فرماید:

دُعُ قَيْلٍ وَقَالَ وَكَثْرَةُ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةُ الْمَالِ. (۱)

از جنجال و هیاهوگری و سؤال زیاد و تلف کردن مال بپرهیز.

ص: ۱۲۰

فداکاری برای دین

فداکاری برای دین

در اسلام، مال و جان و دین اهمیت ویژه ای دارند و انسان مسلمان باید در برابر به خطر افتادن هر یک از آنها حساسیت نشان دهد و برای احیای آنها مبارزه کند. البته اهمیت اینها به یک اندازه نیست. درست است که مال و جان ارزشمندند و به دفاع نیاز دارند، ولی وقتی پای دین به میان می آید، همه چیز را تحت الشعاع قرار می دهد. پیشوایان ما نیز وقتی صحبت دین به میان می آمد، دشوارترین سختی ها و از دست دادن اموال را به راحتی تحمل می کردند تا دین پاینده بماند. این گذشت ها در زندگی ائمه معصومین به ویژه پیامبر گرامی اسلام به خوبی دیده می شود. ایشان در ۲۳ سال سخت ترین شرایط را در مکه و مدینه تحمل کرد تا نهال اسلام بارور شود و انسان ها بتوانند در پرتو آموزه های دینی راه کمال و سعادت پیمایند. ایشان در پندی گران بها به حضرت علی علیه السلام می فرماید:

وَ ابْذُلْ مَالَكَ وَ نَفْسَكَ دُونَ دِينِكَ. (۱)

مال و جان را در راه دین خود فدا کن.

فروش مسکن

فروش مسکن

تجربه نشان می دهد کسانی که بی دلیل، خانه مسکونی خویش را می فروشند، پس از مدتی کوتاه، پشیمان می شوند. این افراد با همسایگان و راه و چاه محله قدیمی خود کاملاً آشنا بوده اند و اینکه درمی یابند که چه نعمت بزرگی را از دست داده اند. همچنین اگر سریع تر مسکن جدید تهیه نکنند، بسیار زودتر از آنچه تصور می کنند، پول خانه را از دست می دهند و تا مدت های مدید باید در خانه های استیجاری به سر ببرند. همچنین ممکن است در مدتی که در جست و جوی مسکن جدید هستند، ارزش مسکن

ص: ۱۲۱

افزایش یابد که در این صورت، با پول موجود نمی‌توانند یک خانه حتی در متراژ قبلی و در یک نقطه دوردست به دست آورند. پس شایسته است پیش از فروش خانه، همه جنبه‌های کار را بسنجند و بی‌اندیشه به چنین معامله خطیری روی نیاورند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

مَنْ بَاعَ عَقْرًا دَارٍ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ عَلَى تَمَنِهَا تَالِفًا يَتَلَفُهُ. (۱)

هر کس، بی‌دلیل، خانه‌ای را بفروشد، خدا تلف‌کننده‌ای را می‌فرستد که قیمت آن را تلف کند.

فریب کاران

فریب کاران

مردم سه دسته‌اند؛ گروهی راه صواب می‌پیمایند و دیگران را یا از هم نوعان خود یا از هم کیشان خویش می‌شمارند. از این رو، در برخوردهای فردی و اجتماعی با صداقت و سلامت با آنان روبه‌رو می‌شوند. گروه دیگر، در پی حيله گری و فریب دادن دیگران برای به دست آوردن مقام و موقعیت اجتماعی یا زرق و برق دنیایی برمی‌آیند و برای به دست آوردن توشه دو روزه دنیا، از زیان رساندن به دیگران هیچ‌گونه پروایی ندارند. اینان در روابط اجتماعی خود با دیگران از در نیرنگ وارد می‌شوند. بی‌شک، مردم در رویاروی با این افراد سودجو، آرامش خویش را از دست می‌دهند و تلاش می‌کنند از شر نقشه‌های آنان رها شوند. این افراد، اعتماد اجتماعی را از میان می‌برند و امنیت روانی را نابود می‌سازند. چگونه است که بعضی افراد، از مسلمانی و پیروی از اسوه فضیلت و تقوا؛ یعنی پیامبر گرامی اسلام دم می‌زنند، ولی در عمل، هیچ بهره‌ای از رفتار پیامبر ندارند. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله این افراد را از دایره مسلمانی جدا می‌سازد و می‌فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَأْكْرَهُ. (۲)

ص: ۱۲۲

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۹۳۳.

۲- تحف العقول، ص ۴۲.

کسی که با مسلمانی غل و غش کند یا به او زیان برساند یا با او از در مکر و خدعه درآید، از ما نیست.

p

قرض گرفتن

قرض گرفتن

برخی عادت کرده اند که به شیوه های گوناگون از دیگران، پول قرض بگیرند. این افراد به دلیل فزونی بدهی ها، آسایش روحی و روانی خود را از دست می دهند و همیشه در اندیشه بازپرداخت دین های خود هستند و چه بسا آرزو می کنند که کاش به این کار دست نمی زدند. اگر این اشخاص با چشم پوشی از زیاده خواهی، به آنچه داشتند، راضی می شدند و زندگی اجتماعی خود را متناسب با دارایی خویش تنظیم می کردند، به چنین بلایی گرفتار نمی شدند. رعایت اعتدال در فراهم آوردن امکانات رفاهی زندگی سبب خواهد شد افراد، بی دلیل زیر بار سنگین قرض های متعدد فرو نروند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، دین و بدهی را به از دست دادن آزادی تعبیر کرده و فرموده است:

أَقْلَ مِنَ الدَّيْنِ تَعِشُ حُرًّا. (۱)

از بدهی خود بکاهد، تا آزاد زندگی کند.

قضاوت

قضاوت

قضاوت، یکی از مهم ترین پست های اجتماعی است. قضاوت درست، زمینه ساز گسترش عدالت در جامعه اسلامی و بازستاندن حق مظلوم از ظالم است. به دلیل

ص: ۱۲۳

حساسیت و ظرافت موجود در قضاوت، این کار از عهده هر کسی ساخته نیست؛ زیرا ممکن است به دلیل کوچک ترین بی توجهی در صدور حکم، بنیان خانواده ها متزلزل و انسان بی گناهی گرفتار شود. بر این اساس، اسلام افزون بر لازم دانستن علم و عدالت و صبر و شجاعت برای قاضی، به صدور زمان حکم نیز توجه کرده است. اسلام می خواهد قاضی در بهترین شرایط ممکن و با فراغت بال، به دور از هرگونه حب و بغض، تصمیم بگیرد و حکم صادر کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیانی شیوا درباره اهمیت شغل قضاوت می فرماید:

مَنْ جُعِلَ قَاضِيًا فَقَدْ ذُبِحَ بِغَيْرِ سَكِينٍ (۱)

هرکس را قاضی قرار دهند، مانند آن است که با چیزی جز چاقو، او را ذبح کرده اند.

قناعت

قناعت

قناعت پیشگان در برابر حوادثی که به گونه ای شرف و عزت آنان را به خطر می اندازد، پایدارند. قناعت، فرصت مناسبی را برای آدمی فراهم می کند تا جنبه های معنوی خویش را تقویت کند و به آسایش و خوشبختی جاودان برسد. قناعت از حرص و آزمندی انسان پیش گیری می کند و به او اعتدال می بخشد. فرد قانع، وقت گران بهای خود را صرف خواسته های نابجا نمی کند و آسان تر می تواند نردبان تعالی و تکامل را بسیماید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به پیروان خود توصیه می کند که به این ویژگی پسندیده آراسته شوند:

عَلَيْكُمْ بِالْقَنَاعَةِ فَإِنَّ الْقَنَاعَةَ مَالٌ لَا يُنْفَدُ (۲)

به قناعت خو کنید؛ که به راستی، قناعت مالی پایان ناپذیر است.

ص: ۱۲۴

۱- همان، ش ۲۸۰۸.

۲- همان، ش ۱۹۸۰.

کارگشایی

بعضی افراد، کلید خیر هستند؛ یعنی گفتار و رفتارشان به گونه ای است که انسان احساس می کند منشأ کارهای خیر و پسندیده خواهند شد. اینان همواره می کوشند از گرفتاری و مشکلات دیگران بکاهند و در این راه از هیچ گونه فداکاری، دریغ نمی ورزند. آنان چون خورشیدی هستند که با شعاع وسیع و گرمابخش خود، همه جا را روشنایی می بخشند و تلاش می کنند موجی از شادمانی به دیگران ارزانی دارند. در مقابل، با کسانی روبه رو می شویم که رفتارهای منفی و قفل کننده دارند؛ یعنی به جای گره گشایی، مشکلات جدید بر آن می افزایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به کارگشایی می فرماید:

إِنَّ مِنَ النَّاسِ نَاسًا مَفَاتِيحُ لِلْخَيْرِ مَغَالِيقُ لِلشَّرِّ... (۱)

بعضی از مردم، کلید خیر و قفل شر هستند...

کردار نیک

کردار نیک

کارهای نیک بسیار است و راه های خدمت رسانی فراوان. انسان با راهنمایی حجت درون و بیرون که همانا عقل و معصومین علیهم السلام هستند، راه را از بیراهه و خوب را از بد تشخیص می دهد. پیروی از عقل و شریعت، آدمی را از جمله نیکان و نیکوکاران قرار می دهد. نیکان جهان، نه تنها خود را به زیور فضایل و کردار نیک می آراستند، بلکه به دیگران نیز سفارش می کردند تا زینت احسان و نیکی را بر گردن خود بیاویزند و محبوب خدا و خلق شوند. نیک مردانی که زیر آسمانی کبود زیستند و با کردار نیکشان،

ص: ۱۲۵

نامی جاودانه برای خویش به یادگار گذاشتند، فراوانند و سرسلسله آنان؛ برترین انسان ها، یعنی پیامبر رحمت و کرامت می فرماید:

ثَلَاثٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ وَ طَيْبُ الْكَلَامِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى. (۱)

سه چیز از نیکی هاست: سخاوت و بخشش، سخن نیک و شکیبایی در برابر آزار.

کسب حلال

کسب حلال

عبادت، تنها در برپایی نماز خلاصه نمی شود، بلکه انسان مسلمان می تواند در واجبات توصلی نیز قصد قربت کند و بسیاری از کارهای خداپسندانه را در دایره عبادی قرار دهد. کسی که دانش می آموزد، به عیادت بیمار می رود، برای به دست آوردن نیازمندی های زندگی خود و خانواده، رنج و کار و تلاش را برای خویش هموار می سازد؛ اگر همه اینها را با قصد قربت و برای رضای خدا انجام دهد، عبادت کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با وجود سفارش های فراوان به فعالیت اقتصادی، هشدار می داد به گونه ای در جست و جوی دنیا برآید که از آن جهان روی گردان نشوید. رعایت حلال و حرام در کسب روزی از مهم ترین سفارش های آن حضرت به تمام مسلمانان است. ایشان در سخنی زیبا می فرماید:

الْعِبَادَةُ سَبْعَةٌ أَحْزَاءُ أَفْضَلُهَا كَسْبُ الْحَلَالِ. (۲)

عبادت هفت بخش است که بالاترین آن کسب حلال است.

کم حوصله بودن

کم حوصله بودن

کم حوصله بودن یا نشانه بیماری جسمی است یا از ضعف روحی حکایت دارد.

ص: ۱۲۶

۱- تحف العقول، ص ۸.

۲- همان، ص ۳۷.

انسانی که از روح و جسمی سالم برخوردار است، توانِ رویارویی با مشکلات را دارد و هیچ گاه خود را نمی بازد و هیاهو به راه نمی اندازد. در مقابل، انسان های کم حوصله، به تدریج محبوبیت خویش را از دست می دهند و در مواقع حساس، از قضاوت و تصمیم گیری درست باز می مانند. انسان های صبور و مقاوم که از نعمت صبر و دقت نظر بهره مندند، هیچ گاه در کارها و اظهارنظرهای خود، شتاب نمی کنند. به گفته پیامبر گرامی اسلام، در امور مربوط به دنیا با حوصله و تأمل اقدام کنید، ولی در کارهای خیر و فراهم ساختن توشه آخرت، به خود تردید راه ندهید:

التَّوَدُّهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ خَيْرٌ إِلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ. (۱)

حوصله کردن در همه چیز خوب است جز در کار آخرت.

کمک به تحصیل فرزندان

کمک به تحصیل فرزندان

یکی از مهم ترین حقوق فرزندان این است که آنان از دانش برخوردار باشند. بنابراین، هرگونه کوتاهی در این مورد، سستی نابخشودنی است بر فرزندان. فرزندان، امانت هایی الهی هستند و نگه داری و رسیدگی به آنان به والدین سپرده شده است که اندک کوتاهی در راه کمال آنان، مورد بازخواست قرار می گیرد. بنابراین، باید همواره شعله دانش طلبی را در نهاد فرزندان مان روشن نگه داریم تا آینده تابناک در انتظارشان باشد. انسان بی سواد، آینده روشنی ندارد و نمی تواند در برابر مشکلات زندگی از خود واکنش های مناسبی نشان دهد. از این رو، با تنگناهای بسیاری در زندگی صنعتی کنونی روبه رو خواهد شد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، تحصیل دانش را از حقوق مسلم فرزندان می شمارد و می فرماید:

إِنَّ مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ... (۲)

ص: ۱۲۷

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۲۰۸.

۲- همان، ش ۹۲۳.

یکی از حقوق فرزند بر پدرش، این است که به او نوشتن پیاموزد... .

کمک به نابینایان

کمک به نابینایان

هرچند انسان ها از نظر شخصیتی با هم فرقی ندارند، ولی ممکن است افرادی به دلیل نداشتن قدرت بینایی، در انجام دادن بعضی کارها، نیازمند کمک دیگران باشند. انسان مسلمان در این باره، وظیفه ای دارد و نباید آسوده خاطر باشد. هر انسان با وجدان و آزاده ای، وظیفه دارد به هم نوعان خود کمک کند. شکرانه دست توانا و نعمت های فراوان الهی، گرفتن دست ناتوان است. اگر ما بگوییم دیگران به او کمک می کنند و به کمک من نیازی ندارد، ممکن است دیگران نیز چنین تصویری داشته باشند. در نتیجه، انتظارات آن نیازمند بی پاسخ می ماند. پیامبر گرامی ما درباره کمک و یاری رساندن به نابینایان می فرماید:

مَنْ قَادَ أَعْمَى أَرْبَعِينَ خُطْوَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. (۱)

هر کس، نابینایی را تا چهل قدم بکشد، گناहانی که تاکنون کرده است، آمرزیده خواهد شد.

کمک در ابلاغ پیام

کمک در ابلاغ پیام

بسیاری از اوقات به افرادی برمی خوریم که از اعلام نیاز و ابلاغ پیام خویش ناتوانند و در جست و جوی کسانی هستند تا یار و مددکار آنان باشند. انسان ها در برابر نیازهای یکدیگر مسئولند؛ زیرا ممکن است با رساندن پیامشان به مسئولان، گره مشکل ها گشوده شود. این کار، دل مسلمانان را شاد می کند و رحمت و گشایش الهی بر آن فرد سایه گستر می شود. پیامبر اسلام در توصیه ای ارزنده می فرماید:

أَبْلُغُوا حَاجَةَ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ إِبْلَاحَ حَاجَتِهِ... (۲)

حاجت کسی را که از ابلاغ آن ناتوان است، به مسئولان برسانید... .

ص: ۱۲۸

۱- همان، ش ۲۹۱۶.

۲- همان، ش ۲۱.

زبان، عضوی از بدن است که می تواند منشأ بسیاری از گناهان مانند: تهمت، غیبت، دروغ و سخن چینی شود. هر چه انسان، زیادتر سخن بگوید، گناهانش افزایش می یابد و هر چه سکوت او طولانی تر باشد، به سعادت و سلامت نزدیک تر است. انسان عاقل کسی است که بیشتر می اندیشد و کمتر سخن می گوید. خاموشی، عیب های احتمالی انسان را پوشش می دهد و شخصیت او را نزد دیگران محفوظ می دارد. برعکس، پرگویی به سرعت، باطن انسان را نزد دیگران آشکار می سازد. انسان های پرسخن معمولاً برای اثبات سخنان نابجای خود به تلاش بیهوده دست می یازند و در این راه، با از دست دادن سلامت روحی و روانی خویش، در نگاه دیگران، منفور جلوه می کنند. پیامبر راستین اسلام برای حفظ سلامت و شخصیت فرد مسلمان، در توصیه ارزنده ای می فرماید:

سُكُوتُ اللِّسَانِ، سَلَامَةٌ لِلْإِنْسَانِ. (۱)

خاموشی مایه سلامت است.

کوچک شمردن دیگران

کوچک شمردن دیگران

یکی از بدترین صفاتی که ممکن است در انسان وجود داشته باشد، این است که گاهی برای آنکه خود را بزرگ جلوه دهد، دیگران را کوچک تر از آنچه هستند، نشان می دهد. در حقیقت، افراد فرومایه برای پوشاندن نادانی خود می کوشند مقام دیگران را پایین بیاورند تا احساس خود بزرگ بینی شان ارضا شود. البته آنچه به دست می آورند، چیزی نیست که منتظر آن بوده اند؛ زیرا مردم، سره را از ناسره و حقیقت را از دروغ باز می شناسند. در این حالت، ماهیت او نزد دیگران آشکار می شود، گرچه دیدگاه او چیز

ص: ۱۲۹

دیگری باشد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این باره چه زیبا می فرماید:

أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ. (۱)

خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.

کوچک شمردن مشکلات

کوچک شمردن مشکلات

اگر انسان اراده کند، می تواند به تدریج، به نیرویی دست یابد که تحمل مشکلات را آسان پندارد. این مسئله با قدرت تحمل آدمی، رابطه مستقیم دارد. اگر مشکلات را کوچک شمارد و با آن مبارزه کند، می تواند به راحتی بر مشکلات بزرگ نیز چیره شود. این همه در سایه پشتکار و ایستادگی ممکن است و مهم این است که در برابر گرفتاری ها، خود را نبازد و از میدان به در نرود. گاهی انسان در رویایی با مشکلات، از آن معضل، تصویر نادرستی در ذهن خود ترسیم می کند؛ یعنی مشکل بسیار بزرگ نمایی می شود. در حالی که با کوچک شمردن مشکلات بزرگ، می توان بر آن چیره شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

لَا سَهْلَ إِلَّا مَا جَعَلْتَ سَهْلًا. (۲)

هر قدر آسان بگیری، آسان می گذرد.

کیفیت بخشیدن به کار

کیفیت بخشیدن به کار

برخی عادت کرده اند که با سهل انگاری کارهای خود را بدون کیفیت انجام دهند و پیش از انجام درست یک کار، به کار دیگری پردازند. آشکار است که در این صورت، انسان نمی تواند از کارهای آنان بهره برداری کند. در مقابل، افراد نیکی هستند که به دلیل تعهد خویش، کارهایی که به آنان سپرده می شوند، به بهترین صورت انجام می دهند و

ص: ۱۳۰

۱- همان، ش ۲۵۰.

۲- همان، ش ۲۴۹۸.

محبوبیت مردمی و رضایت الهی را از آن خود می سازند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به این مهم می فرماید:

يُحِبُّ اللَّهُ الْعَامِلَ إِذَا عَمِلَ أَنْ يَحْسَنَ. (۱)

خداوند دوست دارد که انسان وقتی کاری انجام می دهد، آن را خوب و کامل کند.

گذشت

گذشت

داشتن روحیه گذشت، نشانه همت بلند و قدرت استقامت فرد است. کسانی که روحیه گذشت دارند، افزون بر اینکه می توانند در برابر سختی های روزگار استقامت کنند، بر نیروی خشم خود نیز مسلط خواهند شد. چنین افرادی این قدرت را دارند تا در مقابل بی ادبی، آرامش خویش را حفظ و حتی در بعضی موارد، از تقصیر دیگران چشم پوشی کنند. از نظر اسلام، انسان های با گذشت در این جهان، به ناراحتی و ناملایمات گرفتار نمی شوند و در آخرت نیز از لطف و محبت خاص الهی بهره مند خواهند شد. در حقیقت، آنان بلند همتند و خداوند به دلیل عظمت وجودی شان، آنان را در پناه لطف و عنایت خاص خود قرار می دهد. پیامبر رحمت می فرماید:

إِسْمَحْ يُسْمَحْ لَكَ. (۲)

آسان گیر تا بر تو آسان گیرند.

ایشان در حدیث دیگری می فرماید:

ص: ۱۳۱

۱- همان، ش ۳۲۱۷.

۲- همان، ش ۲۹۳.

خُلِقَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ... فَأَمَّا اللَّذَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ فَالسَّخَاءُ وَالسَّمَاخَةُ. (۱)

خدا، دو صفت را دوست دارد... ولی آن دو چیزی که خدا دوست دارد، بخشش و گذشت است.

گردش ایام

گردش ایام

انسان خردمند، از گردش روزگار و پیشامدها و حوادث غافل نیست و از همه آنها درس عبرت و سازندگی می آموزد. افراد بسیاری از بهترین امکانات مادی برخوردار بودند، ولی اینک به تکه ای نان محتاج شده اند یا چه بسا آدم هایی که آه در بساط نداشتند، ولی امروز صاحب مال و منال فراوانند. چه افراد توان مندی که نعمت سلامتی و قدرت جسمانی داشتند، ولی اینک زمین گیر شده اند. آیا بهتر نیست انسان از آنچه در پیرامونش می گذرد، درس عبرت بگیرد و به قدرت جسمانی و مال و دارایی خود مغرور نشود؟

به یاد آوریم این سخن ظریف قائم مقام فراهانی را:

روزگار است این، که گه عزت دهد، گه خوار دارد

چرخ بازیگر از این بازیچه ها، بسیار دارد

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

كَفَى بِالذَّهْرِ وَاعِظًا وَبِالْمَوْتِ مُفَرِّقًا. (۲)

چه آموزگاری است روزگار و چه جماعت پراکنی است مرگ!

کشاده رویی

کشاده رویی

بسیار اتفاق می افتد که انسان حال مناسبی دارد، ولی در برخورد با افراد اخم آلود و

ص: ۱۳۲

۱- همان، ش ۱۴۵۴.

۲- همان، ش ۲۱۲۶.

در خود فرورفته، حال خوش خود را از دست می دهد. همچنین چه بسا از پیشامدی، اندوهگین است، ولی با افرادی که چهره ای بشاش و خوش رو دارند، روبه رو می شود و غم و غصه های خویش را از یاد می برد. در حقیقت، گشادگی چهره یا درهم کشیدن آن، به اختیار انسان است؛ با خوش رویی، می تواند توجه دیگران را به خود جلب کند و با اخم و ناراحتی، دیگران را از خود خواهد راند. پیامبر گرامی اسلام، گشاده رویی را نوعی صدقه شمرده است و می فرماید:

مِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى النَّاسِ وَ أَنْتَ طَلِقُ الْوَجْهِ. (۱)

از جمله صدقات این است که با گشاده رویی به مردم سلام کنی.

گشایش در زندگی

گشایش در زندگی

خداوند به هر کس به اندازه مناسب، نعمت و روزی می دهد و دوست دارد بنده ای به اندازه گشایش در زندگی، برای خود و اهل و عیالش تسهیلاتی فراهم آورد. بعضی از انسان ها فکر می کنند هرچه آدمی ناچیزتر باشد و از امکانات مالی بهره نگیرد، رضایت الهی را بهتر به دست آورده است، در حالی که چنین اندیشه ای درست نیست. استفاده متعادل از زندگی متناسب با شأن آدمی، مطلوب خداوند و توصیه ائمه معصومین علیهم السلام است. درست است که آدمی نباید برای به دست آوردن زندگی بهتر، از عزت و آبرومندی خود هزینه کند و دست نیاز به سوی این و آن بگشاید، ولی وقتی خداوند، گشایشی در زندگی او ایجاد کرد و نعمتی را به او ارزانی داشت، حق استفاده از آن را دارد. در این صورت، خداوند نیز راضی تر است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ وَ يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَوُّسَ. (۲)

ص: ۱۳۳

۱- همان، ش ۳۰۶۸.

۲- تحف العقول، ص ۵۶.

هر وقت خداوند نعمتی به بنده ای داد، دوست دارد اثر آن نعمت را بر آن بنده ببیند و از فقر و حالت ناداری به خود گرفتن، بدش می آید.

گوهرهای درخشان

گوهرهای درخشان

دست یابی به اهداف انسانی در پرتو داشته های کمالی امکان پذیر خواهد بود. ایمان از عواملی است که آدمی را در برابر لغزش حفظ می کند و همچون سپری است محکم در برابر هجوم افکار شیطانی و حصاری است که سعادت و سلامت دنیوی و اخروی را در خود جای داده است. در کنار ایمان و پرهیزگاری، علمی که بتواند برای او و دیگران ثمربخش باشد و همچنین تدبری که وی را به نرم خویی فراخواند تا با دیگران به مدارا رفتار کند، بسیار ارزشمند است. اگر آدمی، پرهیزگار باشد، خود را نیز به زیور دانش بیاراید و وسیله سنجش اعمالش، عقل و تدبیر باشد، می تواند منشأ عمل خیر باشد. رسول گرامی اسلام نیز بر این سه گوهر ارزشمند تأکید کرده است و می فرماید:

ثَلَاثٌ مِّنْ لَّعْمٍ يَكُونُ فِيهِ لَعْمٌ لَّعْمٌ لَّمْهُ عَمَلٌ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ السَّفِيهِ وَ عَقْلٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ. (۱)

سه چیز است که اگر در کسی نباشد، عملی از او سر نمی زند: پرهیزگاری که او را از نافرمانی های خداوند متعال باز دارد؛ دانشی که با آن، نادانی آدم نادان را برطرف سازد؛ عقلی که به وسیله آن، با مردم به مدارا رفتار کند.

ص: ۱۳۴

لبخند

لبخند

بعضی چهره ای گرفته و خشن دارند، به گونه ای که آدمی با دیدن آنان به یاد گرفتاری های خویش می افتد. بعضی نیز چهره ای تبسم آمیز و روحیه ای شاد دارند که دیگران با دیدن آنان، رنج و مصیبت خود را از یاد می برند و دوست دارند ساعت ها با آنان باشند. افراد خنده رو به سرعت در قلب دیگران، نفوذ و محبت آنان را به خود جلب می کنند. به گونه ای که انسان، ناخودآگاه احساس می کند سالیان درازی است با آنان آشنایی و صمیمت دارد. باری، اولیای الهی نیز همواره با چهره ای گشاده و شاد با مردم روبه رو می شوند که در این میان، پیامبر رحمت، زبانزد خاص و عام است. آن وجود نازنین می فرماید:

تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ. (۱)

لبخند تو بر روی برادرت، برای تو صدقه ای است.

لجاجت و ستیزه جویی

لجاجت و ستیزه جویی

افراد ستیزه جو، انسان های خودخواه و بی گذشتی هستند که می کوشند با لجاجت و دشمنی با دیگران، رنج و ناراحتی درونی خویش را کاهش دهند. این در حالی است که هرچه میزان لجاجت و ستیزه جویی آنان بیشتر شود، فشار روحی و جسمی آنان نیز افزایش می یابد. برعکس، آدم های معتدل همواره می کوشند تحت تأثیر احساسات ناشی از خشم و غریزه قرار نگیرند و بی درنگ به ستیزه جویی و لجاجت نپردازند. بسیار اتفاق افتاده است که کنترل نفس و بردباری، نتیجه شیرین و خوشایندی چون مودت و دوستی به همراه داشته است و فردی که ممکن بود با یک برخورد تند و ناسنجیده، در

ص: ۱۳۵

شمار مخالفان و دشمنان انسان در آید، به یکی از دوستان و مریدان او تبدیل شده است. نه تنها افراد جامعه به انسان لجوج، بی اعتنا می شوند، بلکه خداوند نیز او را از عنایت خود محروم می کند. پیامبر عطوفت و مدارا می فرماید:

أَبْغَضُ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ الْأَلَدَّ الْخَصِمَ. (۱)

منفورترین مردان نزد خدا، مرد لجوج و ستیزه جوست.

ã

مبارزه با هوای نفس

مبارزه با هوای نفس

به هر میزان که انسان خواهان امیال نفسانی باشد، به همان اندازه، از نیروی عقل و اراده فاصله می گیرد. آدمی به دلیل افراط در هواپرستی، سست اراده و بی اختیار می شود و همه فضایل انسانی را از دست می دهد. از نظر اسلام، منشأ همه گناهان، پیروی بی چون و چرا از هوای نفس است و پرهیزگار کسی است که از دام هوا و هوس رهیده باشد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هوس گریزان را از شجاعان امت خویش می شمارد و می فرماید:

أَشَجُّعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ. (۲)

شجاع ترین مردم کسی است که بر خواسته های نفسانی چیره شود.

مدارا با بدهکاران

مدارا با بدهکاران

چون برخی افراد، امکانات مالی بسیاری ندارند، ممکن است در پاره ای موارد، وام

ص: ۱۳۶

۱- همان، ش ۱۸.

۲- همان، ش ۲۹۹.

بگیرند، ولی از بازپرداخت آن در زمان تعیین شده، ناتوان باشند. در این حال، برخورد وام دهندگان متفاوت است. گروهی با سعه صدر و واقع نگری، درصدد تمدید بازپرداخت برمی آیند یا حتی در پاره ای موارد، آن را می بخشند که البته از پاداش فراوانی برخوردار خواهند شد. گروهی دیگر با سرسختی و لجاجت بسیار تلاش می کنند که به هر شکل ممکن، حتی با آبروریزی و فشار و سخت گیری بر بدهکار، طلب خود را باز پس بگیرند که کار بسیار نکوهیده ای است. به یقین، اگر کسی با بزرگواری و درک موقعیت طرف مقابل، با بدهکار مدارا کند، در پیش گاه خداوند روسپید خواهد بود. بر این اساس، رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ نَفَسَ عَنْ غَرِيمِهِ أَوْ مَحَى عَنْهُ كَانَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

هر که به بدهکار خویش مهلت دهد یا قرض او را ببخشد، روز قیامت در سایه عرش الهی خواهد بود.

مدارا با مردم

مدارا با مردم

برخی می پندارند که خواسته های آنان باید همواره بی کم و کاست اجرا شود. از این رو، انتظار دارند تا دیگران به بهترین صورت ممکن، به کمک آنان بشتابند و زمانی هم که به مطلوب نمی رسند، دیگران را مقصر می دانند و به ناسازگاری و بداخلاقی با آنان می پردازند. بعضی نیز روح گذشت و بخشش ندارند و کوچک ترین لغزش دیگران را با شدیدترین شیوه ممکن، مجازات می کنند. اینان بسیار خودخواهند و از مردم، توقع زیادی دارند. اینان با چنین روحیه ای، پایگاه خود را در میان مردم از دست می دهند و به زیان های جبران ناپذیر دچار می شوند. حضرت رسول در توصیه به مدارا با هم نوعان می فرماید:

أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ. (۲)

ص: ۱۳۷

۱- همان، ش ۲۸۴۹.

۲- همان، ش ۳۵۸.

خردمندترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند.

مدارای مشروط

مدارای مشروط

تا آنجا که می توان و شریعت به ما اجازه داده، نرمش و مدارا با مردم پسندیده است. در حقوق شخصی و امور جاری، باید از لغزش دیگران چشم پوشید و با گذشت، با آنان روبه رو شد. البته مدارا با مردم آن گونه نیست که در صورت آسیب دیدن دین، حیثیت و عزت آدمی با دیگران کنار بیایم؛ زیرا کوتاه آمدن در این موارد، رفته رفته از ارزش و اهمیتشان می کاهد و آنها را به اموری معمولی و ابتدایی تبدیل می کند. اگر قرار باشد آدمی در برابر حق کشی یا حق گریزی، در برابر دیگران کنار بیاید، چگونه می توان دوام و قوام ارزش ها را انتظار داشت.

ارزش ها حساسند و واکنش مدافعانه در برابر آنها لازم و ضروری است، ولی همان گونه که گفته شد، در برابر چیزهای کم ارزش و غیراصولی نباید سخت گیری نشان داد؛ زیرا با گذشت می توان دیگران را نسبت به شخصیت خود و دستورهایی اخلاقی و ظریف پیامبر گرامی اسلام متمایل ساخت. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره نوع مدارا با مردم می فرماید:

رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مُدَارَاهُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَزَكٍّ حَقٌّ. (۱)

عاقلانه ترین کارها پس از ایمان به خداوند، مدارا کردن با مردم است، به گونه ای که حقی ضایع نشود.

مداومت بر کار خیر

مداومت بر کار خیر

هرگاه انسان در حال انجام دادن کار خیر از دنیا برود، با رضایت الهی روبه رو

ص: ۱۳۸

خواهد شد؛ چون بنده ای فرمان بردار بوده است، ولی اگر کسی در حال انجام دادن معصیت از جهان فانی رخت بر بندد، در جهان دیگر نیز با خشم و غضب پروردگار روبه رو می شود؛ زیرا حق بندگی را به جا نیاورده است. هر چند ممکن است او نیز در نهایت از رحمت و مغفرت الهی برخوردار شود، ولی شرمندگی در پیش گناه او را چگونه تحمل خواهد کرد؟ آیا بهتر نیست انسان در محضر خدا گناه نکند و خود را برای روزی آماده سازد که هیچ چیز حتی مال و فرزند نمی توانند پشتیبان او باشند؟ پیامبر ارجمند اسلام در توصیه به انجام کارهای پسندیده می فرماید:

مَنْ مَاتَ عَلَىٰ خَيْرٍ عَمِلَهُ فَارْجُوا لَهُ خَيْرًا وَ مَنْ مَاتَ عَلَىٰ شَرٍّ عَمِلَهُ فَخَافُوا عَلَيْهِ وَلَا تَيَاسُوا. (۱)

هر کس بر خیری که انجام داده است، بمیرد، برایش امیدوار باشید و هر کس بر شری که انجام داده است، بمیرد، برایش بیم ناک باشید، ولی ناامید نشوید.

مردم آزاری

مردم آزاری

مردم آزاری در اجتماع نمودهای گوناگونی دارد. برای مثال، همسایه ای با بی مبالاتی و سر و صدای زیاد، کارمندی با بی پاسخ گذاشتن خواسته ارباب رجوع، راننده ای با بوق های زدن های ممتد و بی جا و نیز دیگران با صدها کردار خلاف و دور از نزاکت، سبب رنجش خاطر اطرافیان می شوند. از آن بدتر وقتی است که در برابر هر گونه اعتراض، خود را بی گناه و حتی صاحب حق می دانند. آیا پسندیده است که آسایش و آرامش دیگران را به هم بریزیم و خود را بی گناه نیز بدانیم؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در نکوهش این رفتار ناپسند می فرماید:

ص: ۱۳۹

كُلُّ مُؤَدِّ فِي النَّارِ. (۱)

هر آزارگری در دوزخ است.

مزد کارگر

مزد کارگر

بنا بر وظیفه اخلاقی و انسانی، انسان باید حق کارگر را با احترام به او پردازد و حتی اگر پرداخت مزد بدون درخواست کارگر انجام گیرد، پسندیده تر است. بعضی افراد نه تنها پس از انجام کار، قدردانی نمی کنند، بلکه با منت نهادن، حقوق کارگر را می پردازند که اسلام، این کار را بسیار نکوهش کرده است. همچنین بسیار شایسته است اگر کارگری بیش از مقدار کارش، تلاش کرد و کار را به خوبی به پایان رساند، مزد بیشتری به او پرداخت شود. پرداخت مزد نیز باید در زودترین وقت ممکن انجام شود. پیامبر گرامی اسلام، دست کارگران را می بوسید و به آنان بسیار احترام می گذاشت. ایشان می فرماید:

... أَعْطِ الْأَجِيرَ حَقَّهُ قَبْلَ أَنْ يَجُفَّ عَرَقُهُ. (۲)

... پیش از اینکه عرق کارگر خشک شود، حق او را پردازید.

مشارکت در کارخانه

مشارکت در کارخانه

برخی می پندارند خدمت در خانه منحصر به همسران است و مردان کوچک ترین وظیفه ای در این زمینه ندارند. از این رو، به اصطلاح دست به سیاه و سفید نمی زنند و خانه را با مهمان خانه اشتباه می گیرند. انجام دادن کارهای خانه، وظیفه ای است مشترک میان زن و مرد و اداره نیکوی خانه به وسیله زن، وظیفه شرعی و اخلاقی او نیست، بلکه تلاش خالصانه ای است که وی برای محبت به همسر و فرزند انجام می دهد. نباید

ص: ۱۴۰

۱- همان، ش ۲۱۷۱.

۲- همان، ش ۳۴۷.

پنداشت که زن موظف است همه کارهای خانه را انجام دهد؛ زیرا وجود رابطه همسری، هرگز به معنای خدمت‌گزاری برای مرد نیست. بنابراین، زن و مرد باید با مشارکت و هم‌یاری به کارهای خانه بپردازند و نظام خانواده را اصلاح کنند. حضرت ختمی مرتبت در این باره می‌فرماید:

خِدْمَتُكَ زَوْجَتِكَ صَدَقَةٌ. (۱)

خدمت تو به همسرت، صدقه است.

مشورت

مشورت

انسان در هر مرتبه از آگاهی و دانش قرار داشته باشد، هرگز از مشورت بی‌نیاز نخواهد شد. تجربه ثابت کرده است که گاهی انسان در مسائل ساده نیز دچار اشتباه و غفلت می‌شود، در حالی که اگر با افراد آگاه و با تجربه مشورت می‌کرد، به این اشتباه دچار نمی‌شد. هنگامی که انسان با کسی مشورت می‌کند، فکر او را با فکر خود شریک می‌سازد. در حقیقت، نیروی فکری او قوی‌تر می‌شود و بدین ترتیب، از اشتباه در امان می‌ماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به مشورت می‌فرماید:

لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ. (۲)

پشتیبانی مطمئن‌تر از مشاوره نیست.

ملاحظه کاری

ملاحظه کاری

اخلاص و خدامحوری در انجام دادن کارها سبب موفقیت و ذخیره‌سازی پاداش آن برای جهان آخرت می‌شود. اخلاص، اکسیری است که در برخورد با کار و تلاش، آن را پربها و مانا می‌سازد و در جریده عالم ثبت می‌کند؛ همان‌گونه که ریا و خودنمایی از ارزش کار می‌کاهد و آن را مانند کف روی آب، زودگذر و بی‌دوام می‌سازد. بنابراین،

ص: ۱۴۱

۱- همان، ش ۱۴۳۵.

۲- همان، ش ۲۵۰۶.

مغز کارها، اخلاص و انجام عمل برای خداوند است و باید به کارها رنگ خدایی زد تا ماندگار شود. وقتی کاری مورد رضایت الهی است، هرگز نمی توان آن را برای ملاحظه یا خوشامد خلق رها کرد. چگونه می توان رضایت مخلوق را بر رضای خدا ترجیح داد یا بر اثر شرم و حیای نکوهش شده، از انجام کاری طفره رفت. از این رو اگر کسی در جمعی است که با او هم عقیده نیستند یا از آنها شرم دارد، باید با صلابت به پاخیزد و کارش را بدون شرم و ملاحظه کاری انجام دهد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا تَعْمَلْ شَيْئًا مِنْ الْخَيْرِ رِيَاءً وَلَا تَدْعُهُ حِيَاءً. (۱)

هیچ کار خیری را برای ریا انجام مده و هیچ کار نیکی را به سبب خجالت کشیدن رها مکن.

مهمان ناخوانده

مهمان ناخوانده

برخی مردم با آنکه از وضع مالی خوبی برخوردارند، ولی می کوشند بدون دعوت به خانه این و آن بروند و در این راه، چه بسا اعضای خانواده یا دوستانشان را نیز با خود همراه می سازند. این کار پسندیده نیست؛ زیرا صاحب خانه را به زحمت می افکنند و بی اطلاع میزبان، او را غافل گیر و در برابر مهمان ناخوانده، شرمسار می کنند. بنابراین، بدون هماهنگی و دعوت، به خانه کسی نرویم؛ چون این کار در هر مکتب و مرامی ناشایست و خلاف اخلاق است. پیامبر گرامی اسلام در یکی از هشدارهای شدید می فرماید:

مَنْ مَشَى إِلَى طَعَامٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ فَقَدْ دَخَلَ سَارِقًا وَ خَرَجَ مُعِيرًا. (۲)

هر که بی دعوت به طعامی رود، دزد می رود و ننگین بیرون می آید.

ص: ۱۴۲

۱- تحف العقول، ص ۵۸.

۲- نهج الفصاحه، ش ۲۷۶۷.

عقل چیست و عاقل کیست؟ هر کسی، عقل را بر اساس فهم و خرد خود معنی می کند. از این رو، ممکن است برداشت بعضی افراد، با تفسیری که پیشوایان دینی از عقل و خرد دارند، متفاوت باشد. چه بسا کسانی از نظر افراد معمولی، عاقل شمرده می شوند، ولی بر اساس معیارهای معصومین علیهم السلام در شمار افراد عاقل قرار نگیرند.

آورده اند: مردی نصرانی از اهل نجران به مدینه آمد. او مردی خوش بیان، باوقار و با فضیلت بود. مردم به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتند: این مرد نصرانی چقدر با عقل و خرد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از شنیدن این سخنان، معیار داوری برای انسان خردمند را چنین بیان فرمود:

مَهْ إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ وَحَدَّ اللَّهُ وَ عَمِلَ بِطَاعَتِهِ. (۱)

دست نگه دار! خردمند کسی است که خدا را به یگانگی بشناسد و به فرمان او عمل کند.

ص: ۱۴۳

نزدیک ترینان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

رسول رحمت و هدایت آمد تا چراغ راه آدمیان به سوی خیر و نیک بختی باشد. ایشان برای رسیدن انسان به کمال و سعادت، دستورهایی داده است که انسان ها با عمل به آنها، خود را به خلق و خوی محمدی خواهند آراست.

انسان ها اگر چنین کنند، در سایه لطف پیامبر قرار می گیرند و از آسیب های روز واپسین در امان می مانند. در این صورت، در آخرت نیز از یاران و نزدیکان آن حضرت خواهند بود. در مقابل، کسانی که دستورهای نبوی را نادیده بیانگارند و در دنیا، خود را از نبی مکرم اسلام جدا سازند، در آخرت نیز از ایشان دور خواهند بود. بنابراین، چه خوب است که با آراسته شدن به اوصاف نبوی، خود را مشمول رحمت الهی و قرین عطوفت محمدی قرار دهیم که آن پیامبر مهرپرور می فرماید:

أَقْرَبُكُمْ مِنِّي غَدًا فِي الْمُؤَقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ. (۱)

نزدیک ترین شما به من در فردای قیامت، آن کسی است که بیش از همه سخن راست بگوید، ادای امانت کند، به پیمان وفا کند و اخلاق وی نیکوتر و به مردم نزدیک تر باشد.

نفرین ستم دیدگان

نفرین ستم دیدگان

مظلومان، دل های پراندوه و خاطری افسرده از ستم بیدادگران دارند و مباد که دست

ص: ۱۴۴

دعا به نفرین بلند کنند؛ زیرا آتش دل سوختگان، ویرانی ها به بار می آورد و از این آتش سوزان، گریزی نیست. اصولاً واژه ای زیباتر از عدالت وجود ندارد و این مهم، از اهداف عالی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام بوده است. چگونه انسان می تواند گلبانگ عدالت را نشنیده انگارد و به سوی ستم و تعدی ره پوید. منادی قسط و عدل و مبارزه با جور و ستم می فرماید:

اِتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ كَأَنَّهَا شَرَارَةٌ. (۱)

از نفرین ستم دیده بترسید؛ که چون شعله آتش به آسمان می رود.

نگاهی به دنیا، نگاهی به آخرت

نگاهی به دنیا، نگاهی به آخرت

انسان به کلی نمی تواند از علاقه به دنیا پرهیز کند؛ زیرا در طبیعت رشد کرده است و به مسائل طبیعی علاقه خاصی دارد. البته نباید آن چنان در دنیا فرو برود و اسیر تعلق ها شود که تمام فکر و ذکرش به آنها مشغول باشد و برای آخرت خود کوچک ترین گامی برندارد. انسان عاقل کسی است که در عین بهره مندی از طیبیات دنیا، ره توشه آخرت را نیز فراهم می آورد و بخشی از ذهن و روح خود را با مسائل معنوی پر می کند؛ زیرا اگر جز این باشد، چیزی جز زیان متوجه او نخواهد شد. دنیادوست، به تدریج از انسانیت، تهی و به درنده ای انسان نما تبدیل خواهد شد. چنین فردی چنان در منجلاب دنیا فرو می رود که جز به تأمین منافع شخصی نمی اندیشد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

لَا تَشْغَلُوا قُلُوبَكُمْ بِذِكْرِ الدُّنْيَا. (۲)

دل های خود را فقط با یاد دنیا پر نکنید.

ص: ۱۴۵

۱- نهج الفصاحه، ش ۴۷.

۲- همان، ش ۲۴۵۹.

ترک نماز، بزرگ ترین گناه است. نماز برای تربیت و تکامل روحی انسان ها واجب شده است، ولی برخی افراد برای گریز از انجام تکلیف و پیروی از هوای نفس یا تنبلی و کسالت، آن را انجام نمی دهند. این بندگان به جای شکرگزاری به درگاه حق و همراهی و هم نوایی با برگ درختان سبز و زمین و زمان و پرندگان و خزندگان در مدح خدای روزی رسان، به بهانه های گوناگون از زیر بار این مسئولیت انسان سازی می گریزند. گاهی می گویند: «خداوند به نماز ما احتیاج ندارد». در پاسخ باید گفت نخستین چیزی که در قیامت از مسلمان می پرسند، درباره ستون دین است و برای ترک کنندگان نماز، عذاب دردناکی مقرر شده است. آیا شایسته است انسان به دلیل تنبلی و کسالت، در دسته ناسپاسان قرار گیرد و از به جا آوردن نماز که وظیفه بندگی است، سرباز زند؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الصَّلَاةُ. (۱)

نخستین چیزی که از آن حساب رسی می کنند، نماز است.

نماز شب

نماز شب

اسلام به جز نمازهای واجب، بر ادای بعضی نمازها به دلیل آثار بسیار مهم تربیتی که در پی دارند، تأکید کرده است. در این میان، نماز شب از اهمیت بیشتری برخوردار است. وقت این نماز، از نیمه های شب تا نزدیک نماز صبح است و سحرخیزان و شب زنده داران با راز و نیازهای شبانه خود، به حال و هوای معنوی ویژه ای دست می یابند. اینان در خلوت ربانی خود، محو دیدار معشوق حقیقی می شوند و جز خدا، همه چیز را به فراموشی می سپارند. رمز موفقیت بسیاری از علما و اولیای الهی را در ادای نافله نماز شب دانسته اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به ادای نماز شب می فرماید:

ص: ۱۴۶

مَنْ كَثُرَتْ صَلَوَاتُهُ بِاللَّيْلِ حَسَنٌ وَجْهُهُ بِالنَّهَارِ. (۱)

هر کس در شب، نماز بسیار بخواند، در روز، چهره اش نورانی می شود.

نماز صبح در مسجد

نماز صبح در مسجد

آن گاه که تاریکی همه جا را فرا گرفته و سکوتی سنگین بر زمین حاکم است، بندگان صالح خدا از بستر برمی خیزند و برای به جا آوردن نماز صبح، به سوی مسجد می روند. این حرکت و خیزش به سوی مساجد، صفای خاصی دارد. در فضای سراسر ملکوتی مساجد و در این تماشاگاه راز، بندگان خاص خدا را در حالت های گوناگون می توان دید. یکی در حال رکوع، دیگری با چشمان گریان از خدا طلب عفو می کند و با او در راز و نیاز است و آن دیگر، غرق در تفکر و تعمق. چه زیباست همراه شدن با این جماعت عاشق. در آن سو می بینیم که گروهی بی خیر از عالم معنا در خوابی عمیق فرو رفته اند و به دور از این غوغای ملکوتی، تنها به این می اندیشند که پاسی از صبح گذشته از خواب برخیزند و زندگی تکراری فردا و فرداها را آغاز کنند. رسول الله صلی الله علیه و آله در بشارتی نیکو به سحرخیزان می فرماید:

بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

به آنان که در ظلمات شب به سوی مساجد می روند، بشارت بده که در روز رستاخیز، روشنی کامل دارند.

نیکوکاری

نیکوکاری

هر کاری می تواند آثار مثبت یا منفی در برداشته باشد. خداوند بزرگ به انسان، حق انتخاب داده است و انسان های شایسته کسانی هستند که راه های مفید را می پیمایند. اینان فرصت های الهی را از دست نمی دهند و با نیت خداپسندانه، برای رفع نیاز خود و

ص: ۱۴۷

۱- همان، ش ۲۸۱۳.

۲- همان، ش ۱۰۹۰.

دیگران می کوشند. بر عکس، انسان های ناسپاس، نعمت های الهی را به رایگان از دست می دهند و در برخورد با نیازمندان، آنان را به تمسخر می گیرند. اینان می گویند: «اگر خدا می خواست به فقیران روزی می داد و به کمک ما نیازی نیست.» این گونه افراد نمی دانند که کمک به نیازمندان، انسان را از سقوط به پستی ها و حوادث ناگوار و ناگهانی در امان نگاه می دارد. نیکوکاری و صدقه پنهانی و آشکار از کارهایی است که مایه سپیدرویی انسان در جهان آخرت خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به این عمل پسندیده می فرماید:

صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ. (۱)

نیکوکاری، انسان را از مرگ های ناگوار در امان نگاه می دارد.

ص: ۱۴۸

۱- همان، ش ۱۸۵۲.

وساطت در ازدواج

وساطت در ازدواج

در فرهنگ اسلام این کار از ارزشمندترین وساطت‌ها به شمار آمده است. البته این کار به دلیل اهمیت و حقانیتش نیازمند تجربه و دقت و امانت داری است. فرد میانجی باید ویژگی‌های دو طرف را به خوبی و بدون کم و کاست برای یکدیگر بیان کند و زمینه شناخت آن دو را فراهم آورد. در این صورت است که می‌تواند زمینه سعادت و آرامش دو جوان را فراهم کند و فرد میانجی را نیز به پاداش الهی برساند. از این رو، پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

مِنْ أَفْضَلِ الشَّفَاعَةِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي النِّكَاحِ. (۱)

از جمله بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر در ازدواج، وساطت کنید.

وصیت نامه

وصیت نامه

بی شک، همه موجودات، طعم تلخ مرگ را خواهند چشید جز ذات لایزال الهی که همیشه بوده و خواهد بود. مخلوقات دیر یا زود، از این جهان فانی خواهند رفت، ولی نیاز به سفارش پس از مرگ، بسیار ضروری است تا نظام خانوادگی و روابط اجتماعی دچار مشکل نگردد. چه بسا انسان‌هایی که بدون وصیت، از این جهان رفته‌اند و پس از مرگ آنان، اختلاف‌های شدید مالی میان اعضای خانواده اتفاق افتاده است یا اشخاص بیگانه، ادعای طلب کاری داشته‌اند. آیا بهتر نیست انسان با نوشتن وصیت نامه، از رخ دادن این غایله‌ها پیش‌گیری کند و خدای نکرده زیر دین دیگران قرار نگیرد و سبب اختلاف خانواده نیز نشود. پیامبر اسلام می‌فرماید:

ص: ۱۴۹

تَزَكُّ الْوَصِيَّهِ عَارٌ فِي الدُّنْيَا وَ نَارٌ وَ سَنَارٌ فِي الْآخِرَةِ. (۱)

وصیت نکردن، مایه ننگ این جهان و آتش آن جهان است.

وظایف والدین

وظایف والدین

خانواده، نخستین و مهم ترین خاستگاه تربیتی فرزندان است. پدران و مادران باید برای تربیت صحیح فرزندان، سرمایه گذاری کنند تا این گل های زندگی شکوفا شوند و باقیات صالحاتی باشند برای والدین؛ زیرا به یادگار نهادن فرزندان صالح از نعمت های الهی است. پدر و مادر در آشنا کردن فرزندان با هنجارهای اجتماعی، نقش اساسی دارند. از این رو، باید آنان را به گونه ای پرورش دهند که با اصول دینی و مبانی اعتقادی آشنا شوند. نام گذاری نیکو و پسندیده یکی از این موارد است؛ زیرا تأثیر روانی بسزایی بر فرزند دارد. پیامبر بزرگوار اسلام در توصیه ای به والدین، پاره ای از وظایف آنان را چنین برمی شمارد:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ مَوْضِعَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ. (۲)

حق پسر بر پدر آن است که نام نیکو بر او نهد و بر جایگاه نیکو نشانند و ادب نیک بیاموزد.

وفای به عهد

وفای به عهد

وفای به عهد و پیمان، نشان دهنده طبع والا و فضایل اخلاقی آدمی است. از انسان مسلمان انتظار می رود که اگر توان انجام کاری را ندارد، با عذرخواهی و پاسخ صریح، ناتوانی خود را اعلام کند تا درخواست کننده، تکلیفش را بداند و با بهره گیری از وسایل دیگر، آن نیاز را بر آورد. متأسفانه گاهی با افرادی روبه رو می شویم که وعده های بیهوده می دهند و چه بسا به دلیل از دست رفتن فرصت، سائل نیز به مطلوب خود نمی رسد. پیامبر بزرگ اسلام، عهدشکنان را در شمار بی دینان شمرده است و می فرماید:

ص: ۱۵۰

۱- همان، ش ۱۱۴۱.

۲- همان، ش ۱۳۹۳.

لا دِينَ لِمَنْ لَاعَهْدَ لَهُ. (۱)

هر که پیمان نگاه ندارد، دین ندارد.

هدیه

هدیه

هدیه، محبت میان انسان ها را افزایش می دهد. در حقیقت، هدیه دهنده با این کار، علاقه و محبت خود را بیان می کند. قیمت و ارزش بالای هدیه، معیار و ملاک جلب محبت نیست؛ زیرا ممکن است هدایای غیرمادی که نشان دهنده حسن نیت و صداقت اهدا کننده است، بسیار کارسازتر باشد. در اسلام، نفس و اصل عمل مورد توجه است. بنابراین، تهیه هدایای گران بهای مادی را خردمندانه نمی داند.

اصالت هر هدیه، مفید و معنوی بودن آن است و ارزش مادی آن اهمیتی ندارد. از سوی دیگر، اگر هدیه پر قیمت باشد، طرف مقابل نیز برای جبران آن گرفتار سختی و دردسر می شود. گاهی اوقات، تهیه هدیه ای هم سنگ هدیه آشنایان، از عهده فرد خارج است. از این رو، به ناچار از او فاصله می گیرد. در این حالت، هدیه نه تنها محبت را افزون نکرده، بلکه رشته های مودت و دوستی پیشین را نیز از هم گسیخته است. بر این اساس، برای تقویت رشته های محبت باید شئون و توانایی طرف مقابل در نظر گرفته شود. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

تَهَادَوْا تَحَابُّوا. (۲)

به یکدیگر هدیه دهید تا رشته های محبت تان استوار گردد.

ص: ۱۵۱

۱- همان، ش ۲۴۹۷.

۲- همان، ش ۱۱۸۹.

گاهی افرادی را می بینیم که وقتی سخن خوبی را می شنوند یا مطلب سودمندی را در کتابی می خوانند و آن را سودمند می یابند، بی درنگ یادداشت می کنند تا در زمان مقتضی، به اطلاع دوستان و آشنایان و دیگران برسانند. این کار، شیوه بسیار پسندیده ای است و در طول تاریخ، بسیاری از انسان ها، از همین راه به آگاهی های بسیار ارزشمندی دست یافته اند. چه بسا اگر این کار انجام نمی شد، امروز بسیاری از دانستنی های ما وجود نداشت. پس بکوشیم سخنان و گفتار سودمند را به آگاهی همگان برسانیم تا با ثبات و ضبط آن در حافظه ها و عمل به آن، راه هدایت را بیابیم. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره هدایای کلامی می فرماید:

نعم العَطِيَّةُ كَلِمَةٌ حَقٌّ تَسْمَعُهَا ثُمَّ تَحْمِلُهَا إِلَىٰ أَخٍ لِّكَ مُسْلِمٍ. (۱)

چه نیکو عطایی است کلمه حقی که آن را می شنوی، سپس به برادر مسلمان می رسانی.

هم نشینی با فقیران

هم نشینی با فقیران

بعضی افراد همیشه از فقیران و نیازمندان فاصله می گیرند تا مبادا از ایشان چیزی بخواهند یا اینکه شأن خود را از آنان بالاتر می دانند. این در حالی است که ارزش هر کسی با تقوای او محک زده می شود و چه بسا فقیری با جامه مندرس، در پیش گاه الهی صاحب مقام و موقعیت والا باشد. هم نشینی با فقیران و رسیدگی به آنان در سیره تابناک اولیای الهی کاملاً نمایان است. آنان همواره با فقیران نشست و برخاست داشتند و کسانی را که از فقیران فاصله می گرفتند، به شدت نکوهش می کردند. پیامبر عظیم الشأن اسلام درباره دوستی با فقیران می فرماید:

اتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَرَاءِ أَبَادِي فَإِنَّ لَهُمْ دَوْلَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

ص: ۱۵۲

۱- همان، ش ۳۱۲۷.

۲- همان، ش ۲۹.

با فقیران دوستی کنید؛ زیرا آنان در روز قیامت، منزلت بزرگی دارند.

هم نشینی با نیکان

هم نشینی با نیکان

انسان همیشه نیازمند آموختن مسائل اخلاقی و تربیتی است تا راه کمال و پویایی را در پیش گیرد. یکی از راه هایی که آدمی را در پیمودن نردبان قرب و تهذیب نفس یاری می کند، هم نشینی با خوبان است. نیکان کسانی هستند که فضایل و تجربه کافی دارند و انسان با خیال آسوده می تواند به آنان اعتماد کند؛ از گفتار و رفتارشان، توشه سفر، فراهم آورد و روح و روان خویش را پالایش کند. آن گاه هم چون فرشته ای سبک بال، با عطر صفا و محبت، پروازی دل نشین را بیازماید و از لذت علم و عمل بهره مند شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره معاشرت با نیک منشان می فرماید:

جَالِسُوا الْكِبْرَاءَ وَ سَائِلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَالِطُوا الْحُكَمَاءَ. (۱)

با بزرگان هم نشین شوید، از دانشمندان پرسید و با حکیمان ارتباط داشته باشید.

ص: ۱۵۳

یکی از بهترین کارها این است که انسان، آموخته های خود را یادداشت کند. بعضی افراد به این مسئله توجهی ندارند و فکر می کنند که می توانند آن اندوخته ها را در حافظه خود نگه داری کنند، ولی به تدریج، معلومات خود را به فراموشی می سپارند. همه انسان ها ذهن قدرت مندی چون ابن سیناها ندارند و مانند ماشین حساب و رایانه نیز نیستند که اگر چنین هم بود به دلیل اختلال و نقص، همه حافظه خود را از دست می دادند. انسان برای نگه داری اندوخته های خود به ناچار باید آنها را ثبت و ضبط کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز به این امر توجه کرده و فرموده است:

قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ. (۱)

دانش را با نوشتن ثبت کنید.

یاد کرد نیکی مردگان

یاد کرد نیکی مردگان

چون انسان معصوم نیست، خواه ناخواه در طول زندگی مرتکب اشتباه و خطا می شود. پس همه در پرونده کار خود، رفتار نیک و بد دارند. با این حال شایسته است پس از درگذشت آنان، رفتارهای خوبشان را بازگو کنیم و از بدی های آنان سخنی نگوئیم؛ زیرا:

۱. شاید خداوند، وی را به دلیل کارهای نیکش، آمرزیده باشد.

۲. اینک او در گذشته است و زنده نیست تا از خود دفاع می کند.

۳. این کار، بازماندگانش را بسیار ناراحت می کند.

۴. در آموزه های اسلامی آمده است که از درگذشتگان به نیکی یاد کنیم.

ص: ۱۵۴

پیامبر وارسته اسلام می فرماید:

أَذْكُرُوا مَحَاسِنَ مَوْتَاكُمْ وَكُفُّوا عَنِّ مَسَاوِيَهُمْ. (۱)

نیکی های مردگان را یاد کنید و از بدی هایشان چشم پوشید.

یتیم نوازی

یتیم نوازی

کودکان یتیم به مهر و محبت، بسیار نیاز دارند و مهرورزی به آنان می تواند تا اندازه ای، غم جان کاه از دست دادن والدین را جبران کند. از این رو، اسلام توصیه می کند که مسلمانان، چتر محبت و مهربانی را بر سر آنان بگسترانند و مانند آنچه را برای فرزندان خود مهیا می کنند، برای آنان نیز فراهم آورند. بی تردید، کسانی که به این وظیفه انسانی بی توجه باشند یا مایه آزار آنان شوند، به خشم پروردگار دچار خواهند شد. رسول گرامی اسلام درباره ارزشمندی این رفتار نیکو و پسندیده می فرماید:

خَيْرُ بَيْوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ. (۲)

بهترین خانه های شما، خانه ای است که یتیمی در آن گرامی داشته شود.

ص: ۱۵۵

۱- همان، ش ۲۴۹.

۲- همان، ش ۱۵۱۱.

بخش دوم: سیری در گلستان نبوی صلی الله علیه و آله

اشاره

بخش دوم: سیری در گلستان نبوی صلی الله علیه و آله

زیر فصل ها

فصل اول: خوشه های نور

فصل دوم: ۸۵ مروارید محمدی صلی الله علیه و آله

فصل اول: خوشه های نور

اشاره

ص: ۱۵۶

سعدی از تربیت یافتگان و شاگردان مکتب اسلام و از شیفتگان و ارادتمندان خاندان نبوت و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. وی بسیاری از پندها و اشعار خود را متأثر از آیه ها و روایت ها سروده است. استاد مطهری در این باره می گوید: «سعدی نصایح بسیار بسیار سودمندی دارد که از متن اسلام گرفته شده است».^(۱)

در سالی که با نور نام محمد صلی الله علیه و آله تاییدن آغاز کرده، بسیار شایسته است تا با یادکردی از این شاعر توانا، اشعاری را که برگرفته از سخن تابناک و انسان ساز پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است، زینت بخش این نوشتار سازیم.^(۲) باشد که نور محمد صلی الله علیه و آله فرا راهمان را همواره فروزان و دست یابی به راه کمال را بر ما آسان گرداند.

ارزش عمر

ارزش عمر

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحَ مِنْكَ عَلَى دِرْهِمِكَ وَ دِينَارِكَ.^(۳)

بر عمر خویش بخیل تر باش تا بر درهم و دینار خود.

قیمت عمر اگر بداند مرد

پس بگرید بر آنچه ضایع کرد

طفل را سبکی دهند به نقش

ص: ۱۵۷

۱- مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۸۹.

۲- این مطالب با استفاده از سعدی در گلستان حدیث آل محمد صلی الله علیه و آله، نوشته: سید عبدالوهاب محصل، با تغییر و تخلص تنظیم شده است.

۳- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۶.

بستانند از او نگین بدخش (۱)

جوهری را که این بصیرت هستندهد بی بهای خویش از دست

بریدن سخن دیگران

بریدن سخن دیگران

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ عَرَّضَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ فِي حَدِيثِهِ فَكَأَنَّمَا خَدَشَ وَجْهَهُ. (۲)

هر که در میان سخن برادر مسلمانش بدود، مانند این است که چهره اش را خراشیده باشد.

سخن را سر است ای خردمند و بن

میاور سخن در میان سخن

خداوند تدبیر و فرهنگ (۳) و هوش

نگوید سخن تا نبید خموش

به دنبال مال حلال

به دنبال مال حلال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى عَبْدَهُ تَعَبًا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. (۴)

خداوند دوست دارد که بنده اش را در جست و جوی مال حلال، خسته ببیند.

چو خورد شیر شرز در بن غار؟

باز افتاده را چه قوت بود؟

گر تو در خانه صید خواهی کرد

دست و پایت چو عنکبوت بود

۱- ولایتی در افغانستان که در کوهستان آن لعل فراوان یافت می شود.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۶۶۰.

۳- صاحب نظر.

۴- کنز العمال، ج ۴، ص ۲.

تکریم سالمندان

تکریم سالمندان

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ. (۱)

از جمله تجلیل خداوند، بزرگداشت مسلمان سپید موی است.

دلم می دهد وقت وقت این امید

که حق شرم دارد ز موی سپید

عجب دارم ار شرم دارد ز من

که شرمم نمی آید از خویشتن

توبه در جوانی

توبه در جوانی

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:

التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَ لَكِنَّ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ. (۲)

توبه نیکوست، ولی در جوانی نیکوتر است.

جوانا! ره طاعت امروز گیر

که فردا جوانی نیاید ز پیر

فراغ دلت هست و نیروی تن

چون میدان فراخ است، گویی بز

قضا روزگاری ز من در ربود

که هر روزی از وی شبی قدر بود

من آن روز را قدر نشناختم

بدانستم اکنون که در باختم

ص: ۱۵۹

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۷.

۲- کنز العمال، ح ۴۴۱۶۸.

به غفلت بدادی ز دست، آب پاک

چه چاره کنون جز تیمم به خاک

چو از چابکان در دویدن گرو

نبردی هم افتان و خیزان برو

گر آن بادپایان برفتند تیز

تو بی دست و پای از نشستن بخیز

خلوت انس

خلوت انس

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ. (۱)

برای من با خداوند وقتی است که در آن وقت، نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل می گنجد.

یکی پرسید از آن گم کرده فرزند (۲)

که ای روشن گهر پیر خردمند

ز مصرش بوی پیراهن شنیدی چرا در چاه کنعانش ندیدی؟

بگفت احوال ما برق جهان استدمی پیدا و دیگر دم نهان است

گهی بر طارم اعلی نشینمگهی در پیش پای خود نینم

اگر درویش در حالی بماندیسر دست از دو عالم برفشاندی

خودشناسی و خداشناسی

خودشناسی و خداشناسی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ. (٣)

ص: ١٦٠

١- بحار الانوار، ج ٧٩، ص ٣٤٣.

٢- حضرت يعقوب.

٣- بحار الانوار، ج ٢، ص ٣٢؛ غررالحكم، ص ٢٣٢.

کسی که خود را بشناسد، خدایش را شناخته است.

نزید تو را با چنین سروری

که سر جز به طاعت فرود آوری

به انعام خود، دانه دادت، نه گاه

نکردت چو انعام، سر در گیاه

ولیکن بدین صورت دل پذیر

فریبا مشو، سیرت خوب گیر

ره راست باید، نه بالای راست

که کافر هم از روی صورت چو ماست

تو را آن که چشم و دهان داد و گوش

اگر عاقلی، در خلافتش مکوش

گرفتم که دشمن بکوبی به سنگ

مکن باری از جهل، با دوست، جنگ

خردمند طبعان منت شناس

بدوزند نعمت به میخ سپاس

دانشوری

دانشوری

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ. (۱)

فراگرفتن علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

١- مستدرک الوسائل، ج ١٧، ص ٤٩.

طلب کردن علم شد بر تو فرض

اگر واجب است از پی آس قطع ارض

برو دامن علم گیر استوار

که علمت رساند به دارالقرار

دشمن ترین دشمن ها

دشمن ترین دشمن ها

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ. (۱)

دشمن ترین دشمنانت، نفس توست.

مبارزان طریقت که نفس بشکستند

به زور بازوی تقوا و للحروب رحال

مراد نفس ندادند از این سرای غرور

که صبر پیش گرفتند تا به وقت مجال

قفا خورند و ملامت برند و خوش باشند

شب فراق به امید بامداد وصال

دوای نادانی

دوای نادانی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّمَا شِفَاءُ الْعَمَى السُّؤَالُ. (۲)

شفای نادانی، پرسش است.

امید عافیت آن گه بود موافق عقل

که نبض را به طبیعت شناس بنمایی

ص: ۱۶۲

۱- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۶.

۲- مواظب العددیه، باب اول، فصل سوم.

بپرس هر چه ندانی که ذلّ پرسیدن

دلیل راه تو باشد به عزّ دانایی

راست گویی

راست گویی

رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

الْصِّدْقُ مَبَارَكٌ. (۱)

راست گویی، فرخنده است.

دلا راستی گر کنی اختیار

شود دولتت همدم و بخت یار

نیچند سر از راستی هوشمند

که از راستی نام گردد بلند

دم از راستی گر زنی صبح وار

ز تاریکی جهل گیری کنار

مزن دم به جز راستی زینهار

که دارد فضیلت یمین بر یسار

به از راستی در جهان کار نیست

که در گلبن راستی خار نیست

زن شایسته

زن شایسته

حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ (۲).

داشتن زن شایسته از خوشبختی مرد است.

ص: ۱۶۳

۱- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۶۰.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

زن خوب فرمانبر پارسا

کند مرد درویش را پادشا

برو پنج نوبت (۱) بزَن بر درت

چو یاری موافق بود بر درت

همه روز اگر غم خوری، غم مدار

چو شب غمگسارت بود در کنار

چو مستور باشد زن و خوبروی

به دیدار او در بهشت است شوی

کسی بر گرفت از جهان کام دل

که یک دل بود با وی آرام دل

سربار جامعه

سربار جامعه

پیامبر گرامی اسلام فرمود:

مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّةً عَلَى النَّاسِ. (۲)

از رحمت خدا دور است کسی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران می نهد.

به چنک آر و با دیگران نوش کن

نه بر فضله دیگران گوش کن

بخور تا توانی به بازوی خویش

که سعی ات بود در ترازوی خویش

۱- پنج نوبت نقاره زدن به علامت جاه و جلال سلطنت در گذشته مرسوم بوده است.

۲- تحف العقول، ص ۳۷.

چون مردان ببر رنج و راحت رسان

مخنث (۱) خورد دسترنج کسان

بگیر ای جوان دست درویش پیر

نه خود را بیفکن که دستم بگیر

خدا را بر آن بنده بخشایش است

که خلق از وجودش در آسایش است

کرم ورزد آن سر، که مغزی در اوست

که دون همتانند بی مغز و پوست

کسی نیک بیند به هر دو سرای

که نیکی رساند به خلق خدای

سودمندترین مردم

سودمندترین مردم

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اَنْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ. (۲)

بهترین مردم کسی است که مردم از او بهره مند گردند.

اگر نفع کس در نهاد تو نیست

چنین گوهر و سنگ خارا یکی است

غلط گفتم ای یار شایسته خوی

که نفع است در آهن و سنگ و روی

چنین آدمی مرده به ننگ را

١- نامرد.

٢- بحار الانوار، ج ٧٥، ص ٢٣.

که بر وی فضیلت بود سنگ را
نه هر آدمی زاده از دد به است
که دد ز آدمی زاده بد به است
به است دد، از انسان صاحب خرد
نه انسان که در مردم افتد چو دد

طمع ورزی

طمع ورزی

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

عَزَّ مَنْ قَنَعَ وَ ذَلَّ مَنْ طَمَعَ. (۱)

عزیز کسی است که قناعت کند و خوار است کسی که طمع ورزد.

قناعت سرافرازد ای مرد هوش

سر پر طمع بر نیاید ز دوش

طمع، آبروی توقّر بریخت

برای دو جو، دامنی دُر بریخت

چو سیراب خواهی شدن ز آب جوی

چرا ریزی از بهر برف، آبروی؟

مگر از تنعم شکبیا شوی

وگرنه ضرورت به درها شوی

برو خواجه کوتاه کن دست آاز

چه می بایدت ز آستین دراز

کسی را که درج طمع در نوشت

ص: ۱۶۶

۱- معراج السعاده، ص ۳۰۴.

نباید به کس عبد و خادم نبشت

توقع براند ز هر مجلسست

بران از خودش تا نراند کست

عزت مؤمن

عزت مؤمن

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

عِزُّ الْمُؤْمِنِ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ وَ فِي الْقَنَاعَةِ الْحُرِّيَّةُ وَالْعِزُّ (۱)

عزت مؤمن در بی نیازی از مردم است و آزادگی و عزت در قناعت نهفته است.

دلا گر قناعت به دست آوری

در اقلیم راحت کنی سروری

اگر تنگ دستی، ز سختی منال

که پیش خردمند هیچ است مال

ندارد خردمند از فقر عار

که باشد نبی را ز فقر افتخار

غنی را ز سیم و زر آرایش است

ولیکن فقیر اندر آسایش است

قناعت به هر حال اولی تر است

قناعت کند هر که نیک اختر است

ز نور قناعت برافروز جان

اگر داری از نیک بختی نشان

١- تنبيه الخواطر، ص ١٦٩.

مسافرت

مسافرت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

سَافِرُوا فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَعْمُوا مَالاً أَفَدْتُمْ عَقْلًا. (۱)

مسافرت کنید؛ زیرا اگر مالی هم به دست نیاورید، بر عقلتان افزوده می شود.

تا به دکان و خانه در گروی

هرگز ای خام، آدمی نشوی

برو اندر جهان تفرج کن

پیش از آن روز کز جهان بروی

هدیه نیکو

هدیه نیکو

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. (۲)

بهترین برادر شما کسی است که عیبت هایتان را به شما هدیه کند.

از صحبت دوستی برنجم

که اخلاق بدم، حسن نماید

عیبم، هنر و کمال ببند

خارم، گل و یاسمن نماید

گو دشمن شوخ چشم (۳) ناپاک

تا عیب مرا به من نماید؟

آیین برادری و شرط یاری

ص: ۱۶۸

۱- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱۳.

۲- تنبيه الخواطر، ج ۳، ص ۱۲۳.

۳- گستاخ.

آن نیست که عیب من هنر پنداری

آن است که گر خلاف، شایسته روم

از غایت دوستی ام، دشمن داری ام

فصل دوم: ۸۵ مروارید محمدی صلی الله علیه و آله

فصل دوم: ۸۵ مروارید محمدی صلی الله علیه و آله

۱. ادای حق

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَوَادَ فِي حَقِّهِ. (۱)

همانا خداوند کسی را که در پرداخت حقتش سخاوتمند باشد، دوست دارد.

۲. امانت داری

الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ. (۲)

امانت داری، روزی می آورد و خیانت کاری، نداری.

۳. انتظار فرج

أَفْضَلُ جِهَادٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. (۳)

بهترین کوشش امت من، انتظار فرج است.

۴. بخشندگی

الْأَيْدِي ثَلَاثَةٌ: سَائِلَةٌ وَ مُنْفِقَةٌ وَ مُمَسِّكَةٌ وَ خَيْرُ الْأَيْدِي الْمُنْفِقَةُ. (۴)

دست ها سه گونه اند: خواهنده، دهنده و بازدارنده و بهترین دست ها، دهنده است.

ص: ۱۶۹

۱- تحف العقول، ص ۳۵.

۲- همان، ص ۴۵.

۳- همان، ص ۳۱.

۵. بخل و بدزبانی

أَبْعُدْكُمْ بِي شِبْهَاءِ الْبَخِيلِ الْبَدِيءِ الْفَاحِشِ. (۱)

بخیل، بد زبان و ناسزاگو، دورترین (بیگانه ترین) شما از من است.

۶. بدگمانی

اِحْتَرِسُوا مِنَ النَّاسِ بِسُوءِ الظَّنِّ. (۲)

پرهیزید از بدگمانی نسبت به مردم.

۷. بهترین اخلاق

أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى خَيْرِ أَخْلَاقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطَى مَنْ حَرَمَكَ وَ تَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ. (۳)

آیا شما را به بهترین اخلاق در این جهان و آن جهان راهنمایی نکنم؟ ببیوندی با کسی که از تو ببرد و ببخشی به کسی که از تو دریغ دارد و بگذری از کسی که به تو ستم کرده است.

۸. پرسشگری

أَلْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ، فَإِنَّهُ تُوجِرُ أَرْبَعَهُ: السَّائِلُ وَ الْمُتَكَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمُجِبُّ لَهُمْ. (۴)

دانش، گنجینه ها است و کلیدهایش، پرسش است. خداوند شما را رحمت کند، پرسید؛ زیرا چهار کس مزد دارند: پرسشگر، سخن گو، شنوده و دوست دار آنان.

ص: ۱۷۰

۱- همان، ص ۴۳.

۲- همان، ص ۵۳.

۳- همان، ص ۴۳.

۴- تحف العقول، ص ۳۹.

۹. پرهیزگاری

فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَأَفْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ. (۱)

فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب تر است و برترین [عمل در] دین شما پرهیزگاری است.

۱۰. پستی دنیا

وَلَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَيْرِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى فِيهَا كَافِرًا شَرْبَةَ مَاءٍ. (۲)

اگر دنیا نزد پروردگار به اندازه بال مگسی ارزش داشت، جرعه ای آب به کافر نمی نوشانید.

۱۱. پشیمانی از گناه

الْتَدَمُ تَوْبَةً. (۳)

پشیمانی، خود توبه است.

۱۲. تراشیدن شارب (سییل)

لَا يُطَوَّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَخْبَأً يَسْتَتِرُ بِهِ. (۴)

شارب (سییل) خود را بلند نکنید؛ چون شیطان آن را پناه گاه خود قرار می دهد و در آن پنهان می شود.

ص: ۱۷۱

۱- همان، ص ۳۹.

۲- همان، ج ۷۳، ص ۸۷.

۳- تحف العقول، ص ۵۵.

۴- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۲.

۱۳. ترک ازدواج

شَرَارُ أُمَّتِي عُرَابُهَا. (۱)

بدترین افراد امت، کسانی هستند که مجرد را برمی‌گزینند.

۱۴. ترک جهاد

فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ذُلًّا وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ. (۲)

کسی که جهاد را ترک کند، خداوند لباس خواری به او می‌پوشاند و او را در زندگی تهی دست می‌گرداند.

۱۵. ترویج فساد

مَنْ أَدَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُتَبَدِّئِهَا وَمَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ. (۳)

کسی که فحشا و منکرات را منتشر کند، مانند کسی است که آن را آغاز کرده است و کسی که مؤمنی را به چیز ناشایستی سرزنش کند، نمی‌میرد تا اینکه خودش نیز به آن گرفتار شود.

۱۶. تقویت حافظه

يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ يَرِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَيُذْهِبْنَ السُّقْمَ اللَّبَانُ وَالسُّوَاكُ وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. (۴)

ای علی! سه چیز سبب زیادی حافظه و از میان رفتن بیماری می‌شود: استفاده از کندر، مسواک کردن و قرآن خواندن.

ص: ۱۷۲

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵.

۳- محجه البیضاء، ج ۳، ص ۳۷۷.

۴- خصال، ج ۱، ص ۶۲.

۱۷. تفرقه افکنی میان زن و شوهر

مَنْ عَمِلَ فِي فُرْقَةٍ بَيْنَ امْرَأَتِهِ وَ زَوْجِهَا عَلَيْهِ غَضَبُ اللَّهِ وَ لَعْنَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. (۱)

هر کس برای جدایی زن و شوهری قدمی بردارد، مورد غضب و نفرین خداوند در دنیا و آخرت قرار می گیرد.

۱۸. تنبلی

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْفَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ. (۲)

نفرین شده است کسی که بار زندگی خود را بر عهده دیگران می گذارد.

۱۹. توبه کار

عَلَامَةُ التَّائِبِ أَرْبَعَةٌ: النَّصِيحَةُ لِلَّهِ فِي عَمَلِهِ وَ تَرْكُ الْبَاطِلِ وَ لُزُومُ الْحَقِّ وَ الْحِزْصُ عَلَى الْخَيْرِ. (۳)

نشانه توبه کننده چهار چیز است: کردار برای رضای خدا، ترک باطل، پیروی از حق و شوق به انجام دادن کار خیر.

۲۰. توکل

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. (۴)

هر کس می خواهد نیرومندترین مردم باشد، باید بر خدا توکل کند.

۲۱. تهمت

لَا يَزَالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِي تَهْمِهِ مَنْ هُوَ بَرِيءٌ حَتَّى يَكُونَ أَعْظَمَ جُزْماً مَنْ

ص: ۱۷۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۷.

۲- تحف العقول، ص ۳۲.

۳- همان، ص ۲۰.

۴- همان، ص ۲۷.

دزدزده، پیوسته در حال تهمت زدن به بی گناهان است تا جرمش از دزد بزرگ تر شود.

۲۲. ثروت طلبی

الدِّينَارُ وَ الدَّرْهَمُ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَمْ وَ هُمَا مُهْلِكَاكُمْ. (۲)

دینار و درهم، انسان های پیش از شما را به هلاکت رساند و با شما نیز چنین خواهد کرد.

۲۳. حب و بغض

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ عِبَادِهِ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بُغْضِ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا. (۳)

به راستی که خدا، دل بنده های خود را به دوستی کسی که به آن ها احسان کند و به دشمنی کسی که بدان ها بد کند، سرشته است.

۲۴. حقیقت بی نیازی

لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَ لَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ. (۴)

توانگری به داشتن کالای بسیار نیست، بلکه توانگری، بی نیازی دل است.

۲۵. حیا

الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ. (۵)

حیا از ایمان است.

ص: ۱۷۴

۱- همان، ص ۳۵.

۲- خصال، ج ۱، ص ۴۳.

۳- همان، ص ۵۲.

۴- همان، ص ۵۶.

۵- همان، ص ۵۵.

دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَعْضِنِ مِنْ شَوْكٍ كَانَ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَّطَهُ بِهِ. (۱)

بنده ای داخل بهشت می شود؛ چون شاخه چوبی را از سر راه مسلمانان برمی دارد تا افراد به راحتی بتوانند رفت و آمد کنند.

۲۷. جاودانه ها

أَرْبَعَةٌ لَا تَبْلَى: الْأَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ وَالْعُلَمَاءُ وَحَمَلَةُ الْقُرْآنِ. (۲)

چهار دسته اند که از بین نمی روند (همیشه جاویدند): پیامبران، شهیدان، دانشمندان و حاملان قرآن.

۲۸. جایگاه عقل

إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ. (۳)

همانا هر کار نیک و خیری با عقل سنجیده می شود و آن که عقل ندارد، دین ندارد.

۲۹. خشم

وَقَالَ رَجُلٌ: أَوْصِنِي، فَقَالَ: لَا تَغْضَبْ، ثُمَّ أَعَادَ عَلَيْهِ فَقَالَ: لَا تَغْضَبْ ثُمَّ قَالَ: لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصَّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (۴)

مردی به پیامبر گفت: به من سفارشی کن. فرمود: خشم مکن. باز درخواست کرد، فرمود: خشم مکن. سپس فرمود: پهلوانی، به زمین زدن حریف نیست، بلکه پهلوان کسی است که هنگام خشم، خوددار باشد.

ص: ۱۷۵

۱- خصال، ج ۱، ص ۳۲.

۲- مواعظ العددیه، ص ۱۲۵.

۳- تحف العقول، ص ۵۳.

۴- همان، ص ۴۷.

۳۰. خودنمایی

لَا تَعْمَلْ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ رِئَاءَ وَ لَا تَدْعُهُ حِيَاءً. (۱)

هیچ کار خیری را برای خودنمایی مکن و از انجام آن به خاطر شرم و حیا دست مکش.

۳۱. خوش خلقی

إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا. (۲)

کامل ترین مؤمنان در ایمان، خوش اخلاق ترین آنان است.

۳۲. خویشتن داری

مَنْ كَفَّ نَفْسَهُ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ أَقَالَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۳)

هر کس خود را از آبرو و ناموس مردم دور نگاه دارد، خداوند، او را در قیامت در پناه خود می گیرد.

۳۳. دانشوری

سَأَلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَاطَبُوا الْحُكَمَاءَ وَ جَالَسُوا الْفُقَرَاءَ. (۴)

از دانشمندان بپرسید و با حاکمان گفت و گو کنید و با فقیران هم نشین شوید.

۳۴. دروغ و خیانت

يَطْبَعُ الْمُؤْمِنُ عَلَى كُلِّ خِصْلَةٍ وَ لَا يَطْبَعُ عَلَى الْكِذْبِ وَ لَا عَلَى الْخِيَانَةِ. (۵)

مؤمن به هر خصلتی خو کند و بر دروغ و خیانت خو نکند.

ص: ۱۷۶

۱- همان، ص ۵۷.

۲- همان، ص ۴۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۸۷.

۴- تحف العقول، ص ۳۹.

۵- همان، ص ۴۴.

۳۵. درهای نیکی

ثَلَاثٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ وَ طَيْبُ الْكَلَامِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْاِذْيِ. (۱)

سه چیز از دروازه های نیکی است: سخاوت‌مندی دل، شیرین سخنی و شکیبایی بر آزار.

۳۶. ذکر

ذِكْرُ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ. (۲)

ذکر خداوند از صدقه بهتر است.

۳۷. رحمت الهی

مَنْ وَعَدَهُ اللَّهُ عَلَى عَمَلٍ ثَوَابًا فَهُوَ مُنْجَزٌ لَهُ وَ مَنْ أَوْعَدَهُ عَلَى عَمَلٍ عِقَابًا فَهُوَ بِالْخِيَارِ. (۳)

خدا به هر که وعده ثواب در کاری داده است، بدان وفا می کند و به هر که تهدید کیفر در کاری کرده است، اختیار دارد.

۳۸. رضایت همسر

وَيْلٌ لِمَرْئَةٍ أَغْضَبَتْ زَوْجَهَا وَ طُوِبِيَ لِمَرْئَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا. (۴)

وای بر زنی که شوهرش را خشمگین کند و خوشا به حال زنی که موجب شادی و خشنودی شوهرش شود.

ص: ۱۷۷

۱- همان، ص ۹.

۲- همان، ص ۴۲.

۳- همان، ص ۴۸.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶.

لَا تَهْتَمُّ لِرِزْقِ غَدٍ فَإِنَّ كُلَّ غَدٍ يَأْتِي رِزْقَهُ. (۱)

غم روزی فردا مخور؛ زیرا روزی هر فردایی می رسد.

۴۰. زهد

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ الْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ. (۲)

زهد در دنیا، کوتاه کردن آرزو است و شکر هر نعمت و خودداری از آنچه خدا حرام کرده است.

۴۱. سخن چینی

إِحْذَرِ الْغَيْبَةَ وَ النَّمِيمَةَ، فَإِنَّ الْغَيْبَةَ تُفْطِرُ وَ النَّمِيمَةَ تُوجِبُ عَذَابَ الْقَبْرِ. (۳)

از غیبت و سخن چینی بر حذر باش؛ زیرا غیبت، روزه را بشکند و سخن چینی مایه شکنجه در گور است.

۴۲. سرمایه عمر

كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحَ مِنْكَ عَلَى دِرْهَمِكَ وَ دِينَارِكَ. (۴)

بر عمر خود، بخیل تر از درهم و دینارت باش.

۴۳. سلام

سَلِّمْ عَلَى مَنْ لَقِيتَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَسَنَاتِكَ وَ سَلِّمْ فِي بَيْتِكَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي بَرَكَتِكَ. (۵)

ص: ۱۷۸

۱- تحف العقول، ص ۱۵.

۲- همان، ص ۵۷.

۳- همان، ص ۱۴.

۴- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۶.

۵- همان، ج ۷۶، ص ۳.

به هر مسلمانی برخورد کردی، سلام کن؛ چون خداوند بر حسنات تو می افزاید و به اهل منزلت سلام کن؛ زیرا خداوند برکت هایش را به تو افزایش می دهد.

۴۴. شکرگزاری

الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّائِمِ الصَّامِتِ. (۱)

آنکه بخورد و شکر کند، بهتر است از روزه دار خاموش.

۴۵. صبر و شکر

الْإِيمَانُ نِصْفَانِ: نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفٌ فِي الشُّكْرِ. (۲)

ایمان دو نیم است؛ نیمی صبر است و نیمی شکر.

۴۶. صلوات

مَنْ نَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ. (۳)

هر کس صلوات فرستادن بر من را فراموش کند، راه بهشت را گم خواهد کرد.

۴۷. صله رحم

صِلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ. (۴)

صله رحم، عمر را طولانی می کند.

۴۸. عامل کوری و کری

إِيَّاكُمْ وَالْهَوَىٰ فَإِنَّ الْهَوَىٰ يُعْمَىٰ وَيُصِمُّ. (۵)

ص: ۱۷۹

۱- تحف العقول، ص ۴۸.

۲- همان، ص ۴۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۱.

۴- تحف العقول، ص ۹.

۵- نهج الفصاحه، ش ۱۰۰۱.

از هوای نفس خود بر حذر باشید؛ زیرا آدمی را نابینا و ناشنوا می سازد.

۴۹. عبرت

كَفَى بِالْمَوْتِ وَاِعْظَاءً وَكَفَى بِالْتَّقَى غَنِيًّا. (۱)

مرگ برای پندآموزی و پرهیزگاری برای توانگری بس است.

۵۰. عطابخشی

مُرُوءَةً تَأْهَلُ الْبَيْتِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَاعْطَاءٌ مِّنْ حَرَمِنَا. (۲)

جوان مردی خاندان ما، گذشت از کسی است که به ما ستم کند و عطابخشی به کسی است که از ما دریغ دارد.

۵۱. عفو و گذشت

أَوْصَانِي رَبِّي بَأَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي. (۳)

پروردگام به من سفارش کرده است که از کسی که به من ستم کند، درگذرم.

۵۲. عیب پوشی

مَنْ سَتَرَ عَوْرَةَ أَخِيهِ سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۴)

کسی که عیب برادرش را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت، عیب هایش را پنهان می دارد.

ص: ۱۸۰

۱- تحف العقول، ص ۳۴.

۲- همان، ص ۳۷.

۳- همان، ص ۳۵.

۴- محجه البيضاء، ج ۳، ص ۳۲۷.

عَلَامَةُ الْغَافِلِ أَرْبَعَةٌ: الْعَمَىٰ وَ السَّهْوُ وَ اللَّهْوُ وَ النَّسْيَانُ. (۱)

نشانه غافل چهار چیز است: کوری، سهو، لهو و فراموشی.

إِذَا تَطَّيَّرْتَ فَاْمُضِ وَإِذَا ظَنَنْتَ فَلَا تَقْضِ وَإِذَا حَسَدْتَ فَلَا تَبِغِ. (۲)

چون فال بد زد، پیش برو؛ چون گمانی بردی، داوری مکن و چون حسد بردی، تجاوز نکن.

۵۵. فضیلت امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام

الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا. (۳)

حسن و حسین علیهما السلام دو سرور اهل بهشت هستند و پدر ایشان علی علیه السلام بهتر از آنها است.

الْعِبَادَةُ سَبْعَةٌ أَجْزَاءُ أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ. (۴)

عبادت هفت بخش است و برتر از همه کسب حلال است.

يَا عَلِيُّ! أَرْبَعٌ مَنْ يَكُنْ فِيهِ كَمَلُ إِسْلَامِهِ: الصَّدْقُ وَ الشُّكْرُ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ. (۵)

یا علی! چهار چیز در هر کس باشد، اسلامش کامل است: راستی،

۱- تحف العقول، ص ۲۳.

۲- همان، ص ۵۰.

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۳.

۴- تحف العقول، ص ۳۶.

۵- همان، ص ۱۰.

شکرگزاری، شرم و خوش رفتاری.

۵۸. کمال عقل

قَسَمَ اللَّهُ الْعَقْلَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ فَمَنْ كُنَّ فِيهِ كَمُلَ عَقْلُهُ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فَلَا عَقْلَ لَهُ: حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ لِلَّهِ وَ حُسْنُ الطَّاعَةِ لِلَّهِ وَ حُسْنُ الصَّبْرِ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ. (۱)

خداوند خرد را سه بخش کرده است. هر که همه را دارد، خردش تمام است و هر که هیچ از آنها ندارد، خردی ندارد: خوب شناختن خدا، خوب طاعت کردن برای خدا و خوب صبر کردن بر کار خدا.

۵۹. کم خوری

مَنْ أَجَاعَ بَطْنَهُ عَظُمَتْ فِكْرَتُهُ وَ فَطِنَ قَلْبُهُ. (۲)

کسی که شکمش را خالی نگه دارد، زیرک و هوشیار و خوش استعداد خواهد شد.

۶۰. کنترل زبان

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ حِفْظُ اللِّسَانِ. (۳)

بهترین صدقه، کنترل زبان است.

۶۱. گناهان کوچک

إِنَّ إِبْلِيسَ رَضِيَ مِنْكُمْ بِالمَحَقَّراتِ. (۴)

چه بسا شیطان به انجام دادن گناهی کوچک از شما راضی شود.

ص: ۱۸۲

۱- همان، ص ۵۳.

۲- محجه البيضاء، ج ۵، ص ۱۵۴.

۳- نهج الفصاحه، ش ۴۰۴.

۴- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۳.

۶۲. گشاده رویی

حُسْنُ الْبِشْرِ يَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ (۱)

خوش رویی، کینه را از بین می برد.

۶۳. لجاج بازی

إِيَّاكَ وَاللَّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَ آخِرَهَا نَدَامَةٌ (۲)

از لجاج بازی بپرهیز؛ که آغازش، نادانی و پایانش، پشیمانی است.

۶۴. مبارزه با هوای نفس

جَاهِدُوا أَهْوَاءَكُمْ تَمْلِكُوا أَنْفُسَكُمْ (۳)

با هواهای نفسانی خود مبارزه کنید؛ چون مالکِ نفستان خواهید شد.

۶۵. مصلحت اندیشی در گفتار

ثَلَاثٌ يَفْبَحُ فِيهِنَّ الصُّدُقُ: النَّمِيمَةُ وَ إِخْبَارُكَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِهِ بِمَا يَكْرَهُ وَ تَكْذِيبُكَ الرَّجُلَ عَنِ الْخَيْرِ (۴)

راستی در سه چیز، زشت است: سخن چینی، خبر ناراحت کننده دادن به مردی از زنش و تکذیب مردی که دعوی نیکوکاری می کند.

۶۶. مهریه

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْحَبُنَّ وَجْهًا وَ أَقْلُهُنَّ مَهْرًا (۵)

بهترین زنان امتم، کسانی هستند که از همه زیباتر و مهریه شان از دیگران

ص: ۱۸۳

۱- تحف العقول، ص ۴۴.

۲- تحف العقول، ص ۱۵.

۳- نهج الفصاحه، ش ۱۳۰۲.

۴- تحف العقول، ص ۱۰.

۵- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵۵.

کمتر باشد.

۶۷. میانجی گری

إِضْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَةِ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ. (۱)

برقراری صلح و سازش بین افراد بهتر از یک سال نماز و روزه (مستحبی) است.

۶۸. ناسزاگویی

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ بَدِيٍّ قَلِيلٍ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ. (۲)

همانا خداوند بهشت را حرام گردانده است بر هر ناسزاگویی که کم حیا باشد و بی باکانه هر چه از دهانش در آمد، بگوید و هر چه شنید، ناراحت نشود.

۶۹. نشان منافق

عَلَامَةُ الْمُنَافِقِ أَرْبَعَةٌ: فَاجِرٌ دَخَلَهُ يُخَالِفُ لِسَانُهُ قَلْبَهُ وَقَوْلُهُ فِعْلُهُ وَسَرِيرَتُهُ عَلَانِيَتُهُ، فَوَيْلٌ لِلْمُنَافِقِ مِنَ النَّارِ. (۳)

نشانه منافق چهار چیز است: نهادش هرزه است؛ زبان و دلش دو تا است؛ گفتارش جز کردارش است و باطنش جز ظاهر او است. وای بر منافق از آتش دوزخ.

ص: ۱۸۴

۱- امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۵.

۲- بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۱۲.

۳- تحف العقول، ص ۲۲.

عَلَامَةُ الْمُخْلِصِ أَرْبَعَةٌ: يَسْلَمُ قَلْبُهُ وَ تَسْلَمُ جَوَارِحُهُ وَ بَدَلْ خَيْرُهُ وَ كَفَّ شَرَّهُ. (۱)

نشانه مخلص چهار چیز است: دلش درست است؛ اعضایش بی آزار است؛ خیرش به دیگران می رسد و از بدکردن خودداری می کند.

أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ: جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ وَ بُعْدُ الْأَمَلِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ. (۲)

چهار خصلت از بدبختی است: خشک چشمی، سخت دلی، درازی آرزو و دوست داشتن دنیا.

عَلَامَةُ الصَّادِقِ فَرْبَعَةٌ: يَصْدُقُ فِي قَوْلِهِ وَ يُصَدِّقُ وَعْدَ اللَّهِ وَ وَعِيدَهُ وَ يُوفِي بِالْعَهْدِ وَ يَجْتَنِبُ الْغَدْرَ. (۳)

صادق چهار نشانه دارد: راست گویی، باور داشتن خوف و رجا، وفای به عهد و کناره گیری از مکر.

عَلَامَةُ الْفَاسِقِ أَرْبَعَةٌ: اللَّهْوُ وَ اللَّغْوُ وَ الْعُدْوَانُ وَ الْبُهْتَانُ. (۴)

نشانه فاسق چهار چیز است: بازیگری، بیهوده گویی، تجاوزگری و تهمت و بهتان زدن.

إِيَّاكُمْ وَتَخْشَعُ النَّفَاقِ وَهُوَ أَنْ يُرَى الْجَسَدُ خَاشِعًا وَالْقَلْبُ لَيْسَ بِخَاشِعٍ (۱).

مبادا خشوع منافقانه کنید و آن این است که تن، خاشع باشد و دل، خاشع نباشد.

قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ (۲).

دانش را در بند نگارش کشید.

نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لُهُمَا عِبَادَةٌ (۳).

نگاه فرزند به پدر و مادرش از روی محبت و دوستی، عبادت است.

مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ (۴).

کسی که برای اقامه نماز جماعت به سوی مسجد حرکت کند، برای هر قدمی، هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار درجه و مقام برایش خواهد بود.

فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ

۱- همان، ص ۵۹.

۲- همان، ص ۳۵.

۳- همان، ص ۳۸.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷۲.

بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ. (۱)

هر مؤمنی به سوی نماز جمعه حرکت کند، خداوند، سختی های قیامت را از او برطرف می گرداند و آن گاه به بهشت راهنمایی می شود.

۷۹. نیرنگ

إِيَّاكَ وَالْمَكْرَ فَإِنَّ اللَّهَ قَضَى «لَا يَحِقُّ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ». (۲)

مبادا نیرنگ بازی که خدا حکم کرد نیرنگ بد، جز به نیرنگ باز، بر نمی گردد.

۸۰. نیرنگ

لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَا كَرَهُ. (۳)

از ما نیست کسی که به مسلمانی دغلی و دورنگی کند یا زیان رساند یا نیرنگش زند.

۸۱. وفای به عهد

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعَدَ. (۴)

هر که به خدا و روز جزا عقیده دارد، باید به وعده خود وفا کند.

۸۲. ولایت محوری

يَا عَلِيُّ! لَا يُبَغِّضُكَ مُؤْمِنٌ وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ. (۵)

ای علی! هیچ مؤمنی تو را دشمن ندارد و هیچ منافقی تو را دوست ندارد.

ص: ۱۸۷

۱- همان، ج ۵، ص ۴.

۲- تحف العقول، ص ۳۴.

۳- همان، ص ۴۱.

۴- همان، ص ۴۴.

۵- نهج البلاغه، دشتی، کلمات قصار، ش ۴۵.

أَلْهَدِيَهُ عَلَى ثَلَاثَةِ وُجُوهِ: هَدِيَهُ مُكَافَاةً وَ هَدِيَهُ مُصَانَعَةً وَ هَدِيَهُ لِلَّهِ. (۱)

هدیه بر سه گونه است: هدیه با عوض، هدیه ساخت و ساز (کار راه اندازی) و هدیه برای خدا.

۸۴. هم نشینی

مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. (۲)

دوستی و هم نشینی با افراد دین دار سبب شرافت دنیا و آخرت است.

۸۵. یاد خدا

وَ مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ اجْرَهُ اللَّهُ. (۳)

و هر که بسیار خدا را یاد کند، خدا جزایش می دهد.

ص: ۱۸۸

۱- تحف العقول، ص ۴۹.

۲- خصال، ج ۱، ص ۵.

۳- تحف العقول، ص ۴۵.

۱. اصفهانی، رضا، اخلاق برای همه (جلد ۱)، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان.
۳. حرانی، ابومحمد حسن، تحف العقول، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۶ ه. ق.
۴. حکیم، سید محمد تقی، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۵. سجادی، محمد صادق و مرتضی فرید، اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۸.
۶. صالحی، عبدالله، زندگی و سخنان چهارده معصوم علیهم السلام، قم، دارالنشر، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
۷. صبحی، صالح، نهج البلاغه، بیروت، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه. ق.
۸. صدوق، خصال، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۲ ه. ق.
۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن، المحججه البیضاء، تهران، چاپ خانه حیدری، ۱۳۴۰.
۱۱. _____، وافی، اصفهان، ۱۳۲۴ ه. ق.
۱۲. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، چاپ افست مروی، بی تا.
۱۳. کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه. ق.
۱۴. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
۱۶. محصل، سید عبدالوهاب، سعدی در گلستان حدیث آل محمد صلی الله علیه و آله، قم، انتشارات محصل، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۷. مفید، الارشاد، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ه. ق.

۱۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ه.ق.

ص: ۱۸۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

